

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵

رشته انسانی

مرحله چهارم

پایه دوازدهم

نام درس	مباحث	مؤلف	ویراستار	از صفحه	تا صفحه
ریاضی و آمار	ریاضی و آمار دهم: فصل ۳ صفحه ۷۱ تا ۹۸ ریاضی و آمار یازدهم: فصل ۲ درس ۲ (از ابتدای تابع قدرمطلق) و درس ۳ صفحه ۴۰ تا ۵۴ ریاضی و آمار دوازدهم: فصل ۱ درس ۱ و ۲ صفحه ۱ تا ۲۷	علی شهبازی	محسن فراهانی پردیا نصیری امیررضا رحیمی محمدامین لطفی	۲	۹
زبان و ادبیات فارسی	علوم و فنون ادبی دهم: درس ۷ تا ۹ و کارگاه تحلیل فصل سوم صفحه ۵۹ تا ۷۸ علوم و فنون ادبی یازدهم: درس ۷ تا ۹ و کارگاه تحلیل فصل سوم صفحه ۵۷ تا ۷۸ علوم و فنون ادبی دوازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۱۰ تا ۲۸	علیرضا نعمتی	زهره صادقی مالواجردی معراج صالحی نژاد	۹	۱۷
علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی دهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۷۹ تا ۱۰۷ جامعه‌شناسی یازدهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۷۳ تا ۱۰۳ جامعه‌شناسی دوازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۱ تا ۱۸	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده‌مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۱۷	۲۸
روان‌شناسی	درس ۵ و ۶ صفحه ۱۱۲ تا ۱۵۷	سیده ضحی سکاکی	سعید ستوده‌مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۲۸	۳۰
عربی	عربی دهم: درس ۵ و ۶ صفحه ۶۷ تا ۹۲ عربی یازدهم: درس ۵ و ۶ صفحه ۶۵ تا ۹۰ عربی دوازدهم: درس ۱ صفحه ۱ تا ۱۸	آریا ذوقی	مریم آقاییاری محمدحسین غلامی	۳۱	۳۶
تاریخ	تاریخ دهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۸۰ تا ۱۱۷ تاریخ یازدهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۸۹ تا ۱۳۴ تاریخ دوازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۲ تا ۳۱	علیرضا کاهیوند کیانا یوسف‌زاده	کیانا یوسف‌زاده معراج صالحی نژاد پوریا منصوری وجیهه صادقی مالواجردی	۳۶	۴۷
جغرافیا	جغرافیای دهم: درس ۷ تا ۹ صفحه ۶۳ تا ۹۳ جغرافیای یازدهم: درس ۷ تا ۹ صفحه ۸۳ تا ۱۲۶ جغرافیای دوازدهم: درس ۱ صفحه ۱ تا ۲۰	علیرضا کاهیوند	وجیهه صادقی مالواجردی محمدحسین غلامی پوریا منصوری معراج صالحی نژاد	۴۷	۵۱
فلسفه و منطق	منطق دهم: درس ۷ و ۸ صفحه ۶۲ تا ۸۲ فلسفه یازدهم: درس ۷ تا ۹ صفحه ۵۰ تا ۷۵ فلسفه دوازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۱ تا ۱۲	مجید پیرحسینلو	مهدی بادامه‌مه محمدحسین غلامی شیر قنبری	۵۲	۶۲
اقتصاد	درس ۸ تا ۱۱ صفحه ۸۱ تا ۱۲۸	سارا شریفی	کوثر رعدی محمدحسین غلامی	۶۲	۷۴

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۵



مرورنامه آزمون آزمایشی خیل سبز



پایه دهم

فصل ۳

۱- حفظیات

اصطلاح	تعریف
۱ داده	واقعیت‌هایی دربارهٔ یک چیزند که در محاسبه، استنباط یا برنامه‌ریزی به کار می‌روند.
۲ واحد آماری	هر یک از افراد یا چیزهایی که داده‌های مربوط به آن‌ها در یک بررسی آماری گردآوری می‌شود.
۳ جامعه آماری	مجموعهٔ کل واحدهای آماری
۴ نمونه	هر زیرمجموعه از جامعه آماری که با روش مشخصی انتخاب شده باشد.
۵ نمونه تصادفی	نمونه‌ای که در آن، همهٔ اعضای جامعه، شانس انتخاب یکسانی دارند.
۶ سرشماری	مطالعهٔ همهٔ اعضای جامعه (نمونه = جامعه)
۷ مشکلات سرشماری	(۱) هزینهٔ زیاد (۲) زمان‌بر (۳) خطای بیشتر در گردآوری داده‌ها (۴) عدم امکان استفاده در داده‌های مخرب
۸ آمارگیری	گردآوری داده‌ها به یکی از روش‌های ممکن
۹ آمارگیر	کسی که آمارگیری می‌کند.
۱۰ متغیر	هر ویژگی از اشخاص یا اشیاء که قرار است بررسی شود.
۱۱ پارامتر جامعه	یک مشخصهٔ عددی که جنبهٔ خاصی از جامعه را توصیف می‌کند. (ثابت است.)
۱۲ آماره نمونه	یک مشخصهٔ عددی که جنبهٔ خاصی از نمونه را توصیف می‌کند. (متغیر است.)
۱۳ آمار	مطالعهٔ نحوهٔ گردآوری، سازمان‌دهی، تحلیل و تفسیر داده‌ها برای استخراج اطلاعات و تصمیم‌گیری
۱۴ مشاهده (نقطه آماری)	مجموعه‌ای شامل یک یا چند مقدار اندازه‌گیری‌شده برای یک عضو جامعه آماری واحد آماری

۲- روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

روش	تعریف	مشکل
مشاهده	گردآوری داده‌ها بدون نیاز به فرد پاسخگو	دقت کم
پرسش‌نامه	مجموعه سؤالات از پیش تعیین‌شده که توسط تعدادی پاسخگو تکمیل می‌شود.	اگر تعداد نمونه زیاد باشد، زمان‌بر است.
مصاحبه	بین دو نفر (مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده) انجام می‌شود.	
دادگان‌ها	استفاده از اطلاعات ذخیره‌شده	همیشه اطلاعات ثبتی در اختیار نیست.

۳- متغیرها

تعریف	● هر ویژگی از اشخاص یا اشیاء که قرار است بررسی شود.	
انواع متغیر	● کمی: مقادیر عددی می‌گیرد و برای آن عملیات ریاضی (جمع، تفریق و معدل‌گیری) قابل انجام است. ● کیفی: صرفاً برای دسته‌بندی افراد یا اشیاء در گروه‌ها به کار می‌رود و لزوماً مقدار عددی نمی‌گیرد.	
مقیاس متغیرها	کمی	● اغلب متغیرهای فیزیکی ● صفر به معنی نبودن ویژگی است.
		● به خاطر استفاده از لوازم دقیق، ویژگی افراد یا اشیاء به دقت اندازه‌گیری می‌شود. ● صفر، قراردادی است.
	کیفی	● با استفاده از الفاظ، ضمن ایجاد تفکیک، بین افراد و اشیاء، ارجحیت نیز قائل می‌شود.
		● شامل نام‌ها، برجسب‌ها و گروه‌هاست، ولی ترتیب در آن‌ها وجود ندارد.



۴- جدول برای تشخیص مقیاس متغیرها -

نسبت بین مقادیر داده‌ها معنی دارد؟	اختلاف بین مقادیر داده‌ها معنی دارد؟	قابل مرتب کردن است.	مثال
✓	✓	✓	وزن، قد، مدت زمان کلاس
×	✓	✓	دما، ساعت شروع کلاس
×	×	✓	رتبه کنکور، مراحل تحصیلی
×	×	×	رنگ ماشین، اسم افراد

۵- معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی -

اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی (یا مثال)
میانگین	$\bar{x}$	مجموع تعداد	$\bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n}$
میانگین موزون	$\bar{x}_w$	= میانگین موزون مجموع حاصل ضرب هر داده در فراوانی‌اش مجموع فراوانی‌ها	$\bar{x}_w = \frac{f_1 x_1 + f_2 x_2 + \dots + f_n x_n}{f_1 + f_2 + \dots + f_n}$
میان	Q_p	تعداد داده‌ها فرد باشد ← داده وسطی	داده $(\frac{n+1}{2})$ ام
		تعداد داده‌ها زوج باشد ← میانگین دو داده وسطی	میانگین داده $(\frac{n}{2})$ ام و $(\frac{n}{2} + 1)$ ام
مُد		داده‌ای که بیشترین فراوانی (تکرار) را دارد.	مثال: ۴, ۴, ۷, ۵, ۱۰, ۱۰, ۱۶ → ۴, ۱۰
دامنه تغییرات	R	اختلاف بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین داده	$R = \max - \min$

۶- نکات معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی -

۱	اگر تعدادی داده به داده‌هایمان اضافه یا کم کنیم که میانگینشان با میانگین داده‌های اولیه یکسان باشد، میانگین تغییری نمی‌کند.
۲	مجموع انحراف (اختلاف) داده‌ها از میانگین صفر است: $(x_1 - \bar{x}) + (x_2 - \bar{x}) + \dots + (x_n - \bar{x}) = 0$

۷- معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی -

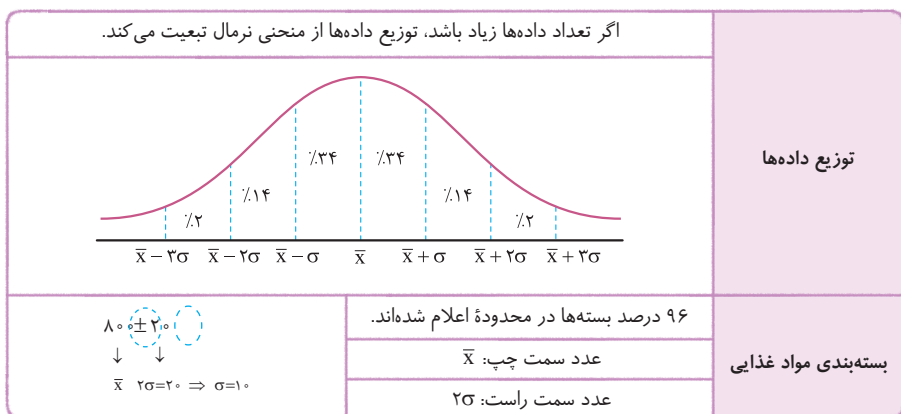
اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی (یا مثال)
چارک اول	Q_1	میانۀ نیمۀ اول داده‌ها	مثال: $2, 3, 5, 8, 10, 14, 19, 25, 30$ نیمۀ اول: $2, 3, 5, 8$ → $Q_1 = 4$ نیمۀ دوم: $10, 14, 19, 25, 30$ → $Q_3 = 22$
چارک سوم	Q_3	میانۀ نیمۀ دوم داده‌ها	
واریانس	σ^2	مجموع مربعات اختلاف داده‌ها از میانگین تعداد	$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$
انحراف معیار	σ	واریانس = $\sqrt{\text{انحراف معیار}}$	$\sigma = \sqrt{\frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}}$
دامنه میان چارکی	IQR	چارک اول - چارک سوم = دامنه میان چارکی	$IQR = Q_3 - Q_1$



۸- نکات معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی -

۱	اگر داده‌ها با هم برابر باشند، تمام معیارهای پراکندگی (یعنی R ، σ^2 و IQR) صفر می‌شوند و برعکس.
۲	اگر داده دورافتاده داشتیم، سراغ میانه و دامنه میان چارکی می‌رویم. (سراغ میانگین، انحراف معیار و واریانس نمی‌رویم).

۹- منحنی نرمال (خم بهنجار) -



پایه یازدهم

۱- تابع قدرمطلق -

۱) تابع $y = |x|$:

نمودار	نمایش دوضابطه‌ای	دامنه	برد
	$ x = \begin{cases} x & x \geq 0 \\ -x & x < 0 \end{cases}$	$\mathbb{R}$	$y \geq 0$

۲) دوضابطه‌ای نوشتن تابع $y = |ax + b|$ (با شرط $a > 0$):

نقطه شکستگی نمودار	دوضابطه‌ای نوشتن	مثال
ریشه داخل قدرمطلق x	$ ax + b = \begin{cases} ax + b & x \geq -\frac{b}{a} \\ -(ax + b) & x < -\frac{b}{a} \end{cases}$ ریشه داخل قدرمطلق	$ 2x - 6 = \begin{cases} 2x - 6 & x \geq 3 \\ -(2x - 6) & x < 3 \end{cases}$

تذکر: علامت مساوی مربوط به دامنه ضابطه‌ها، می‌تواند فقط در یکی از ضابطه‌ها باشد. (به دلخواه)

۳) انتقال‌ها روی نمودار $y = |x|$ (با فرض $a, b > 0$):

$y = - x $	$y = x - b$	$y = x + b$	$y = x - a $	$y = x + a $
قرینه نسبت به محور x	b واحد به پایین	b واحد به بالا	a واحد به راست	a واحد به چپ

۴) ترتیب مراحل در رسم تابع $y = \pm |x \pm a| \pm b$:

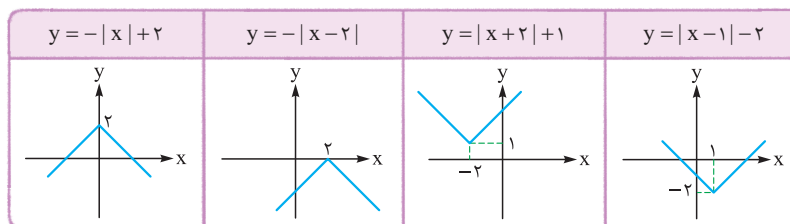
$y = (\pm) |x (\pm) a| (\pm) b$
 سوم اول دوم



مرورنامه آزمون آزمایشی خیالی سبز

ریاضی

چند نمونه ببینید: ۵



رسم توابع به فرم « (درجه یک) $\pm$ |درجه یک| $\pm$ y » ۶

مثال	توضیح مرحله													
$f(x) = 2x - 4 + x - 1$ $\downarrow$ $2x - 4 = 0 \Rightarrow x = 2$	ریشه عبارت داخل قدرمطلق را تعیین می کنیم.	۱												
قبل از ریشه ریشه بعد از ریشه <table><tr><td>x</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td></tr><tr><td>y</td><td>۲</td><td>۱</td><td>۴</td></tr><tr><td>نقطه</td><td>A(۱, ۲)</td><td>B(۲, ۱)</td><td>C(۳, ۴)</td></tr></table>	x	۱	۲	۳	y	۲	۱	۴	نقطه	A(۱, ۲)	B(۲, ۱)	C(۳, ۴)	مقدار تابع را در ریشه داخل قدرمطلق ها و یک عدد قبل و بعد از آن به دست می آوریم.	۲
x	۱	۲	۳											
y	۲	۱	۴											
نقطه	A(۱, ۲)	B(۲, ۱)	C(۳, ۴)											
	نقاط بالا را به طور متوالی به هم وصل می کنیم.	۳												

۷ برای حل معادله به فرم $| \text{ } | = k$ باید دو معادله $\text{ } = k$ و $\text{ } = -k$ را حل کنیم.
 به عدد مثبت

– اعمال جبری روی توابع –

۱ ۴ عمل اصلی روی توابع به صورت زیر تعریف می شود:

اسم عمل	نماد	تعریف ریاضی	دامنه
جمع دو تابع	$f + g$	$(f + g)(x) = f(x) + g(x)$	$D_f \cap D_g$
تفریق دو تابع	$f - g$	$(f - g)(x) = f(x) - g(x)$	$D_f \cap D_g$
ضرب دو تابع	fg	$(fg)(x) = f(x).g(x)$	$D_f \cap D_g$
تقسیم دو تابع	$\frac{f}{g}$	$(\frac{f}{g})(x) = \frac{f(x)}{g(x)}$	$D_f \cap D_g - \{x g(x) = 0\}$

۲ اعمال جبری در نمایش زوج مرتبی با یک مثال:

مثال فرض کنید $f = \{(1, 4), (2, 7), (3, 10)\}$ و $g = \{(2, -1), (3, 6), (4, 1)\}$ باشد و ما $f + 2g$ را بخواهیم:

مرحله ۱	اشتراک دامنه های f و g را حساب می کنیم: $D_{f+2g} = \{2, 3\}$
مرحله ۲	مقدار $f + 2g$ را به ازای x های دامنه به دست می آوریم: $x = 2: f(2) + 2g(2) = 7 + 2(-1) = 5 \rightarrow (2, 5)$ زوج مرتب $x = 3: f(3) + 2g(3) = 10 + 2(6) = 22 \rightarrow (3, 22)$ زوج مرتب
مرحله ۳	$f + 2g = \{(2, 5), (3, 22)\}$



۳ محاسبه برد توابع $f \times g$:

مرحله ۱	ابتدا دامنه تابع $f \times g$ را حساب می‌کنیم.
مرحله ۲	ضابطه $f \times g$ را تشکیل می‌دهیم.
مرحله ۳	برد تابع $f \times g$ را با استفاده از دامنه‌اش به دست می‌آوریم.

۴ نمودار توابعی به فرم $y = \frac{\text{عبارت درجه دو}}{\text{عبارت درجه یک}}$ که به ما می‌دهند حتماً یک ویژگی را دارد: «صورت کسر بعد از تجزیه با مخرج ساده می‌شود.» برای مثال نمودار تابع $y = \frac{x^2 - x - 6}{x + 2}$ را مرحله به مرحله رسم می‌کنیم:

مراحل روی مثال	توضیح مرحله							
$y = \frac{x^2 - x - 6}{x + 2} = \frac{(x-3)(x+2)}{x+2} = x-3$	صورت و مخرج را تجزیه و کسر را ساده می‌کنیم.	۱						
$y = x-3 \xrightarrow{x=-2} y = -5$	مقدار تابع جدید را به ازای ریشه مخرج (یعنی $x = -2$) حساب می‌کنیم.	۲						
$A(-2, -5)$	نقطه به دست آمده از مرحله قبل، نقطه‌ای است که نمودار تابع در آن توخالی است.	۳						
<table border="1"> <tr> <td>x</td><td>۰</td><td>۳</td></tr> <tr> <td>y</td><td>-۳</td><td>۰</td></tr> </table> نقطه $(0, -3)$ $(3, 0)$	x	۰	۳	y	-۳	۰	دو نقطه روی خط $y = x-3$ مشخص می‌کنیم.	۴
x	۰	۳						
y	-۳	۰						
	به کمک دو نقطه مرحله قبل، نمودار را رسم می‌کنیم و نقطه $A(-2, -5)$ را توخالی می‌گذاریم.	۵						

پایه دوازدهم

احتمال

۱ انواع آزمایش (پدیده):

تعریف	مثال	
تصادفی	نمی‌توان نتیجه آن‌ها را پیش از وقوع، به طور قطع تعیین کرد.	برداشتن ۲ مهره از کیسه‌ای که ۴ مهره سفید و ۲ مهره سیاه دارد.
قطعی	می‌توان نتیجه آن‌ها را پیش از وقوع، به طور قطع تعیین کرد.	برداشتن ۲ مهره از کیسه‌ای که ۶ مهره سیاه یکسان دارد.

۲ چند اصطلاح:

تعریف	مثال در آزمایش پرتاب یک تاس	
فضای نمونه	مجموعه‌ای تمام نتایج ممکن یک آزمایش تصادفی	$S = \{1, 2, 3, 4, 5, 6\}$
برآمد	به هر کدام از اعضای فضای نمونه، یک برآمد می‌گوییم.	۱ یا ۲ یا ۳ یا ۴ یا ۵ یا ۶
پیشامد	به هر زیرمجموعه از فضای نمونه، یک پیشامد می‌گوییم.	مثلاً $\{2, 4\}$ یا $\{1, 4, 6\}$

۳ نکات پیشامد:

توضیح	مثال در آزمایش پرتاب تاس	
۱) پیشامد غیرممکن (نشدنی) $\leftarrow$ مجموعه تهی ($\emptyset$)	پیشامد آمدن عدد ۷	دو پیشامد خاص
۲) پیشامد حتمی $\leftarrow$ مجموعه فضای نمونه (S)	پیشامد آمدن عددی کوچک‌تر از ۷	
(تعداد اعضای فضای نمونه) n	$2^6 = 64$	تعداد پیشامدها
اگر نتیجه آزمایش، عضو پیشامد باشد، آن پیشامد رخ داده.	اگر در پرتاب یک تاس، عدد ۳ بیاید، پیشامدهایی مثل $\{1, 3, 4\}$ و $\{3\}$ رخ داده‌اند.	کی یک پیشامد رخ می‌دهد؟



۴ تعداد اعضای فضای نمونه در آزمایش مهم:

تعداد اعضای S	آزمایش
2^n	پرتاب n سکه
6^n	پرتاب n تاس
$2^n \times 6^m$	پرتاب n سکه و m تاس
2^n	خانواده n فرزندی
$n!$	جایگشت n شیء متمایز
$P(n, r) = \frac{n!}{(n-r)!}$	جایگشت r شیء از n شیء
$C(n, r) = \frac{n!}{(n-r)!r!}$	انتخاب r شیء از n شیء

۵ مجموع اعداد دو تاس می‌تواند عددی از ۲ (هر دو تاس ۱ باشند) تا ۱۲ (هر دو تاس ۶ باشند) باشد.

جدول زیر تعداد اعضای پیشامد مجموع اعداد دو تاس را نشان می‌دهد:

مجموع اعداد دو تاس	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
تعداد اعضای پیشامد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵	۴	۳	۲	۱
قاعده برای حفظ کردن	قاعده $n-1$: یعنی اعداد سطر بالا را باید از هر ۲ قاعده $n-1$ و $n-1$ تا ۱۳-n جواب می‌دهد. منهای ۱ کنیم تا اعداد سطر پایین به دست آید.										

۶ اعمال روی پیشامدها:

نمودار ون	توضیح	نماد ریاضی
	A رخ ندهد.	A'
	A یا B رخ دهد. (حداقل یکی)	$A \cup B$
	A و B رخ دهند. (هر دو)	$A \cap B$
	A رخ دهد، ولی B رخ ندهد (فقط A رخ دهد).	$A - B$
	دقیقاً یکی از دو پیشامد A یا B رخ دهد.	$(A - B) \cup (B - A)$ $(A \cup B) - (A \cap B)$

۷ چند قانون در مجموعه‌ها:

رابطه ریاضی	قانون
$A - B = A \cap B'$	تبدیل تفاضل به اشتراک
$A - B = A - (A \cap B)$	بی‌اسم!
$(A \cup B)' = A' \cap B'$	دمورگان
$(A \cap B)' = A' \cup B'$	
$A \cup (A \cap B) = A$	جذب
$A \cap (A \cup B) = A$	



۸ دو پیشامد ناسازگار:

تعریف	رابطه ریاضی	نمودار ون
دو پیشامد که عضو مشترکی ندارند.	$A \cap B = \emptyset$ یا $P(A \cap B) = 0$	

۹ رابطه محاسبه احتمال وقوع یک پیشامد:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{\text{تعداد حالات مطلوب}}{\text{تعداد کل حالات ممکن}}$$

۱۰ احتمال وقوع یک پیشامد، همواره عددی بین صفر و ۱ است: $0 \leq P(A) \leq 1$

۱۱ چند تیپ سؤال مهم در احتمال با مثال:

تیپ سؤال	مثال	جواب
باید اعضای پیشامد را بنویسیم.	با ارقام ۱ تا ۵ یک عدد دورقمی بدون تکرار ارقام می‌نویسیم. با چه احتمالی مضرب ۳ است؟	$n(S) = \frac{5}{5} \times \frac{4}{4} = 20$ $A = \{12, 15, 21, 24, 42, 45, 51, 54\} \Rightarrow n(A) = 8$ $P(A) = \frac{8}{20} = 0.4$
مسائل مربوط به سکه و تاس	در پرتاب یک سکه و یک تاس، با چه احتمالی سکه رو و تاس مضرب ۳ می‌آید؟	$n(S) = \frac{2}{\text{تاس}} \times \frac{6}{\text{سکه}} = 12$ $n(A) = \frac{1}{\text{سکه}} \times \frac{2}{\text{تاس}} = 2$ رو۶، ۳ $P(A) = \frac{2}{12} = \frac{1}{6}$
فرزندان خانواده	در یک خانواده ۵ فرزند، با چه احتمالی دقیقاً ۳ فرزند دختر داریم؟	$n(S) = 2^5 = 32$ $n(A) = \binom{5}{3} = 10$ $P(A) = \frac{10}{32} = \frac{5}{16}$
مسائل مرتبط با اصل ضرب و جایگشت	با حروف کلمه alish یک کلمه ۵ حرفی می‌نویسیم. با چه احتمالی حرف اول آن a است و حرف آخرش h نیست؟	$n(S) = 5! = 120$ $n(A) = \frac{1}{\text{اول}} \times \frac{3}{\text{}} \times \frac{2}{\text{}} \times \frac{1}{\text{آخر}} \times \frac{3}{\text{آخر}} = 18$ a1, i, s $P(A) = \frac{18}{120} = \frac{3}{20}$
مسائل مرتبط با انتخاب	در کیسه‌ای ۴ مهره آبی و ۵ مهره قرمز داریم. ۲ مهره از کیسه خارج می‌کنیم. با چه احتمالی هم‌رنگ‌اند؟	$n(S) = \binom{9}{2} = \frac{9 \times 8}{2} = 36$ $n(A) = \binom{4}{2} + \binom{5}{2} = 6 + 10 = 16$ $P(A) = \frac{16}{36} = \frac{4}{9}$
مسائل مربوط به روزهای هفته	در یک گروه ۳ نفری با چه احتمالی هر سه نفر در روزهای متفاوتی از هفته به دنیا آمده‌اند؟	$n(S) = \frac{7}{\text{اول}} \times \frac{6}{\text{دوم}} \times \frac{5}{\text{سوم}}$ $n(A) = \frac{7}{\text{اول}} \times \frac{6}{\text{دوم}} \times \frac{5}{\text{سوم}}$ $P(A) = \frac{7 \times 6 \times 5}{7 \times 7 \times 7} = \frac{30}{49}$



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

ریاضی

تیب سؤال	مثال	جواب
مسائل صفحه عقربه دار با تقسیم بندی یکسان	عقربه صفحه مقابل را می چرخانیم. با چه احتمالی روی عددی اول می ایستد؟ 	۵, ۷, ۱۱, ۱۳, ۱۷, ۱۹ ↑ $\text{احتمال} = \frac{\text{تعداد خانه های مطلوب}}{\text{تعداد کل تقسیم بندی ها}} = \frac{۶}{۸} = \frac{۳}{۴}$
مسائل صفحه عقربه دار با تقسیم بندی غیر یکسان	عقربه صفحه مقابل را می چرخانیم. با چه احتمالی روی قسمت آبی یا سبز می ایستد؟ 	$\text{احتمال} = \frac{\text{مجموع زوایای سبز و آبی}}{۳۶۰} = \frac{۷۰ + ۵۰}{۳۶۰} = \frac{۱۲۰}{۳۶۰} = \frac{۱}{۳}$

۱۲ احتمال پیشامد متمم:

کی ارزش استفاده می کنیم؟	وقتی شمردن اعضای پیشامد A سخت است، ولی شمردن اعضای پیشامد متمم یعنی A' ساده است.
فرمول احتمال متمم	$P(A) = 1 - P(A')$
کلمات کلیدی سؤال ها	اگر در سؤالی از کلمات «حداقل»، «حداکثر» یا «فعل منفی» استفاده شده بود، حتماً یک بار در ذهنتان متمم پیشامد را بررسی کنید. اگر شمردن اعضای متمم راحت تر بود، از احتمال متمم سؤال را حل کنید.

۱۳ چند فرمول:

توضیح پیشامد	نماد پیشامد	فرمول احتمال
۱ احتمال رخدادن A	A'	$P(A') = 1 - P(A)$
۲ احتمال رخدادن فقط A	A - B	$P(A - B) = P(A) - P(A \cap B)$
۳ احتمال رخدادن حداقل یکی از دو پیشامد A و B	A ∪ B	$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$
۴ احتمال رخدادن حداقل یکی از دو پیشامد A و B (وقتی A و B ناسازگارند.)	A ∪ B	$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - \underbrace{P(A \cap B)}_{0}$

علوم و فنون ادبی

پایه دهم

درس ۷: سبک و سبک شناسی (سبک خراسانی)

- به مجموعه ویژگی هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه بکار می گیرد، سبک شعری می گویند.

طبقه بندی سبک شعر براساس نظریه ارسطو:

- ۱ نام شاعر یا نویسنده: سبک فردوسی، سبک بیهقی
- ۲ براساس زمان و دوره اثر: سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه.
- ۳ براساس موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حماسی.
- ۴ براساس محیط جغرافیایی: سبک آذربایجانی، سبک خراسانی.
- ۵ به تناسب مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه
- ۶ براساس هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی.
- ۷ براساس قلمرو دانش: سبک علمی، فلسفی.

طبقه بندی سبک شعر فارسی براساس حوزه جغرافیایی و تاریخی: (طبق تقسیم بندی محمدتقی بهار)

- ۱ سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)
- ۲ سبک عراقی (از ششم تا دهم)
- ۳ سبک هندی (از دهم تا سیزدهم)
- ۴ دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم)
- ۵ دوره مشروطه
- ۶ دوره معاصر

بر بنیاد این تقسیم بندی و با توجه به دوره های تاریخی، نثر فارسی هم در شش رده طبقه بندی می شود:

- ۱ دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ ه. ق)
- ۲ دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ ه. ق)
- ۳ سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی (۵۵۰ تا ۶۱۶ ه. ق)



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

علوم و فنون ادبی

۴ دوره سبک عراقی، نثر مصنوع (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ه. ق.)

۵ دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ه. ق.)

۶ دوره ساده‌نویسی (۱۳۰۰ ه. ق تا امروز)

— شعر —

۱ نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام ← ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.

۲ سبک خراسانی برحسب زمان به سه سبک فرعی تقسیم می‌شود ← سامانی، غزنوی، سلجوقی

۳ دوره سلجوقی را بینابین می‌نامند، زیرا ویژگی‌های سبک عراقی در آن به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های شعر خراسانی در ۳ قلمرو:

زبانی	۱) سادگی زبان شعر ۲) کم بودن لغات عربی ۳) کم شدن لغات بیگانه ۴) تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با زبان امروز (تک/هزار) ۵) کهنه و مهجور بودن کلمات (گبر/جوشن) ۶) استفاده از دو نشانه برای یک مضم
ادبی	۱) قالب عمده شعر این دوره، قصیده است. ۲) شکل گرفتن قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند و مثنوی. ۳) رشد قالب غزل در اواخر این دوره. ۴) استفاده از آرایه‌ها در حد اعتدال است. ۵) قافیه و ردیف بسیار ساده است. ۶) بیشتر تشبیه حسی استفاده می‌شود.
فکری	۱) روح شادی و نشاط و خوش‌باشی. ۲) شعر واقع‌گراست. ۳) توصیفات ساده، طبیعی، محسوس و عینی. ۴) معشوق زمینی است. ۵) روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است. ۶) اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره ساده است. ۷) مضمون عمده ← حماسه، مدح، اندرز. ۸) فکر و کلام ساده است.

— نثر —

ویژگی‌های دوره سامانی

۱ ایجاز و اختصار در لفظ و معنا

۲ تکرار فعل

۳ کوتاهی جملات

۴ لغات کم کاربرد فارسی

۵ بهره‌گیری کم از لغات عربی

۶ افزایش نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

۷ نثر این دوره بیشتر علمی است.

۸ گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.

از نمونه‌های این نثر، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، شاهنامه منثور ابومنصور

ویژگی‌های دوره غزنوی و سلجوقی

۱ اطناب (جمله‌ها طولانی هستند).

۲ تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار.

۳ حذف افعال به قرینه

۴ افزایش کاربرد لغات عربی

از نمونه‌های موفق این نثر، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب.

نکات مهم

۱ محتوای عمده نثر دوره سامانی، علمی است.

۲ سبک خراسانی = سبک سامانی = سبک ترکستانی

۳ تقسیم‌بندی ملک‌الشعرا در نثر براساس دوره تاریخی است.

درس ۸: وزن شعر فارسی

وزن شعر نظمی است بر مبنای کمیت هجاها (یعنی بر پایه چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است). عروض: علمی است که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و علمی تعیین می‌کند. مصراع: واحد وزن در شعر فارسی است. تقطیع: قطعه قطعه کردن شعر به ارکان عروضی و هجاها.

خط عروضی و قوانین آن

- ۱ همزه آغاز یک هجا اگر تلفظ نشود، در خط عروض هم نباید نوشته شود. ← «طاعت آن» باید «طاغثان» نوشته و خوانده شود.
- ۲ در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود. ← «من و او» باید «مَن او» نوشته شود.
- ۳ حروفی که در خط هست اما به تلفظ در نمی‌آید، باید در خط عروضی حذف شود. ← «هر چه بر نفس خویش» باید «هر چ بر نفس خیش» نوشته شود.
- ۴ حروف مشدد را دو بار می‌نویسیم. ← «دژنده» باید «دژرنده» نوشته شود.

تقطیع هجایی

- ۱ مصراع‌ها را زیر هم می‌نویسیم.
- ۲ آن‌ها را به ارکان و سپس هجاها تقسیم می‌کنیم.
- ۳ در این تقسیم‌بندی، باید در هر خانه، فقط یک مصوت وجود داشته باشد.
- ۴ علامت هر هجا را زیر آن می‌نویسیم.
- ۵ وزن شعر را با توجه به چینش موجود پیدا می‌کنیم.

مثال

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی / دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

(۳) در هر خانه یک مصوت وجود دارد.

پایه‌های آوایی	سی نِ مالا	مالِ دَر دس	تِی دَری غا	مَر ه می
نشانه‌های هجایی	دل ز تن ها	بی پ جان آ	مد خُ دا را	هم د می
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن

(۴) علامت هر هجا

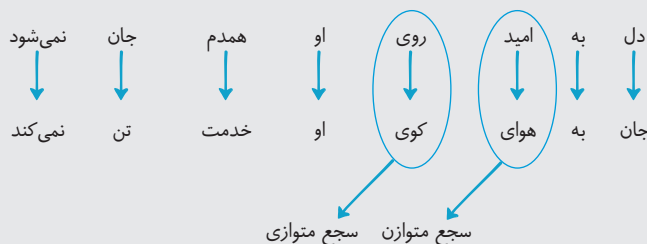
(۵) وزن شعر

- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوه تقطیع هجایی، اول باید خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. دوم، نوشتن شعر به خط عروضی است. سوم تقطیع هجایی است به همان روشی که ذکر شد. چهارم مشخص کردن پایه‌های آوایی طبق چینش هجاها و نام‌گذاری پایه‌های آوایی است. پس از نام‌گذاری، وزن شعر به دست می‌آید.
- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوه سماعی باید اول خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. سپس به درنگ‌ها توجه شود. بعد از آن، باید ریتم بیت کشف شود. و در آخر تطبیق ریتم شعر با افاعیل (وزن واژه‌های شعر فارسی).

درس ۹: موازنه و ترصیع

موازنه: تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هم آهنگی آن‌ها می‌انجامد. در واقع یعنی اگر دو مصراع یا جمله را زیر هم بنویسیم و واژه‌های آن‌ها دوبه‌دو روی هم قرار بگیرند، و با هم سجع متوازن یا متوازی داشته باشند، آرایه موازنه داریم.

مثال



- این تقابل سجع‌ها افزایش‌دهنده موسیقی لفظی شعر است. ترصیع: همان موازنه است با این تفاوت که تمام سجع‌های آن متوازی است.

ای متور به تو نجوم
ای مقرر به تو رسوم
همه آن‌ها با هم سجع متوازی دارند.



نکات دیگر:

- موازنه و ترصیع در نثر نیز اتفاق می‌افتد: در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.
- سجع مطرف موازنه یا ترصیع نمی‌سازد.
- ترصیع از موازنه موسیقایی تر است. (موسیقی بیشتری ایجاد می‌کند).
- اگر تمام کلمات با هم سجع متوازی داشتند و فقط یکی از آن‌ها سجع متوازن داشت، باز هم موازنه حساب می‌شود. نه ترصیع!
- در موازنه می‌توانیم علاوه بر سجع متوازن، سجع متوازی هم داشته باشیم.

پایه یازدهم

درس ۷: تاریخ ادبیات فارسی قرن دهم و یازدهم

– قرن دهم –

- ۱ در این قرن حکومت دست جانشینان تیمور بود، به گونه‌ای که هر گوشه‌ای حاکمی از آنان حکومت می‌کرد و اوضاع اجتماعی - سیاسی و ادبیات ایران آشفته شده بود.
- ۲ جریان شعری در این دوره غالب بود:
 - ۱ شعر فصیح و لطیفی که به شیوه کسانی مثل حافظ و سعدی در جریان بود و بابافغان شیرازی از نمایندگان آن است.
 - ۲ مکتب وقوع که نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و بازتاب محیط اجتماعی قرن دهم بود که البته راه به جایی نبرد.
 - ۳ شاعران در این دوره تشخیص دادند که سبک عراقی از واقعیت دور شده و جنبه ذهنی و تخیلی پیدا کرده است.
 - ۴ شاعران برای دوری از این جنبه ذهنی و تخیلی به حقیقت‌گویی و واقع‌گویی روی آوردند. آن‌ها نیازمند پرداختن به مسائل اجتماعی / انتقادهای سیاسی بودند، اما قالب غزل اجازه جولان بیشتر در این میدان را نمی‌داد.
- ۵
 - ۱ کم توجهی شاهان صفوی نسبت به شاعران
 - ۲ شاعران به دربارهای هند روی آوردند.
- ۶ آشنایی با تفکرات و معارف هندوان در تغییر سبک دخیل بود.
- ۷ در این دوره شاهان گورکانی هند همگی به فارسی سخن می‌گفتند.
- ۸ زبان فارسی همه‌گیر و رسمی شد و تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند، زبان رسمی آن دیار بود.
- ۹ در این دوره اصفهان از دیدگاه ادبی توسعه یافت و خراسان و آذربایجان نیز به کانون‌های مهمی برای شاعران و هنرمندان تبدیل شد.
- ۱۰ شاهان صفوی علی‌رغم تأثیرشان در ترویج زبان ترکی، به فارسی نیز شعر گفته یا کتاب می‌نوشتند.
- ۱۱
 - ۱ برخی از شاهان مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و می‌بایست خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند.
 - ۲ آن‌ها با رؤسای مذاهب در تماس بودند.
 - ۳ رقاباتی چون شاهان عثمانی و هند داشتند که آن‌ها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان می‌دادند.
- ۱۲ بهزاد در دوره شاه اسماعیل و رضا عباسی در دوران شاه عباس از مفاخر هنرد.

– قرن یازدهم –

- ۱ ترویج مذهب شیعه توسط حکومت صفوی و بی‌توجهی به شعر ستایشی، درباری و عاشقانه‌های زمینی — شاعران به مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و تبدیل موضوعات و تمثیل‌های کهن به مضامین تازه روی آوردند.
- ۲ وابسته نبودن شعر به دربار — از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان — گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شدند.
- ۳ بهادر ندادن به شعر ستایشی — شاعران برای امرار معاش راهی دیار هند شدند (چراکه در هند هنوز بازار مدیحه‌سرایی داغ بود).
- ۴
 - ۱ رفاه اقتصادی
 - ۲ آبادانی
 - ۳ رونق تجارت و کسب و کار
- ۵ آشنایی ایرانیان با اروپاییان — مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه‌ها دایر شد و شاعران در آن‌جا به مشاعره و مناظره و نقد آثار مشغول شدند.

قرن دهم	بابافغانی شیرازی	از شعرای تأثیرگذار قرن ۱۰ هجری دقت و ظرافت و رقت معانی در شعرش مشهور است.
	وحشی بافقی	سبک شعرش حد واسطه سبک دوره عراقی و دوره بعد یعنی سبک هندی است / شاخصه اصلی شعرش واقع‌گرایی است.
	محتشم کاشانی	در سرودن شعر مذهبی معروف بود / ترکیب‌بند عاشورایی او: باز این چه شورش است که در خلق آدم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز ایمن چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است



مرورنامه آزمون آزمایشی خیالی سبز

علوم و فنون ادبی

مشهور در ابداع معانی و خیال‌های رنگین / ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره‌ای سخن او را برجسته کرده / به کارگیری مضمون‌های ابداعی فراوان / لقب او «خلاق‌المعانی ثانی» بود.	کلیم کاشانی	قرن یازدهم
معروف‌ترین شاعر سبک هندی و از پرکاربردترین شاعران فارسی زبان / در غزل‌سرایی مشهور است / به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند / او را خداوندگار مضامین تازه شعری دانسته‌اند.	صائب تبریزی	
سرودن غزل‌های خیال‌انگیز / به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن / ویژگی‌های شعر او: (۱) مضمون‌های پیچیده (۲) استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام (۳) تخیل‌های رمزآمیز	بیدل دهلوی	

نکات مهم

۱ در قرن یازدهم در دربار هند قصیده رواج داشت.

۲ هند و اصفهان در قرن ۱۰ توسعه ادبی بیشتری داشتند.

۳ مضمون‌های بدیع: بیدل دهلوی

خیال‌های رنگین: کلیم کاشانی

مضمون‌های ابداعی: کلیم کاشانی (قافیه نکند!!)

غزل‌های خیال‌انگیز: بیدل دهلوی

درس ۸: پایه‌های آوایی همسان (۲)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، وزن‌واژه هر پایه را مشخص می‌کنیم.

۴ وزن‌واژه یا رکن معرفی شده در کتاب -

۱ فعلولن: (ت تن تن)

خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

پایه‌های آوایی	خُ دا یا	بِ خا ری	م را نَر	دَرَم
وزن	کِ صو رت	نَ بَد دَد	دَ ری دی	گَ رَم
نشانه‌های هجایی	--U	--U	--U	-U

۲ مستفعلن: (تن تن ت تن)

گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند وین عالم بی اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند

پایه‌های آوایی	گر جا ن عا	شَق دَم رَ ند	آ تَش دَ رین	عَا لَم رَ ند
وزن	وین عا لِم	بی اَص ل را	چُن دَرِ رها	بَر هم رَ ند
نشانه‌های هجایی	-U--	-U--	-U--	-U--

۳ مفتعلن: (تن ت ت تن)

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده ای مرجبا

پایه‌های آوایی	ای نَف تِ سی	خُرَم با	دِ ص با
وزن	آز بَ رِ یا	رامَدِ ای	مَر خ با
نشانه‌های هجایی	-UU-	-UU-	-U-

۴ فعاتن: (ت ت تن تن)

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

پایه‌های آوایی	تُ خ کی می	تُ غ ظی می	تُ ک ری می	تُ ر حی می
وزن	تُ نَ ما یَن	دِ ی فض لی	تُ سی زا وا	رَ تَ نا بی
نشانه‌های هجایی	--UU	--UU	--UU	--UU



نکات مهم

- گاهی هجاهای رکن پایانی مصراع به گونه‌ای است که گویی ادامه رکن‌های قبلی است، اما از پایان آن یک هجا حذف شده؛ در این صورت باز هم وزن آن همسان است. (مثالش همان مثال مورد سوم است برای مفتعلن)
- اگر یک وزن‌واژه در بیتهی ۳ بار تکرار شده باشد و در بیت دیگر ۴ بار، باز هم هر دو بیت وزن‌های همسانی دارند.

برای فهم بیشتر -

مهم‌ترین وزن‌واژه‌ها:

تک‌هجایی	دو‌هجایی	سه‌هجایی	چهارهجایی
قَع (-)	فَعْلَن (--)	فَعْلون (-U)	فَعْلان (---UU)
	فَعْل (-U)	فَاعْلن (-U-)	مَفْعْلان (-U-U)
		مَفْعول (U--)	مَفْعْلین (---U)
		مَفْعولن (---)	فَاعْلان (-U-)
		فَعْلُن (-UU)	فَاعْلان (U-U-)
			مَفْعیل (U--U)
			مُسْتَفْعِل (UU--)
			مَفْتَعْلن (-UU-)
			مُسْتَفْعْلن (-U--)

● وزن‌واژه‌های ۵هجایی هم داریم که چون در کتاب نیامده، یاد گرفتنش ضرورتی ندارد.

پنج‌هجایی:

مُتَفَاعْلن (-U-UU)

مُسْتَفْعْلان (-U--)

درس ۹: استعاره

تعریف لغوی استعاره: عاریت و وام گرفتن

تعریف در ادبیات: استعاره کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارتی اگر یکی از دو طرف تشبیه را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید می‌آید.

تشبیه گسترده	تشبیه + ادات تشبیه + وجه‌شبه + مشبّه‌به
تشبیه فشرده	مشبّه + مشبّه‌به
استعاره	(۱) مشبّه‌به (۲) مشبّه + ویژگی مشبّه‌به

زمانی که از ۴ رکن (تشبیه گسترده) به ۱ رکن (استعاره) می‌رسیم، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد.

(۱) اگر فقط از ۴ رکن تشبیه، مشبّه‌به باقی بماند، استعاره آشکار یا مصرّحه داریم.

(۲) مشبّه‌به همراه ویژگی‌های مشبّه‌به بیاید، استعاره پنهان یا مکیه داریم.

مثال

تشخیص (شخصیت‌بخشی، جان‌بخشی): گاهی در استعاره مکیه، مشبه موجودی بی‌جان و غیرانسان است، مشبه‌به محذوف، انسان است.

باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

در این بیت باغ (مشبه غیرانسان) مانند انسان (مشبه‌به) سلام می‌کند.

تشبیه

مثال

منادابودن غیرانسان: اگر غیرانسان منادا قرار بگیرد، به این معنا است که مانند انسان پنداشته‌ایم و این نیز تشخیص است.

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

مثال

اضافه استعاری: در حالتی دیگر از استعاره مکیه، یک ویژگی از مشبه‌به محذوف، به مشبه اضافه می‌گردد و به صورت ترکیب اضافی درمی‌آید.

به این حالت اضافه استعاری می‌گوییم.

کسی چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

در مصراع بالا، اندیشه مانند انسان، رخ و چهره دارد و رخ با اندیشه (مشبه) ترکیبی اضافی ساخته است.



مثال‌های دیگر برای این درس:

- (۱) باز امشب ای ستاره تابان نیامدی باز ای سپیده شب هجران نیامدی
در این بیت، «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» استعاره مصرحه هستند.
به دلیل این‌که محبوب یار (مشبه) به این دو تشبیه شده است و مشبه حذف شده و فقط مشبه‌به آورده شده.
- (۲) هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که در آینه تصور ماست
در این بیت «زمانه» به انسان (مشبه‌به) تشبیه شده است و نقش برآوردن ویژگی مشبه‌به است که همراه مشبه آمده است و استعاره مکنیه ساخته است.
- هر تشخیص استعاره مکنیه نیست ← خورشید مانند کودکی می‌خندد (جان‌بخشی یا تشخیص دارد، اما استعاره مکنیه ندارد).
هر استعاره مکنیه‌ای تشخیص نیست ← آفتاب بر دشت می‌بارد (باریدن ویژگی باران است که به آفتاب (مشبه) نسبت داده شده).
هر استعاره‌ای مجاز نیست ← فقط استعاره مصرحه مجاز است.
هر مجازی استعاره مصرحه نیست ← فقط مجاز به علاقه مشابهت استعاره مصرحه است.
تکات دیگر ← به شرطی اضافه استعاری داریم که بتوانیم از آن یک ارتباط تشبیهی بسازیم ← رخ اندیشه (اندیشه مانند انسان رخ دارد).
وقتی چیزی را مورد خطاب قرار می‌دهیم ← در معنی حقیقی باشد: ← استعاره مکنیه یا تشخیص (ای درخت)
در معنی غیرحقیقی باشد ← استعاره مصرحه (ای سرو روان (مصرحه از یار))
مجاز (ای ایران (مجاز از مردم ایران))
- ➡ اضافه استعاری می‌تواند تشخیص نیز داشته باشد اگر مشبه‌به محذوف انسان باشد.

پایه دوازدهم

درس ۲: وزن و واژه‌های معرفی شده

– وزن و واژه‌های معرفی شده –

وزن و واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلات	مفاعیل	مفاعیل	مفعول
علائم	– – U –	U – U –	– U – U	– U – U	U – –

وزن و واژه‌ها	مُسْتَفْعِل	مُسْتَفْعِل	مُسْتَف	مفاعیل	فاعِلن	فَع
علائم	UU – –	– – –	– –	U – – U	– U –	–

وزن‌های معرفی شده در درس دوم علوم و فنون دوازدهم که دارای پایه‌های آوایی غیرهمسان هستند، به همراه یک مثال خارج از کتاب:

۱) فاعلاتن مفاعیلن فَعْلَن (– UU – U – U – – U –)

مثال هر که در عاشقی تمام بود / پخته خوانش اگر چه خام بود

هر	ک	در	عا	یث	قی	ت	ما	م	بُ	وَد
پخ	ت	خا	نش	اَ	گر	چ	خا	م	بُ	وَد
–	U	–	–	U	–	U	–	U	U	–
فاعلاتن				مفاعیلن				فَعْلَن		

۲) مفاعیلن فَعْلَتان مفاعیلن فَعْلَن (– UU – U – U – – UU – U – U –)

مثال بیا به میکده حافظ که بر تو عرضه کنم / هزار صف ز دعاها مستجاب زده

پ	یا	ب	می	ک	د	ح	فظ	ک	بر	ت	عر	ض	گ	نم
ه	زا	ر	صف	ز	دُ	عا	ها	ی	مُس	ت	جا	ب	ز	د
–	U	–	–	U	–	–	–	U	–	U	–	U	U	–
مفاعیلن				فَعْلَتان				مفاعیلن				فَعْلَن		

● هجای «د» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.



۳) مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (_ UU _ U _ U _ UU _)

مثال

خلوت دل نیست جای صحبت اُضداد / دیو چو بیرون رود، فرشته درآید (حافظ)

خَلَدَ	وَ	تِ	دَل	نِیْسَت	جَا	ی	صَح	بِ	تِ	أَضَدَ	عَدَد
دیو	چُو	بِی	دِل	نِیْسَت	جَا	ی	صَح	بِ	تِ	أَضَدَ	عَدَد
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-
مفتعلن				فاعلات						مفتعلن	فع

● هجای «داد» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.

۴) مستعلن مفاعِلْ مستعلن فَعْل = مفعول فاعلات مفاعیلْ فاعلن (_ U _ U _ _ UU _ U _ U _)

مثال

من چون کبوتران به وفا طوق دار او / او کعبه من و حرم از من دریغ داشت (خاقانی)

مَن	چُون	کَبُوتَرَان	بِه	وَفَا	طَوَق	دَار	أَو
او	کعبه	بِ	ی	م	نُ	ع	رَ
-	U	-	U	-	U	U	-
مستعلن				مفاعِلْ			فَعْل

تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:

مَن	چُون	کَبُوتَرَان	بِه	وَفَا	طَوَق	دَار	أَو
او	کعبه	بِ	ی	م	نُ	ع	رَ
-	U	-	U	-	U	U	-
مفعول		فاعلات		مفاعیلْ		فاعلن	

● هجاهای «ی» و «نُ»، مطابق اختیار بلند تلفظ کردن هجای کوتاه انتهای کلمه بلند تلفظ شده‌اند تا با وزن شعر مطابق باشند.

● هجاهای «مز»، با به کار بستن اختیار حذف همزه ساخته شده: رَم از رَ مَز

● هجای «داشت» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.

● صامت «ن» ساکن بعد از مصوت بلند، هجای کشیده نمی‌سازد. در نتیجه هجای «این» کشیده نیست و بلند است.

۵) مستَفعل فاعلات مستف = مفعول مفاعِلن فعولن (_ U _ U _ UU _)

مثال

گفتی که وفا کنم جفا کردی / وز خود همه ظن من خطا کردی

گَفَتِ	کَی	وَ	فَا	کُنْ	نَم	جَ	فَا	کَر	دِی
وز	خُد	هَ	م	ظَن*	نِ	مَن	خَ	طَا	کَر
-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
مستَفعل				فاعلات					مستَفعل

تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:

گَفَتِ	کَی	وَ	فَا	کُنْ	نَم	جَ	فَا	کَر	دِی
وز	خُد	هَ	م	ظَن*	نِ	مَن	خَ	طَا	کَر
-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
مفعول			مفاعِلن				مفاعِلن		

* حرف دارای تشدید، دو بار تلفظ می‌شود. بار نخست به صورت ساکن و بار دوم با حرکت فتحه، کسره یا ضمه. مثال دیگر: شدت ← شد ذت



۶) مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف = مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (_ UU _ UU _ UU _)

مثال

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم / محصول دعا در ره جانانه نهادیم (حافظ)

ما	در	س	سَ	حر	در	رَ	هَ	مب	خا	ن	نَ	ها	دیم
مح	صو	ل	دُ	عا	در	رَ	هَ	جا	نا	ن	نَ	ها	دیم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ
تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:													
ما	در	س	سَ	حر	در	رَ	هَ	مب	خا	ن	نَ	ها	دیم
مح	صو	ل	دُ	عا	در	رَ	هَ	جا	نا	ن	نَ	ها	دیم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ

● هجای «دیم» در پایان هر دو مصرع، مطابق قاعدهٔ بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.

جامعه‌شناسی

پایه دهم

درس ۹: بازتولید هویت اجتماعی (چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی)

تعریف: بازتولید هویت اجتماعی، به معنای انتقال آن (هویت اجتماعی) از نسلی به نسل دیگر است؛ به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

نقش جامعه‌پذیری در بازتولید هویت اجتماعی

تعریف: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند. ● حیوانات براساس غریزه به نقش و وظایف خود آگاه می‌شوند؛ اما انسان برخلاف سایر موجودات، به صورت غریزی به این نقش‌ها و وظایف آگاهی ندارد. انسان باید با آگاهی خود: (۱) موقعیت اجتماعی را بشناسد، (۲) حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد، (۳) با عمل به حقوق و تکالیف خود، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

● هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیلهٔ نسل‌های قبل از او ایجاد شده است؛

پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. جهان اجتماعی

برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوهٔ زندگی در آن را می‌آموزد.

● انسان با آموزش‌هایی که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

کژروی اجتماعی

تعریف: جامعه تلاش می‌کند افراد را جامعه‌پذیر کند، اما فرایند جامعه‌پذیری همیشه به طور کامل انجام نمی‌گیرد و با موفقیت همراه نیست. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آن‌ها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند.

نکته

جامعه، افرادی را که دچار کژروی اجتماعی شده‌اند، رها نمی‌کند. در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی همواره با نظارت و کنترل همراه است و صرفاً به این توصیه پسندیده نمی‌شود که: «من آن‌چه شرط بلاغ است با تو می‌گویم / تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال».

نقش کنترل اجتماعی در بازتولید هویت اجتماعی

تعریف: به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.



● هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کزروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد:

۱) **تبلیغ و اقناع** → هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آن‌ها اقناع شوند. اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هر چه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناع بیشتری برخوردارند.

۲) **تشویق و پاداش** → هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کند، تشویق می‌کند. تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود: ۳) **تنبیه و مجازات** → هر جهان اجتماعی، افرادی را که دچار کزروی اجتماعی شوند، تنبیه و مجازات می‌کند. تشویق رسمی: توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد. تشویق غیررسمی: بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد.

● هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد:

(الف) در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد.

(ب) بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود.

(پ) دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی

● در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.

۱) همگانی: گاهی به عهده همه افراد جامعه است.	سطوح امر به معروف و نهی از منکر
۲) خاص: گاهی وظیفه سازمان‌های رسمی و حکومتی است.	
۱) تبلیغی ۲) تشویقی ۳) تنبیهی	روش‌های امر به معروف و نهی از منکر

درس ۱۰: تغییرات هویت اجتماعی (فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی)

بررسی سه مفهوم

– موقعیت اجتماعی –

تعریف: منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد.

→ ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، درباره او اطلاعاتی به دست می‌آوریم.

→ کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت‌های اجتماعی افراد همراه است.

– تحرک اجتماعی –

افراد → در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و ... می‌پذیرند؛ یعنی خودشان در به دست آوردن آن نقشی ندارند. → با گذر زمان، به گونه‌ای فعال با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

تعریف: جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی دارای انواعی است:

کارمند یک اداره که مدیر کل می‌شود.	صعودی	تقسیم‌بندی اول
مدیر اداره که عزل می‌شود و به عنوان کارمند عادی فعالیت می‌کند.	نزولی	
کارمندی که از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود.	افقی	تقسیم‌بندی دوم
تحرک اجتماعی یک فرد در طول زندگی خودش	درون‌نسلی	
تحرک اجتماعی یک فرد نسبت به والدینش	میان‌نسلی	

– انسداد اجتماعی –

تعریف: مسدودبودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند.

● انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که در آن، موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های انتسابی تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند نیز، شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر مجرمان بسته می‌شود. مثال: در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی براساس سرمایه اقتصادی است، مجرمان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

طبقه‌بندی افراد در جوامع فئودالی

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. افراد در این جوامع، به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱) ارباب (فئودال)

۲) رعیت

۳) طبقه متوسط

- طبقه‌ای از مردم عادی بودند که اشراف و رعیت نبودند؛ به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شود که شامل صراف، بتا، کفاش و ... بود.
- این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبودند؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت تحمل می‌شد.
- «طبقه سوم چیزی نیست، اما می‌خواهد چیزی بشود».
- پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی: طبقه متوسط جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آن‌ها پرداخت. با ارزیابی اشراف با معیار فایده‌مندی، آن‌ها را بی‌اعتبار می‌دانست؛ زیرا آن‌ها را سریار و مصرف‌کننده معرفی می‌کرد. پذیرش معیار فایده‌مندی توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی منجر شد. این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آن‌ها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آن‌ها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. در جدول زیر به بررسی امکان تغییرات هویتی در برخی جهان‌های اجتماعی می‌پردازیم:

جامعه آپارتاید (جدانژادی)	- براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد. - صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.
جامعه سرمایه‌داری	- قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است. - تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.
جامعه دینی و معنوی	هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.
جامعه سکولار و دنیوی	- حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد و تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد. - هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند در آن بروز و ظهور داشته باشد. - فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌کند. - مثال ۱: جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی - مثال ۲: عدم امکان رای‌دادن به قوانین الهی در کشورهای تحت نفوذ غرب، مانند الجزایر (دموکراسی کنترل‌شده)

نکته

- هویت شغلی افراد در جامعه سرمایه‌داری و جهان اسلام:
- در جامعه سرمایه‌داری: مالکیت ثروت همراه با شغل، از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.
 - در جهان اسلام: مشاغل به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) حرام، (۲) مکروه و (۳) مستحب. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب و سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای اعمال می‌کند.

انواع تغییرات هویتی جهان اجتماعی

توسعه فرهنگی	- مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. - مثال: فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و برخی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.
تعارض فرهنگی	- تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. - علل تعارض فرهنگی: - درونی: نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی - بیرونی: پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر - نکته: هر نوع ابداع یا نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر نمی‌شود.

درس ۱۱: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)

– هویت جهان اجتماعی چیست؟ –

- هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آن‌هاست.



● جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به **هویت فرهنگی جهان اجتماعی** یاد می‌شود.

براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

● هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید.

● هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

● پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است.

هویت فرهنگی
جهان اجتماعی



یعنی هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

● فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و ... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند.

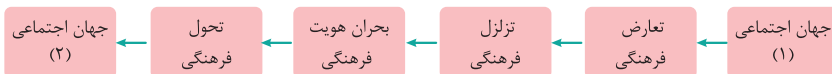
● تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی باشد و برای آن‌ها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه ارزش‌ها و عقاید اهمیت خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

انواع تغییرات در جهان اجتماعی: تغییراتی که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد. (تغییرات خرد و سطحی)
تغییراتی که یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کند. (تغییرات کلان و عمیق)
● به این‌گونه تغییرات اساسی، تحول فرهنگی می‌گویند.

– مراحل فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی –

مراحل	مفاهیم	توضیحات
۱	تعارض فرهنگی	شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی است.
۲	تزلزل فرهنگی	● گاهی تعارض فرهنگی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت به تزلزل فرهنگی منجر می‌شود. ● تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. ● نکته: ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.
۳	بحران هویت	● تزلزل فرهنگی می‌تواند به بحران هویت منجر شود. ● بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد. ● اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. ● در این صورت، تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند. به صورت تحولات فرهنگی درمی‌آیند.
۴	تحول فرهنگی	● جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کنند. ● مثبت: اگر فرهنگی که رفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است. ● مثال: تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی ● منفی: اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. ● مثال: تحول جامعه نبوی به جامعه اموی



– علل تحولات فرهنگی –

۱) علل درونی: یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود.
یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی بازمی‌گردد.

● الف) اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود -> گرفتار کهولت و مرگ می‌شود.
● ب) اگر جهان اجتماعی با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخگویی به نیازهای طبیعی یا جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها بازماند -> مرگ جهان اجتماعی رخ می‌دهد.
● مثال: شیوه زندگی مرتاض‌ها و راهبه‌ها، نشانگر مرگ جهان اجتماعی است.
● ج) جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آن‌ها درباره معنای مرگ و زندگی پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد -> نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.
● نکته: کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرامی‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جهان اجتماعی تشویق می‌کند.

علل بیرونی؛ پیامد مواجهات و ارتباطات جهان اجتماعی با جهان‌های اجتماعی دیگر است که در درس آینده، بررسی خواهد شد.

درس ۱۲: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

- ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، عادی و متداول است، ولی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.
- این ارتباطات امری پذیرفته شده است و پرسش اساسی نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است.

روابط در محدوده لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها، نمادها، شیوه‌های زندگی)؛

● اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان اجتماعی دیگر دادوستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد ————— زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

مثال؛ جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر:

الف) با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آن‌ها پرداخت ————— به همین دلیل عناصر سازگار با هویت خود را از آن‌ها گرفت و به بازسازی آن‌ها پرداخت.

ب) به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی آن‌ها را پذیرفت و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در دانش‌های مختلف آن‌ها دخیل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آن‌ها را نپذیرفت.

ج) مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند؛ ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها را رها کردند.

روابط در محدوده لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی)؛

● اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان دیگر، در عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند ————— دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن جهان سرایت می‌کند.

● در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند ————— دچار تحولات هویتی می‌شود.

● جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند ————— به آن جهان ملحق می‌شود.

مثال؛ جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن‌ها را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

● ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون این‌که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود ————— دچار تحولات هویتی گردد.

مثال؛ جهان غرب، طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون این‌که به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. این جهان، بار دیگر با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

شکل‌های متفاوت
روابط جهان‌های
اجتماعی با یکدیگر

خودباختگی فرهنگی

- جهان اجتماعی هنگامی به دادوستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور خلاق و فعال براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.
- اگر اعضای جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند ————— در نتیجه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند ————— دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.
- اعضای آن، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرامی‌گیرند.
- به روش تقلیدی عمل می‌کند.
- بنابراین ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.
- نکته: بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل این‌که مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غرب‌زدگی می‌نامند.

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

- از خودبیگانگی تاریخی؛ اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند و در مواجهه با جهان دیگر، هویت خود را از یاد ببرد، به این معنای از خودبیگانگی دچار می‌شود.
- از خودبیگانگی فطری (حقیقی)؛ اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار این معنای از خودبیگانگی می‌شود.

معنای از خودبیگانگی
فرهنگی



- جهان‌های اجتماعی که مانع از آن می‌شوند که انسان به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.
 - در این جهان، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند.
- براساس فطرت انسان‌ها تصویریری که در این جهان‌ها از انسان ارائه می‌دهند، سربانی از حقیقت است؛ به همین دلیل: (۱) فطرت آدمی در آن به آرامش نمی‌رسد، (۲) انسان شکل‌نگرفته‌اند:
 - به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود، (۳) در نهایت سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.
 - جهان اجتماعی مشرکانه و اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، از این گونه‌اند.
- از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن، فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.
 - درهای آسمان و زمین بر روی انسان گشوده می‌شود.
 - انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌شود.
 - خود و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد.

پایه یازدهم

درس ۹: جهان دوقطبی

- اگر جهان غرب با حل کردن چالش‌های پیشین، نیازهای دنیوی و معنوی آدمیان را برطرف می‌کرد، با چالش‌های بنیادین جدید مواجه نمی‌شد، اما فرهنگ جدید غرب، برای حل چالش‌های گذشته، مسیری را پیمود که مسائل و مشکلات جدیدی به دنبال آورد.
 - اقتصادی / سیاسی / اجتماعی / فرهنگی
 - منطقه‌ای / فرامنطقه‌ای (جهانی)
 - مقطعی / مستمر
 - خرد / کلان
 - چالش‌های جدید به صورت‌های متفاوتی آشکار می‌شوند
 - درون فرهنگی / بین فرهنگی (بین تمدنی)
 - ذاتی (ریشه در عقاید و ارزش‌های درون جهان اجتماعی دارند) / عارضی (در اثر عوامل خارجی پدید می‌آیند).
 - معرفتی / علمی / معنوی / دینی
- چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند؛ مثلاً برخی از آن‌ها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی‌اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطعی یا مستمر و ... نیز باشند.

چالش فقر و غنا

ویژگی‌های لیبرالیسم اقتصادی -

- لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند.
 - بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت و به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود.
- روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را درهم ریخت.
 - کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آن‌ها اجازه داد که مهاجرت کنند و درباره شیوه زندگی خود تصمیم بگیرند.
- موانع پیشین مانند غیر قابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت و کشاورزان را به کارگرانی تبدیل کرد که سرمایه وجود خود را به صاحبان ثروت و صنعت (سرمایه‌داران) می‌فروختند.
 - سرمایه‌داران، آزادانه به بهره‌کشی از کارگران پرداختند. کارگران، بردگان جدیدی بودند که ظاهراً از همه قیدیوندهای پیشین، آزاد شده بودند.
- عقاید نظریه پردازان اقتصاد لیبرال
 - آزادی فعالیت صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند و مخالف هر نوع مداخله دولت در اقتصاد بودند.
 - آنان حتی کمک به مستمندان را بی‌فایده می‌دانستند. در انگلستان که در انقلاب صنعتی پیشگام بودند، وضعیت نوانخانه‌ها به گونه‌ای بود که فقیران ساکن در آن‌جا مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند. دیکنز در رمان «الیور توئیست»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آن‌ها بودند، به سخره گرفت.

نظریات برخی از نظریه پردازان اقتصاد لیبرال

● از نظر مالتوس جمعیت‌شناس انگلیسی، کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند. ● او در این باره گفته است: «انسانی که در دنیای از قبل تملک‌شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ حقی برای دریافت کم‌ترین غذا یا چون و چرا درباره مقام و موقعیت خود ندارد. بر سر سفره گسترده طبیعت جایی برای او وجود ندارد. طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و این حکم را اجرا می‌کند.»	توماس مالتوس
● ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن‌ها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند و معتقد است: «اگر حکومت‌گران ما بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود را داشته باشند، استعداد و تلاش به پاداش طبیعی خود برسد و بلاهت و حماقت نیز مجازات طبیعی خود را ببینند، پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهند کرد.»	دیوید ریکاردو

تأثیر لیبرالیسم اقتصادی در ایجاد چالش فقر و غنا -

لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی و به ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت.

چالش بلوک شرق و غرب

مخالفت با لیبرالیسم اولیه -

برخی از اندیشمندان اروپایی برای حل مشکل فقر و غنا، در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ جدید غرب، نظریه‌هایی ارائه دادند.

۱ آیزایا برلین در نقد لیبرالیسم اولیه، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند.

۲ مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، حل چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

شکل‌گیری بلوک شرق و غرب -

● بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. به همین سبب آن‌ها را با عنوان دو جریان چپ و راست می‌شناختند. ● بعدها مخالفان سرمایه‌داری که جریان چپ نام گرفته بودند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند. در این میان حزب کمونیست شوروی با انقلاب سال ۱۹۱۷ م توانست قدرت را در روسیه به دست گیرد. ● مخالفان و طرفداران سرمایه‌داری طی قرن بیستم، بلوک شرق و غرب را شکل دادند. ● چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در سراسر قرن بیستم تا زمان فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ م ادامه یافت.	زمینه‌های شکل‌گیری بلوک شرق و غرب
● بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپایی شرقی و چین بود و بلوک غرب، آمریکا و اروپای غربی را در بر می‌گرفت.	حوزه جغرافیایی بلوک شرق و غرب
● جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند، اما آن‌ها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند. ● جوامع سوسیالیستی با دو مشکل اساسی روبرو شدند: الف) از بین رفتن آزادی افراد، به بهانه عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی؛ بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت. ب) پیدایش طبقه جدید؛ با این‌که مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و به آن انتقاد داشتند، در کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی شکل گرفت که نه براساس ثروت؛ بلکه بر مدار قدرت سازمان می‌یافت.	ویژگی‌های جوامع سوسیالیستی
۱) چالشی جهانی است. ← این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود؛ بلکه چالشی جهانی بود. بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند و آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت در مرکز این دو قطب قرار داشتند. ۲) دارای حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است. ← این دو قطب از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند. ۳) چالشی درون‌فرهنگی است. ← این دو قطب به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند. رویکرد مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های فرهنگ غرب به حل چالش‌های جامعه خود می‌پرداخت؛ بنابراین چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.	ماهیت چالش فقر و غنا

درس ۱۰: جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

انواع جوامع از دیدگاه قرآن کریم -

ویژگی	آیه مرتبط
جامعه‌ای که در آن هرگونه ستیز و نزاع ناشی از خون، نژاد، طبقه، ملیت، جغرافیا و ... از بین می‌رود و همه بشر بر مدار آرمانی حقیقی و اصیل جمع می‌شوند.	آیه ۵۲ سوره مؤمنون: «و همانا این است امت شما، یک امت واحد و منم پروردگار شما ...»
جامعه‌ای که به گروه‌ها و دسته‌های پراکنده و متخاصم تجزیه می‌شود، امکانات گروهی آن پراکنده می‌شود و ظرفیت‌ها و نیروهای آن نابود می‌گردد.	آیه ۴ سوره قصص: «همانا فرعون روی زمین برتری‌جویی کرد و اهالی‌اش را گروه‌گروه گردانید، گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند ...»

جنگ‌های جهانی

پدیده‌ای اجتماعی است.

جامعه بشری در گذشته تاریخ خود شاهد جنگ‌های فراوانی بوده است.

امپراتوری‌های بزرگ، اغلب مرزهای خود را با پیروزی در جنگ تعیین می‌کردند.

برخی از جنگ‌ها نیز منشأ دینی و مذهبی داشته یا ظاهراً توجیه دینی می‌شدند.

جنگ‌های معاصر از جنبه‌های مختلف با جنگ‌های گذشته تفاوت دارند.

نظریه آگوست کنت درباره جنگ ← آگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند، ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست؛ بلکه امری عارضی و تحمیلی است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطابودن نظریه کنت را نشان می‌دهد.



جنگ‌های جهانی اول و دوم	
عوامل وقوع	از مهم‌ترین عوامل وقوع این دو جنگ، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود.
ریشه‌ها و زمینه‌ها	دو جنگ جهانی، با درگیری کشورهای اروپایی آغاز شد. هیچ‌یک از این دو جنگ، منشأ دینی نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت. طرف‌های درگیر در این دو جنگ، در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی، رفتار خود را توجیه می‌کردند. بر این اساس این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشتند.
تلفات و خسارات	این دو جنگ، بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ بشریت‌اند. کشته‌های آن‌ها را تا صد میلیون نفر برآورد کرده‌اند. در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.
محدوده جغرافیایی	با این‌که دو جنگ جهانی اول و دوم با درگیری کشورهای غربی آغاز شدند، اما به کشورهای اروپایی و غربی محدود نشدند؛ بلکه همه جهان را درگیر خود ساختند.
وقایع بعد از پایان جنگ‌ها	بعد از جنگ جهانی دوم نیز، صلحی پایدار برقرار نشد. پس از جنگ جهانی دوم، بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را زیر نفوذ خود قرار دادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی که وابسته به تسلیحات نظامی بود، رونق بخشید.

نظریه جنگ تمدن‌ها

- نظریه‌پردازان غربی، پس از فروپاشی بلوک شرق، طرف دیگری را برای جنگ جست‌وجو می‌کنند و جنگ را از کشورهای غربی (جنگ میان بلوک شرق و غرب) به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند.
 - نظریه «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد.
- از نظر هانتینگتون
- آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌شود.
 - این مرحله، دیگر دولت - ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت - ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست.
 - در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.

اصطلاحات سیاسی مربوط به چالش فقر و غنا

برای تقابل کشورهای فقیر و غنی، از عناوین و اصطلاحات خاصی استفاده می‌شود:

عناوین و اصطلاحات	توضیحات
شمال و جنوب	شمال: کشورهای صنعتی و پیشرفته
	جنوب: کشورهای فقیر
جهان اول، دوم و سوم	جهان اول: کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب
	جهان دوم: کشورهای بلوک شرق
	جهان سوم: کشورهای خارج از بلوک شرق و غرب و تحت نفوذ آن‌ها
توسعه‌یافته و عقب‌مانده	توسعه‌یافته: کشورهای صنعتی و ثروتمند
	عقب‌مانده: کشورهای غیرصنعتی و فقیر
مرکز و پیرامون	مرکز: کشورهای ثروتمند و صنعتی
	پیرامون: کشورهای فقیر غیرغربی
استعمارگر و استعمارزده	استعمارگر: کشورهای صنعتی غربی
	استعمارزده: کشورهای غیرغربی

درس ۱۱: بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی

– رابطه چالش‌ها و بحران‌ها –

- بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزنند.
 - نظام جهانی نیز دچار بحران‌هایی می‌شود. در واقع، بحران‌ها، چالش‌هایی با ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تر هستند. بحران اقتصادی و بحران زیست‌محیطی از جمله این بحران‌هاست.
- اغلب پیامدهای خوب و بد کنش‌های افراد و جوامع، صرفاً متوجه خودشان نیست. ^{به همین دلیل} امروزه بسیاری از بحران‌ها در مناطق خاصی پدید می‌آیند ولی به سایر نقاط دنیا گسترش می‌یابند.
- نکات: کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند اما همه از پیامدهای نامطلوب آن‌ها متأثر می‌شوند.

بحران اقتصادی

- آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می‌کند.
- در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد ^{تولیدکنندگان بازار فروش خود را از دست می‌دهند}.
- کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار می‌شوند.
- نمونه‌های بحران اقتصادی در تاریخ غرب:
 - مهم‌ترین: بین دو جنگ جهانی در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳
 - نخستین: در سال ۱۸۲۰ در انگلستان
 - سال‌های اخیر: از سال ۲۰۰۸ در اروپا و آمریکا
- بحران‌های اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورند و بر دامنه آن‌ها افزوده می‌شود.
- در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.
- ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شد، ولی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، جهانی شدند.

– رابطه بحران اقتصادی با چالش فقر و غنا –

شباهت	هر دو، هویت اقتصادی دارند.
تفاوت‌ها	(۱) چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است. (۲) آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

بحران زیست‌محیطی

- شهرهای صنعتی، اولین مراکزی بودند که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند؛ پس از آن با گسترش زندگی مدرن در جهان، انواع آسیب‌های زیست‌محیطی نیز به سرعت گسترش یافتند، اما امروزه بحران‌های زیست‌محیطی به منطقه خاصی محدود نمی‌شوند و همه محیط طبیعی زندگی انسان، آب، خاک و هوا را فراگرفته‌اند.

– نگاه فرهنگ‌های مختلف نسبت به طبیعت –

فرهنگ توحیدی	● طبیعت و هر آنچه در آن است، آیات و نشانه‌های خداوندند. ● همه موجودات طبیعی به تسبیح خداوند مشغول‌اند و به سوی او بازمی‌گردند.
فرهنگ اساطیری	● طبیعت ماده خام نیست، بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.
فرهنگ مدرن	● طبیعت را ماده خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازه هرگونه تصرفی را در آن دارد. ● با تسخیر طبیعت، این گمان را دارند که می‌توان تمامی مسائل و مشکلات بشر را حل کرد. ● نگاه معنوی و دینی به طبیعت را کودکان می‌پندارند و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد.

– تأثیر رویکرد غرب نسبت به طبیعت در پدیدآمدن بحران‌های زیست‌محیطی –

- برخی اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند. فرهنگ مدرن، طبیعت را ماده خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازه هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.
- بحران زیست‌محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر، اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شد. ^{به منظور چاره‌اندیشی برای این آسیب‌ها، همایش‌های بین‌المللی متعددی درباره بحران زیست‌محیطی برگزار شده است، که البته نتوانسته‌اند از شتاب بحران بکاهند.}



درس ۱۲: بحران‌های معرفتی و معنوی

ویژگی‌های چالش‌های جهانی -

- ۱ چالش‌های جهانی، به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز هم‌چنان باقی می‌مانند. برای مثال چالش فقر و غنا در چند قرن گذشته بروز کرد اما هم‌چنان پابرجاست.
- ۲ ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌ها و بحران‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند.
- ۳ این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزند.
- ۴ علت این چالش‌ها درونی است، یعنی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزد؛ ← فرهنگ غرب نمی‌تواند آن را به دیگران نسبت دهد.
- ۵ برخی چالش‌ها مربوط به لایه‌های سطحی‌تر و برخی مربوط به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ‌اند. سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری عمیق‌ترین لایه فرهنگ معاصر غرب را تشکیل می‌دهند؛ تمامی چالش‌های جهانی، از این لایه هویتی برمی‌خیزند.

بحران معرفتی

روش‌های معرفتی در طول تاریخ فرهنگ غرب به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است:

● کتاب مقدس و شهود آباء (پدران) کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود. ● شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.		قرون وسطی	
● روش معرفتی قرون وسطی مورد تردید قرار گرفت و به بحران معرفتی انجامید. (اولین بحران معرفتی غرب) ● جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.		دوره رنسانس	
جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند که درباره حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره جامعه بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی به آن‌ها رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند.		قرن نوزدهم	غرب جدید
با روشن‌شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.	نیمه اول قرن بیستم	قرن بیستم	
با روشن‌شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت. آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست، بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.	نیمه دوم قرن بیستم	بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.	

ابعاد بحران معرفتی جدید غرب -

تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود. با این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بعد ظاهر شد:

- ۱ افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن
 - ۲ ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن
- ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش به این حضور نیاز دارد، بعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

بحران معنویت

در فرهنگ مدرن، سکولاریسم (دنیوی‌شدن) به صورت آشکار مطرح شد. سکولاریسم به ترتیب، در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هر یک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی جامعه غربی، در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، هم‌چنان دینی باقی ماند.

باقی‌ماندن دین در حوزه فرهنگ عمومی جوامع غربی -

- برخی جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم، دین از آخرین عرصه حضور خود (یعنی فرهنگ عمومی) نیز خارج خواهد شد؛ اما واقعیت، خلاف این پیش‌بینی را نشان داد. ← طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.

نکته

مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است. زیرا ← یک فرهنگ علاوه بر نیازهای جسمانی و دنیوی انسان، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد؛ اما فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیسم) در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.



پیامدهای گریز از سکولاریسم (پساسکولاریسم) -

- در فرهنگ غرب گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ‌دادن به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین رویداده‌اند و عده‌ای از آن‌ها پیروی می‌کنند.
- پیامدهای اجتماعی گریز و رویگردانی
 - مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب معروب فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.
 - بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید؛ خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی‌شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

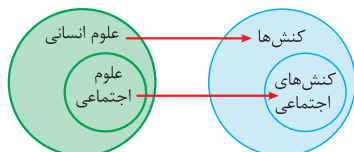
پایه دوازدهم

درس ۲: علوم اجتماعی

- اجتماعاتی که در آن زندگی می‌کنیم، بر رفتار ما اثر می‌گذارند و ما نیز با کنش‌های خود، بر آن تأثیر می‌گذاریم. مطالعه علمی این اجتماعات، به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید.
- به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کند.
- کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن (پدیده‌های اجتماعی) را بررسی می‌کند.

موضوع علوم

علوم طبیعی	موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی هستند. پدیده‌های طبیعی، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از اراده انسان‌ها وجود دارند. فعالیت‌های غیر ارادی بدن انسان، کنش نیستند؛ بنابراین در علوم طبیعی بحث می‌شوند، نه علوم انسانی.
علوم انسانی	درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند؛ مثل اقتصاد و روان‌شناسی.
علوم اجتماعی	کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند. علوم اجتماعی جزئی از علوم انسانی است و علوم انسانی، عام‌تر از علوم اجتماعی است. بنابراین، برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند.
فلسفه	موضوع آن، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص نمی‌پردازد؛ بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند؛ مانند قانون علیت؛ بنابراین فلسفه، دانشی مستقل است.



ارتباط علوم انسانی و علوم اجتماعی -

- در این زمینه، سه دیدگاه وجود دارد:
- ۱) علوم انسانی و علوم اجتماعی یکی هستند.
- ۲) موضوع علوم انسانی و علوم اجتماعی، یکسان است و درباره امور انسانی بحث می‌کنند؛ اما روش آن‌ها متفاوت است.
 - روش علوم اجتماعی (جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...) روش تجربی (طبیعی)
 - روش علوم انسانی (هنر، فلسفه علوم اجتماعی و ...) روش‌های غیر تجربی
- ۳) علوم انسانی و اجتماعات متفاوتی دارند. این نگاه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرو نمی‌کاهد.

فواید علوم

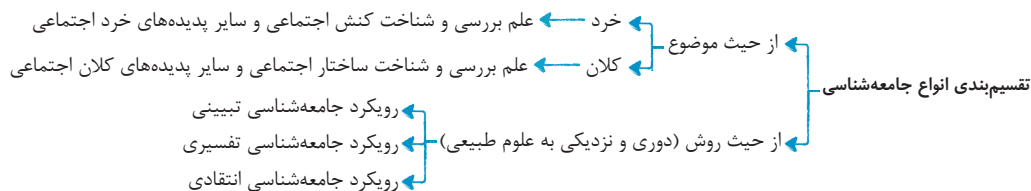
فواید علوم طبیعی	۱) شناخت طبیعت و قوانین آن → دادن قدرت پیش‌بینی و پیشگیری نسبت به طبیعت و کمک به انسان در استفاده از طبیعت
(ایزاری)	۲) بهره‌مندی انسان از طبیعت و غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی



۱) شناخت پدیده‌های اجتماعی ← پیش‌بینی آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی	فواید علوم اجتماعی (تفهیمی و انتقادی)
نکته: به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.	
۲) کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی ← توضیح تأثیر اجتماعات در زندگی‌ها توسط دانشمندان	
۳) فراهم‌ساختن زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع از یکدیگر ← کمک به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها	
۴) داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد اصلاح آن‌ها ← فراهم آوردن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح توسط دانشمندان	
۵) داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن	
نکته: علوم اجتماعی درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان آگاهی می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند که از طبیعت و علوم اجتماعی طبیعی به شیوه صحیح استفاده کند. ← از این‌رو علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.	
۶) شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن	
۷) شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها	
۸) رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.	

شاخه‌های علوم اجتماعی

- علوم اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی انسان را مطالعه می‌کند؛ از آن‌جا که کنش‌های انسان، ابعاد و انواع متعددی دارد، شاخه‌ها و دانش‌های متفاوتی در علوم اجتماعی پدید آمده است. جامعه‌شناسی نیز یکی از این شاخه‌هاست.



روان‌شناسی

درس ۵: تفکر، حل مسئله

— مقدمه —

- ۱) به فعالیت‌هایی از قبیل کنار هم قراردادن اطلاعات حافظه به همراه تفسیر کردن، قضاوت کردن، حل مسئله و تصمیم‌گیری، «تفکر» می‌گویند.
- ۲) تفکر کاملاً آگاهانه است.

تعریف مسئله، حل مسئله و ویژگی‌های مسئله

- «مسئله» عبارت است از عدم دستیابی فوری به یک هدف مشخص به دلیل موانع مشخص با توجه به امکانات و توانمندی‌های محدود.
- «حل مسئله» به معنای یافتن بهترین راه حل برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط موجود است.

ویژگی‌های مسئله	توضیح
۱) هدفمند است.	وقتی هدف روشن نباشد، درک از مسئله ناقص خواهد بود.
۲) مسئله یک فرایند و جریان تحت کنترل است.	فردی که در حال حل مسئله است، کاملاً درگیر موضوع است و به آن‌چه انجام می‌دهد آگاهی کامل دارد.
۳) در مسئله، توانمندی‌های ما محدود است.	عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه حل‌های غیرمنطقی می‌شود.
۴) در مسئله، موقعیت فعلی یا مبدأ باید مشخص باشد.	شناخت موقعیت فعلی کمک می‌کند تا موانع احتمالی را به خوبی بشناسیم.



چرا حل مسئله مهم است؟

- هدف از تمرین های مختلف آموزشی آن است که در اثر حل مسئله به اصول و قوانینی دست یابیم که در موقعیت های دیگر هم قابل استفاده باشد. به همین دلیل یادگیری حاصل از حل مسئله، قابل تعمیم است.

انواع مسئله

- براساس شاخص های زیر، مسئله ها به دو نوع خوب تعریف شده و خوب تعریف نشده تقسیم می شوند.
 - شناسایی موقعیت اولیه
 - فهرست اقدامات یا راهبردهای در دسترس
 - تعریف دقیق هدف
 - امکان تضمین دستیابی یا عدم دستیابی به هدف
- «خوب تعریف نشده» به معنای پیچیده بودن و دشواری حل یک مسئله است. مسئله های پیچیده از آن جایی که علل متعددی دارند، به راحتی قابل تعریف نیستند.

مراحل حل مسئله

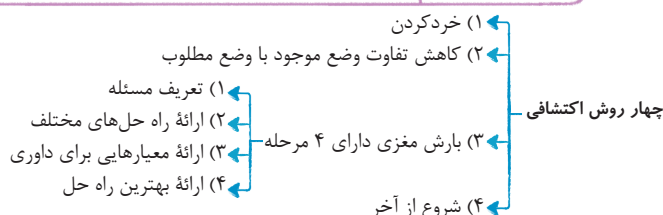
مرحله	توضیح
(۱) تشخیص مسئله	تشخیص دقیق مسئله با احساس مبهم از مسئله متفاوت است.
(۲) به کارگیری راه حل های مناسب	باید یک راه حل مناسب را پیدا کرد و به کار گرفت.
(۳) ارزیابی راه حل	ارزیابی باعث می شود ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم.
(۴) بازبینی و اصلاح راه حل	افرادی که مسائل را به خوبی حل می کنند، دوست دارند روش های قبلی را بهبود ببخشند یا اصلاح کنند.
(۵) انتخاب راه حل های جایگزین	در صورت حل نشدن مسئله با مراحل قبلی، باید راه حل های جایگزین پیدا کرد.

عوامل مؤثر در حل مسئله

عوامل مؤثر در حل مسئله	توضیح
(۱) تجربه گذشته (اثر انتقال)	کسی که روش های حل مسئله را می داند، در موقعیت های جدید از آن ها استفاده می کند. گاهی باعث آسان شدن و گاهی باعث دشوار شدن حل مسئله می شود.
(۲) نوع نگاه به مسئله	نوع نگاه باعث می شود فرد اطلاعات مرتبط با آن نگاه خاص را به خاطر آورد و اقدامات او تحت الشعاع آن نگاه قرار بگیرد.
(۳) نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی خاص (اثر نهفتگی)	وقتی سماجت بر حل مسئله نادیده گرفته می شود، عواملی که مانع حل مسئله هستند، فراموش می شوند.

روش های حل مسئله

روش های حل مسئله	توضیح
تحلیلی	روش هایی که مبتنی بر محاسبات ذهنی، قواعد منطقی و نیازسنجی واقعی است و دستیابی به راه حل مسئله را تضمین می کند. زمان بر است.
اکتشافی	روش هایی که عمدتاً تابع نظر و احساس شخصی است و دستیابی به راه حل مسئله را تضمین نمی کند. در حداقل زمان به راه حل می رسد.



پیامدهای ناتوانی در حل مسئله

پیامد	توضیح
(۱) ناکامی	ناتوانی در حل مسئله وضعیت عاطفی ناخوشایندی ایجاد می کند که ناکامی نام دارد. ناکامی باعث پرخاشگری می شود.
(۲) فشار روانی	ناتوانی در حل مسئله فرد را از رسیدن به هدف مورد نظر بازمی دارد، در نتیجه فرد احساس فشار روانی می کند.

- علت ناتوانی بسیاری از افراد در حل مسئله، نداشتن تجربه گذشته یا نگاه جدید است.



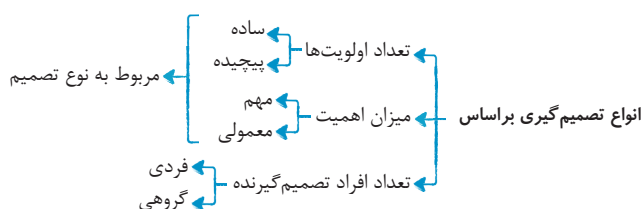
درس ۶: تفکر (۲) تصمیم‌گیری

– مقدمه –

تعریف تصمیم‌گیری: ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه
 شباهت حل مسئله و تصمیم‌گیری: هر دو با مسئله مواجه هستند. (تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است).
 تفاوت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری:

- ۱- در تصمیم‌گیری: فرد باید از بین انتخاب‌های مختلف بهترین را برگزیند.
 در حل مسئله: فرد باید راه حل‌های مسئله را خودش بازآفرینی کند.
- ۲- در تصمیم‌گیری: با اولویت‌ها سر و کار داریم.
 در حل مسئله: با راه حل‌ها سر و کار داریم.
- ۳- در تصمیم‌گیری: دغدغه افراد انتخاب بهترین اولویت است.
 در حل مسئله: افراد به دنبال روش‌های موفق و کارآمد هستند.

– انواع تصمیم‌گیری –



– ملاک‌های تصمیم‌گیری –



– سبک‌های تصمیم‌گیری –

- ۱) تکانشی: به دلیل عجله و ترس
- ۲) احساسی: عواطف و هیجان‌های زودگذر
- ۳) وابسته: اطاعت کورکورانه از دیگران
- ۴) اجتنابی: دست‌دست کردن در تصمیم‌گیری
- ۵) منطقی: بهترین شیوه تصمیم‌گیری

– مراحل تصمیم‌گیری –

مراحل	اقدام مورد نیاز	مثال توضیحی
۱	شناسایی و تعریف تصمیم مورد نیاز	انتخاب رشته تحصیلی
۲	شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های آن تصمیم	انتخاب رشته تحصیلی دوره دوم متوسطه از بین چهار انتخاب
۳	بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت	بررسی دروس هر رشته و ...
۴	ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت	امنیت شغلی و علایق تحصیلی
۵	اجرای بهترین اولویت	انتخاب رشته علوم انسانی
۶	تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر	مطالعه دقیق، هدفمند و کارآمد دروس این رشته
۷	بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت مورد نظر	پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی

– موانع تصمیم‌گیری –

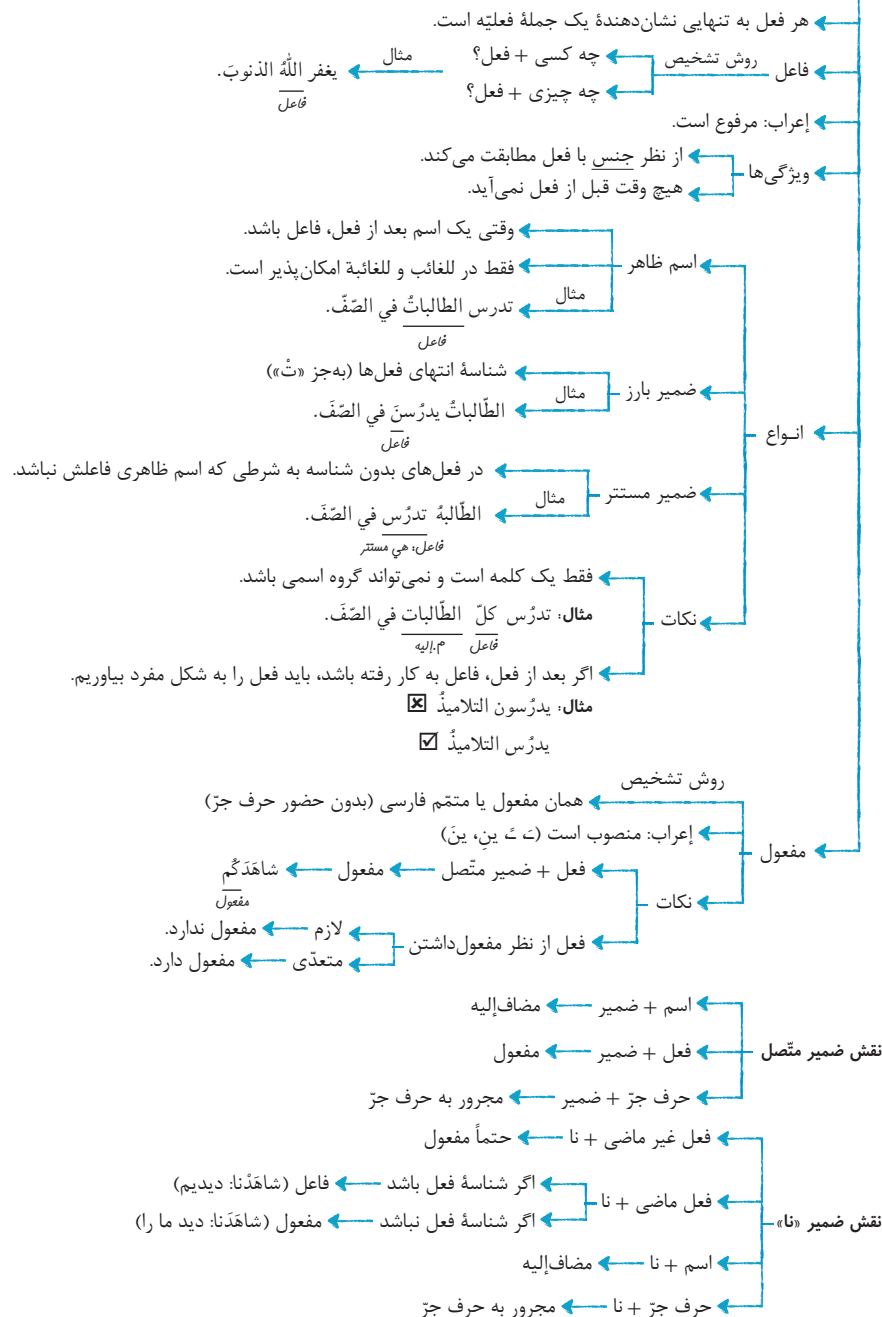
- سوگیری تأیید
- اعتماد افراطی
- کوچک شمردن خود
- کنترل نکردن هیجان‌ها

– پیامد ناتوانی در تصمیم‌گیری –

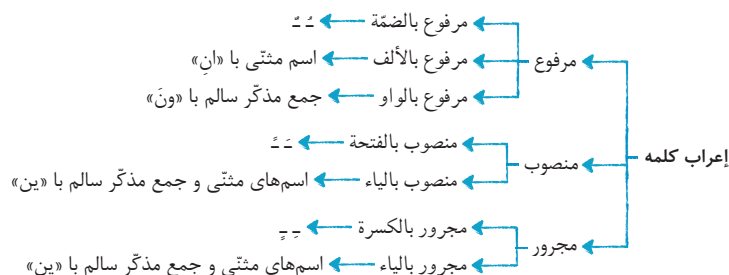
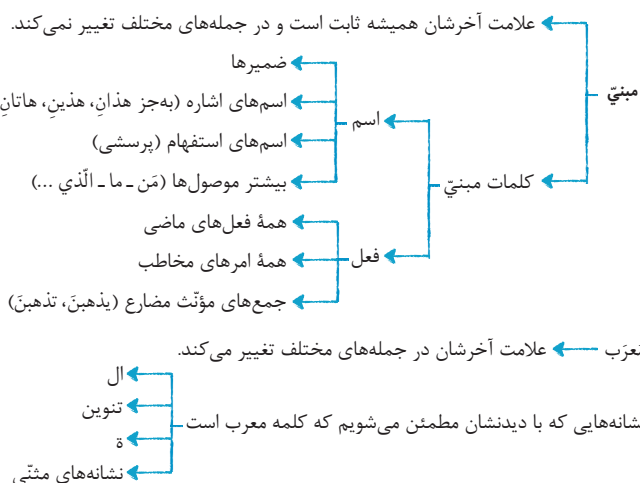
- گرایش - گرایش
- گرایش - اجتناب
- اجتناب - اجتناب



- جمله فعلیه -



درس ۶

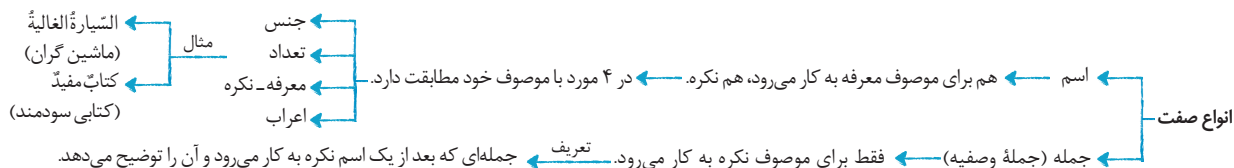


اعراب نقش‌های معروف -



پایه یازدهم

درس ۵

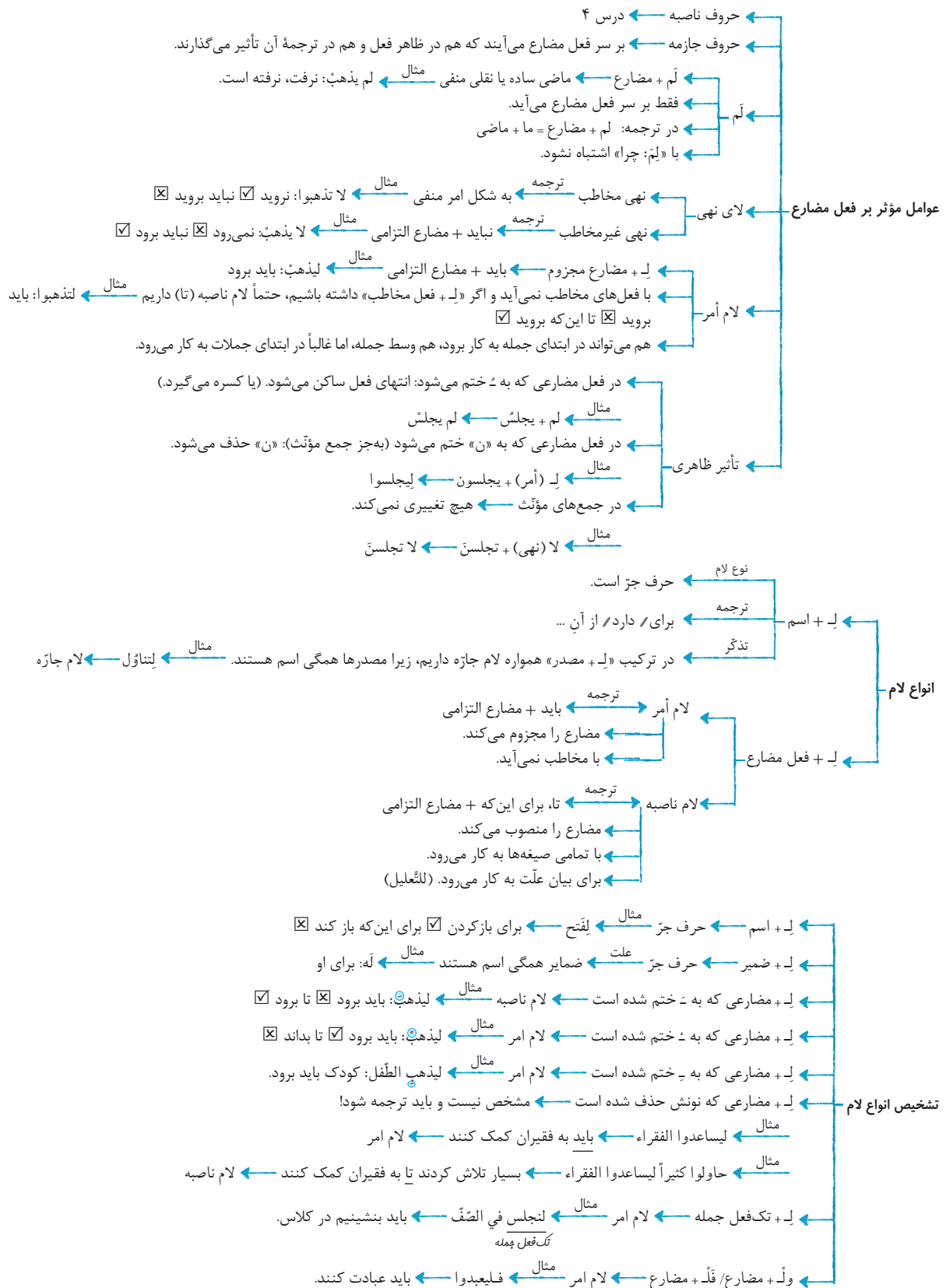




تعریف: جمله تصف نكرة/ جمله توضیح ما قبلها.	جمله وصفیه
ساختار: اسم نكرة + كه (فقط در ترجمه) + جمله	تله‌ها
تذکر: جمله وصفیه یک نوع صفت است و هر جا دنبال صفت می‌گردیم باید آن را هم مدنظر داشته باشیم!	
ممکن است با فاصله از اسم نكرة به کار برود. مثال اسم نكرة جمله وصفیه له غشاء خاض كالمظلة يفتح حین القفز.	
جملاتی كه بعد از حروف ربط به کار می‌روند.	
حروف ربط: و - ف - ثم - أو - لكن - بل - حتى - أن - لكي - ...	
مثال: عصفت رياح خربت بيوتا. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
جملاتی كه پس از کلماتی آمده‌اند كه در ترجمه آن‌ها «كه» وجود دارد.	
مثال: «الذي: کسی كه»/ «من: کسی كه»/ «عندما: وقتی كه»/ «كما: همان‌طور كه»	
مثال: رأيت الطفل الذي يلعب. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
جواب شرط مثال: من يحاول كثيرًا يتنجح. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
هر جمله‌ای كه بعد از یک اسم نكرة آمده باشد، اما در ترجمه آن نتوانیم حرف «كه» را بیاوریم.	
مثال: كل شيء ينقص بالانفاق إلا العلم. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
(ترجمه: هر چیزی با انفاق كم می‌شود جز علم.)	
جمله‌ای كه بعد از یک اسم علم تنوین دار به کار می‌رود. (دقت کنید كه اسم علم حتی اگر تنوین بگیرد، معرفه است.)	
مثال: رأيت سعيداً يتكلم مع صديقه. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
ترجمه جمله وصفیه را باید به عنوان اولین فعل بعد از حرف «كه» بیاوریم.	
مثال: عصفت رياح شديدة خربت البيوت. جمله وصفیه نیست. جمله وصفیه نیست.	
بادهای شدیدی كه وزید خانه‌ها را تخریب كرد. ☒	
بادهای شدیدی وزید كه خانه‌ها را تخریب كرد. ☒	
ماضي + مضارع	
مثال: رأيت طفلاً يلعب. ماضي مضارع	
ماضي + ماضي بعيد (یا ماضي ساده)	
مثال: رأيت تلميذاً كتب واجباته. ماضي ماضي بعيد	
مضارع + مضارع	
مثال: أفش عن برنامج يساعدي في دروسي. مضارع مضارع التزامي	
جملاتی كه در آن‌ها «اسم ال دار + الذي/ التي/ الذين...» به کار می‌رود. از لحاظ معنایی دقیقاً مشابه ساختار جمله وصفیه هستند.	
مثال: شاهدت الطفل الذي يبكي = شاهدت طفلاً يبكي (كودکی را دیدم كه گریه می‌كرد).	
دقت کنید كه صفت از نوع اسم را مشابه جمله وصفیه با «كه» ترجمه نکنید.	
مثال: هذه نعم منهمرة. این‌ها نعمت‌هایی هستند كه ریزانند. ☒ این‌ها نعمت‌هایی ریزان هستند. ☒	



درس ۶





پایه دوازدهم

در این آزمون از درس عربی دوازدهم، مباحث جدیدی ارائه نمی شود. پیشنهاد می کنیم برای مطالعه مطالب گذشته به مرورنامه های قبلی سر بزنید.

تاریخ

پایه دهم

درس ۹

از ورود آریایی ها تا پایان هخامنشیان

- واژه ایران ← واژه آریایی ← مردمان شریف و آزاده
- گروهی از اقوام هند و اروپایی که در شبه قاره هند و فلات ایران مستقر شدند.
- آریایی ها حدود ۱۵۰۰ ق.م. وارد فلات ایران شدند و گروهی به سمت مرکز و غرب رفتند: (ماد / پارس / پارت)

ماد

- اولین بار در سالنامه شاهان آشوری در قرن ۹ ق.م. به مادی ها اشاره شده است.
- غار تگری های آشوریان زمینه اتحاد قبایل ماد را فراهم کرد.
- مادها بنیان گذار نخستین حکومت آریایی در ایران اند.
- نخستین پادشاه دهیوک و آخرین پادشاه آستیاگ بود.
- هگمتانه را مرکز حکومت قرار دادند.
- اوج قدرت ماد در زمان هووخشتر بود.
- کوروش با همدستی بزرگان مادی، آستیاگ را کنار زد، هگمتانه را فتح کرد و حکومت ماد برافتاد.

نکته

منشور کوروش که ماجرای فتح صلح آمیز بابل به زبان بابلی است، در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۵۸ ش. در بابل کشف شد.

- منسوب به هخامنش، جد کوروش کبیر - در قسمت های جنوبی فلات ایران مستقر بودند - حکومت محلی در مرکزیت شهر انشان / انزان	هخامنشیان
- اتحاد قبیله های ناراضی پارسی، جلب حمایت بزرگان مادی و از میان برداشتن آستیاگ - تصرف لیدی، پایتخت ثروتمند آن سارد و آسیای صغیر - فتح مسالمت آمیز بابل (۵۳۹ ق.م) - فتح صلح آمیز بابل بر منشور گلی که به منشور کوروش شهرت یافت - شکل جدید فرمانروایی و رفتار مداراجویانه کوروش به عنوان الگوی شاهان بعدی	کوروش بزرگ

- فتح مصر - گسترش قلمرو هخامنشیان به آفریقا (نهایت وسعت قلمروی هخامنشیان)	کمبوجیه
- فرونشاندن شورش‌های داخلی - توسعه قلمرو داخلی - اقدامات اساسی برای ایجاد تشکیلات نوین اداری و ... - فتح غرب و شمال غرب هند - لشکرکشی به شمال دریای سیاه برای دفع حملات قبایل سکایی - جنگ ماراتن با یونانی‌ها پس از شورش شهر قلیطیه (میلتوس) به تشویق آتنی‌ها	داریوش اول
- جنگ با یونان و تصرف آتن - شکست ایران در نبرد سالامیس	خشایارشا
- آغاز تفرقه درونی - شورش کوروش کوچک در آسیای صغیر و شکست کوروش کوچک - خارج شدن مصر از قلمرو هخامنشیان (۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م)	اردشیر دوم (۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م)
- قتل عام افراد خاندان سلطنتی - ضمیمه کردن مجدد مصر به قلمرو هخامنشی	اردشیر سوم
- در زمان او اسکندر به ایران حمله کرد. - طی سه نبرد گرانیکوس، ایسوس و گوگمل هخامنشیان شکست خوردند. - نزدیک دامغان کنونی به قتل رسید. (۳۳۰ ق.م) - پایان هخامنشیان	داریوش سوم

درس ۱۰: سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان

- بعد از مرگ اسکندر، یکی از سرداران او به نام سلوکوس در بین‌النهرین بخش‌هایی از آسیای صغیر، سوریه و فلات ایران حاکم شد و حکومت سلوکیان را تشکیل داد. او خود را نیکاتور (فاتح) خواند.
- ابتدا شهر سلوکیه در ساحل غربی رود دجله را پایتخت قرار داد، سپس آن را به انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد.
- سلوکیان هیچ‌گاه نتوانستند فرهنگ یونانی را در ایران گسترش دهند و پایه‌های حکومت آن‌ها در ایران سست و لرزان بود.

چرایی سستی حکومت سلوکیان در ایران

ارشد بر سلوکیان شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کردند.	با استفاده از جنگاوران شرقی سلوکیان را اخراج کردند.	زمان مهرداد اول و دوم به اوج قدرت رسید. شیوه حکومت آن‌ها ملوک الطوایفی بود.	حکومت اشکانیان در زمان مهرداد اول و دوم به اوج قدرت رسید. شیوه حکومت آن‌ها ملوک الطوایفی بود.	اشکانیان با روم درگیر بودند.	اردوان چهارم (رومیان را مجبور به پرداخت غرامت کرد اما در برابر مشکلات داخلی ناموفق بود) در جنگ با اردشیر بابکان شکست خورد.	سلسله اشکانیان فروپاشید.
--	---	---	---	------------------------------	--	--------------------------

نکته

مهم‌ترین جنگ میان اشکانیان و روم: در زمان پادشاهی ارد دوم / شکست کراسوس از سورنا در منطقه حران

ساسانیان

- اردشیر بابکان پس از پیروزی و شکست اردوان چهارم اشکانی، در تیسفون تاج‌گذاری کرد و آن شهر را پایتخت خود خواند.
- به جای حکومت ملوک الطوایفی، حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کردند. همراه کردن مخالفان با جنگ یا نامه‌نگاری.
 - این حکومت با اقدامات مهم پادشاهانی مانند شاپور یکم و دوم، گسترش یافت و تثبیت شد. در زمان شاپور یکم والریانوس امپراتور روم اسیر شد و گردیانوس، دیگر امپراتور روم کشته شد. / گوشمالی دادن اعراب متجاوز توسط شاپور دوم.
 - در زمان پادشاهی قباد یکم (۵۳۱ - ۴۸۷ م) حکومت ساسانی با جنبش اقتصادی - اجتماعی مزدک روبه‌رو شد. او خواهان تقسیم دارایی طبقات بالا میان تهی‌دستان بود؛ قباد یکم در ابتدا از مزدک حمایت کرد و در آخر با همراهی مخالفان او، مزدک را به قتل رساند.
 - خسرو انوشیروان، یکی از پادشاهان مشهور ساسانی است که برای سروسامان دادن به اوضاع کشور اصلاحاتی انجام داد.
 - در زمان هرمز چهارم، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان اوج گرفت تا جایی که بهرام چوبین با پشتیبانی بزرگان علیه او شورید و او را از قدرت برکنار کرد و خود بر تخت نشست.
 - خسرو پرویز پسر هرمز بود که به بیزانس (امپراتوری روم شرقی) گریخت و با حمایت امپراتوری روم به تاج و تخت رسید.
 - قتل وارثین تاج و تخت توسط شیرویه جانشین خسرو پرویز و وضعیت بی‌ثبات کشور.
 - یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی بود که اعراب در زمان وی به ایران حمله کردند و در چند جنگ بزرگ مانند قادسیه، جلولاء و نهاوند ساسانیان را مغلوب ساختند.



- ضعف قدرت سیاسی پادشاهان ساسانی
- شورش‌های مکرر فرماندهان نظامی
- نارضایتی مردم از حکومت ساسانی به سبب تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی
- کاهش توان اقتصادی ساسانیان به سبب طغیان رودهای دجله و فرات
- پیام جذاب دین اسلام (برابری و برادری)
- انگیزه و روحیه قوی اعراب مسلمان

— ساسانیان و روم —

اختلاف بر سر مسیرهای تجاری هند و چین و سرزمین‌های مرزی (ارمنستان) — اختلافات یا با جنگ و یا با پیمان‌های صلح پیگیری می‌شد.

♦♦ درس ۱۱: آیین کشورداری ♦♦

— نظام سیاسی باستان —

مادی

- به دلیل کمبود مدارک، اطلاعات زیادی نداریم.

هخامنشیان

- داریوش نظام اداری کارآمدی ایجاد کرد.
- ادعای حکومت به خواست اهوره‌مزدا به ویژه از سوی داریوش
- مشورت از گروه مشورتی درباره مسائل مهم حکومت
- تشکیل خزانه شاهی، دیوان شاهی و انبار شاهی توسط داریوش
- تشکیلات استانی و نظارت مأموران شهری‌ها توسط داریوش

ساسانی

- پادشاه در رأس قدرت بود و ادعای حکومت از جانب اهوره‌مزدا داشت.
- بزرگ فرماندار (وزیر بزرگ) در رأس تشکیلات دیوانی
- نقش پررنگ دبیران

سلوکی - اشکانی

- مناصب مهم اداری در اختیار یونانیان
- سلوکیان سعی کردند راه هخامنشیان را ادامه دهند.
- شیوه حکومت اشکانی ملوک‌الطوایفی بود.
- خاندان‌های بزرگی که علاوه بر خاندان شاهی در قدرت نقش داشتند: کارن در نهاوند، سورن در سیستان و مهران در ری
- وجود ۲ مجلس: ۱) بزرگان و اشراف ۲) پیشوایان

اپازه هست؟

آقا به پی بگم؟

+ بفرما!

قضاوت:

به ۲ شکل رسمی و غیررسمی

وجود قوانین محدودکننده پادشاه در دوره هخامنشی

می‌شه درباره قضاوت تو دوره ساسانی به توضیح بدین؟

+ ببین از این دوره اطلاعات بیشتری داریم. حالا چرا؟ چون هم کتاب و این چیزها مثل مادیان هزار داستان داریم که به زبان پهلوی گردآوری شده و هم چیزهای دیگه! راستی هواسه باشه نقش روحانیون زرتشتی هم تو امر قضاوت بیشتر شد.

♦♦ درس ۱۲: جامعه و خانواده ♦♦

طبقات اجتماعی در دوره‌های حکومت‌های باستانی به قرار زیر بود:

مادها — تقسیم افراد جامعه براساس شغل به ۳ دسته

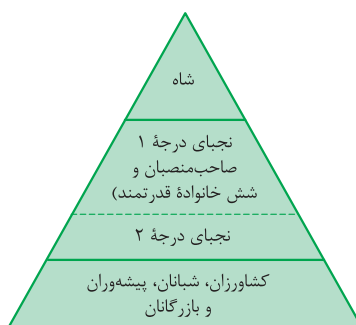
۱) روحانیون

۲) جنگجویان

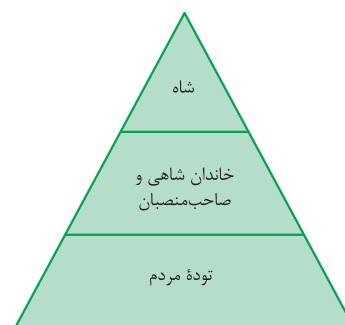
۳) کشاورزان و شبانان



هرم اجتماعی دوره ساسانیان
بر اصالت نسب استوار بود



هرم اجتماعی دوره اشکانیان
شامل ۲ گروه حاکم و توده مردم می‌شد



هرم اجتماعی دوره هخامنشیان

موقعیت زنان

- موقعیت یکسان زن و مرد در قسمت‌های اصلی اوستا
- فعالیت اقتصادی زنان
- حقوق برابر زن و مرد در زمان هخامنشیان
- حق مالکیت و اقامه دعوا در زمان ساسانیان

نکته

همان‌طور که در هرم‌ها می‌بینید، طبقات در دوران هخامنشی کم و ساده بود و روابط پیچیده‌ای وجود نداشت؛ دلیلش هم مشخص است: اول این که الگویی برای طبقه‌بندی جامعه نداشتند، دوم این که نوع مناسبات تجاری و میزان درآمد حکومت و ... مانند دوران اشکانی و ساسانی منسجم و پیچیده نشده بود.

گسترش و تثبیت نظام طبقاتی در دوره ساسانی

۱) حکومت مرکزی قدرتمند (اضافه شدن دبیران) ۲) رسمیت یافتن دین زرتشت (افزایش نفوذ موبدان)

نکته

- سرآغاز ایجاد طبقات اجتماعی ← حکومت مادها
- افزایش نابرابری‌های اجتماعی ← در زمان هخامنشیان با افزایش فتوحات
- توسعه تشکیلات حکومتی ← محدود شدن اختیارات پدر
- عوامل اجتماعی و اقتصادی ← کوچک شدن خانواده‌های گسترده از زمان هخامنشیان

کشاورزی

تأثیر آموزه‌های زرتشت با تشویق مردم به کشت و کار

انتقال تدریجی آریاییان به زندگی مبتنی بر کشاورزی

جشن و سوگواری ← پیوند با باورهای دینی و فعالیت کشاورزی

گاهنبارها، نوروز، مهرگان و سده ← ۶ جشن به شکرانه آفریده شدن عناصر خلقت در ۶ وقت معین از سال

سپاه و جنگ‌افزارها

- مادی‌ها ← تقسیم سپاه به دسته کمان‌داران، نیزه‌داران و سواران و یگان پشتیبانی و بارکش
- سلاح‌ها ← تیر، کمان، زوبین و ...

هخامنشیان

- تا زمان داریوش یکم ← متکی بر پیاده نظام
- از زمان داریوش یکم ← تشکیل سپاه جاویدان
- تشکیل نیروی دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ و مدیترانه با اقدام داریوش بزرگ
- فرماندهی ناوهای جنگی به عهده پارسیان و مادی‌ها

اشکانیان

- اهمیت به نیروی سواره نظام
- پیشینه صحراگردی سواره نظام اشکانی و توانایی جنگیدن آنان در شرایط سخت

ساسانیان

- سپاه دائمی و مجهز
- اصلی‌ترین بخش ← سواره نظام سنگین اسلحه زره‌پوش
- استفاده از نیروی دریایی برای تسلط بر یمن، باب‌المندب و خلیج عدن
- مدارس ارتش‌تارستان

پایه یازدهم

درس ۹: ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی

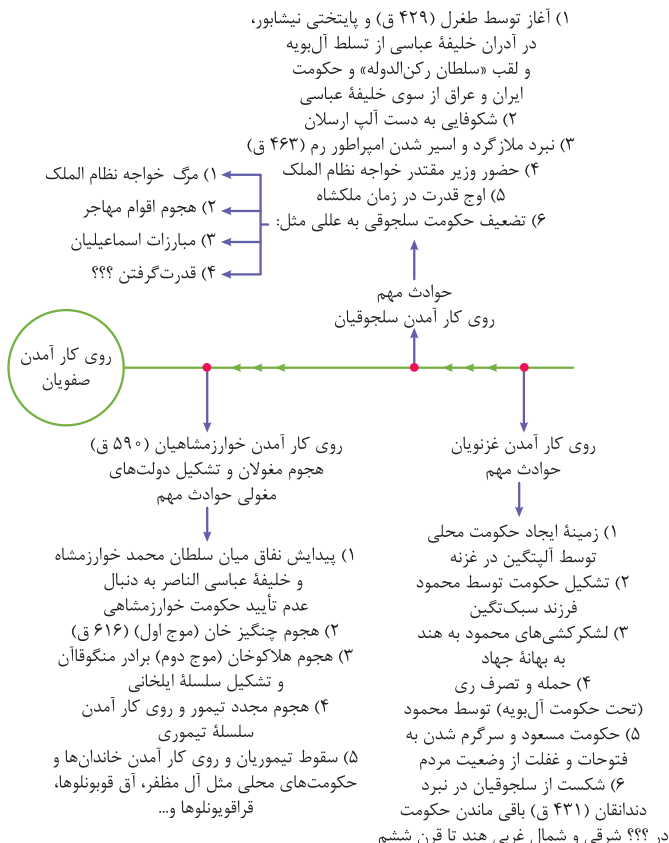
از ابتدای قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری ← سلسله‌های ایرانی: ۱) طاهریان ۲) سامانیان ۳) علویان طبرستان ۴) صفاریان ۵) زبیریان ۶) آل بویه

● نخستین سلسله مسلمان ایرانی ● به دست طاهر بن حسین (ذوالیمین) حاکم خراسان از سوی مأمون تأسیس شد ● ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر ● قدرت با فرمان خلیفه عباسی ● اطاعت ظاهری از خلیفه عباسی و اداره امور قلمرو به شکل مستقل	طاهریان
● ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر ● کسب قدرت با فرمان خلیفه عباسی ● اظهار اطاعت ظاهری نسبت به خلیفه عباسی و اداره امور قلمرو به شکل مستقل	سامانیان
● بنیان‌گذاری توسط حسن بن زید ● سادات علوی شیعه بودند که به منطقه طبرستان ایران پناه برده بودند. ● نقش مؤثر در ترویج اسلام در میان ساکنان دیلم، طبرستان و گیلان ● برپایی حکومت بدون اجازه خلیفه عباسی ● رابطه خصومت آمیز با خلیفه عباسی	علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰)
● بنیان‌گذاری توسط یعقوب لیث صفاری (رویکردهای از ده قرن سیستان) ● کسب قدرت بدون اجازه خلیفه عباسی ● رابطه پر فراز و نشیب با خلیفه عباسی ● فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ ● قتل عمرو بن لیث به دستور خلیفه عباسی	صفاریان
● کسب قدرت بدون اجازه خلیفه عباسی ● محدود شدن قلمرو به گرگان و طبرستان ● روابط پر فراز و نشیب با خلیفه عباسی ● مرداوینج (بنیانگذار) در خیال حمله به بغداد و نابودی خلافت عباسی بود که به دست غلامان شورشی خود کشته شد.	زبیریان
● بنیان‌گذاری توسط پسران ابوشجاع بویه (صیادان اهالی دیلم) ● کسب قدرت بدون اجازه خلیفه عباسی ● روابط متفاوت با خلیفه عباسی نسبت به سایر سلسله‌های ایرانی ● تسخیر بغداد و نگهداری خلافت ● تحت تسلط قراردادن خلفای عباسی به مدت یک قرن	آل بویه

- سیاسی - اجتماعی: کاهش سلطه خلفای عباسی بر ایران / کاسته شدن از جنبش‌ها و برقراری آرامش
- اقتصادی: رونق شهرنشینی، کشاورزی، تجارت و صنعت
- مذهبی: شتاب گرفتن روند اسلام‌پذیری / تقویت مذهب شیعه توسط امیران آل بویه و علویان
- فرهنگ
- ← آغاز حمایت از زبان فارسی در زمان یعقوب لیث
 - ← حمایت امیران سامانی از شاعران و نویسندگان
 - ← ترجمه تاریخ طبری (تاریخ بلعمی)، ترجمه تفسیر طبری، حدود العالم من المشرق الی المغرب (نخستین کتاب جغرافیایی فارسی)
- آثار سلسله‌های ایرانی
- علم:
- ← حمایت مادی و معنوی سامانیان و آل بویه
 - ← مدارا و اجتناب از تعصب توسط امیران این سلسله
 - ← مساجد مهم‌ترین مراکز آموزشی
 - ← انتقال دانش پزشکی ایران باستان از طریق مدرسه جندی شاپور (فعالیت از زمان سامانیان تا قرن ۳)
 - ← رونق فلسفه و ظهور فارابی و ابوعلی سینا
 - ← رونق ریاضی و نجوم و فعالیت در رصدخانه بغداد / ظهور ابوریحان بیرونی
 - ← جرجیس ابن جبرائیل پزشک ایرانی و رئیس مدرسه جندی شاپور / ظهور زکریای رازی

حکومت‌های ایران اسلامی (قرن سوم هجری تا دهم)

بچه‌ها حواستان را حسابی جمع کنید؛ حوادث و ترتیب سلسله‌ها را تا جایی که می‌توانید ببرید روی نمودار و محتویات مربوط به هر یک را به خاطر بسپارید؛ بنابراین در نمودار خطی زیر صرفاً برخی حوادث سیاسی مهم مربوط به قرن سوم تا یازدهم را با هم می‌بینیم:



– نظام اداری –

غزنویان ← استفاده از دیوان‌سالاران سامانیان و آل بویه

سلجوقیان

- استفاده از دیوان‌سالارانی مثل عمیدالملک کندی خواجه نظام‌الملک
- عصر نظام‌الملک
- چالش بین اهل شمشیر و اهل قلم

خوارزمشاهیان

- تداوم نظام اداری سلجوقیان
- کاهش قدرت وزیر

– اوضاع اجتماعی –

غزنویان: عمده جمعیت ← روستایی

سلجوقی

- ۳ بخش شهرها ← ۱) کهندژ (ارگ) ۲) شهرستان (شارستان) ۳) رضی (شهر بیرونی)
- گسترش رضی و منتقل شدن مسجد و بازار به آن
- رشد شهرنشینی و طبقه بازرگان‌ها

– اوضاع اعتقادی –

- عمده مردم اهل تسنن
- اسماعیلیان و شیعیان مخالفان حکومت غزنوی و سلجوقی
- جانب‌داری غزنویان و سلجوقیان باعث درگیری میان فرقه‌های مختلف اسلام می‌شد.



– اوضاع اقتصادی –

- زوال موقعیت اجتماعی دهقانان
- حاکمیت شخصی ناپایدار و در معرض مصادره
- نظام اقطاع

زبان فارسی

- تغییر زبان دستگاه اداری از عربی به فارسی در دوران سلجوقی
- آثار ← شاهنامه، تاریخ بیهقی

علم و آموزش

- ابوریحان بیرونی در نجوم، ابوالعباس لوکری و خیام در ریاضیات و نجوم؛ سهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و کلام و سید اسماعیل جرجانی در پزشکی
- تأسیس نظامیه‌ها ← از معروف‌ترین عالمان ← امام محمد غزالی

به پی بگم؟

– آقاگاهی می‌گما! هنر تو این دوره چه پوری بود؟ اصلاً مردم پی کار می‌کردن؟

+ ببین، تو دوره حکومت‌های ترکی - اسلامی (غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی) هنر رونق داشت، زبان فارسی شکوفا بود، آثار علمی نوشته می‌شد، اما چیزی که مهمه، شهرنشینی هست که تو دوره سلجوقی خیلی به چشم می‌آد. چرا؟ چون این دوره، ما شاهد بهبود و اصلاح سایر جوانب جامعه مثل اقتصاد و تجارت و در نتیجه افزایش جمعیت هستیم. حالا وقتی مغول می‌آد، به مدتی همه این‌ها دپار افول می‌شه تا این‌که تو دوره ایلخانان و تیموری بار دیگر شهر و شهرنشینی، علم و ادبیات، نگارگری و ... رشد می‌کنن.

♦♦ درس ۱۱: حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری ♦♦

– مغول‌ها –

- قبایل زردپوستی که طی اقدامات چنگیز متحد شدند.
- عدم پیشینه در فرهنگ و تمدن و شهرنشینی

حمله مغول به ایران

- موج اول حمله ← ۶ سال طول کشید (۶۱۶ - ۶۲۲ ق)
- علل شکست ایران ← ۱) اختلافات بین خوارزمشاهیان و خلافت عباسی ۲) غفلت سلطان محمد از تهدیدات مغولان
- موج دوم حمله ← ۳۰ سال بعد به فرماندهی هلاکوخان (۶۵۴ ق)
- هلاکوخان ← لشکرکشی به ایران به منظور نظم بخشیدن به قلمرو مغول (۶۵ ق) ← گشودن قلمروهای اسماعیلیان و کشتن خلیفه عباسی (۶۵۶ ق) ← شکست از سپاه مملوکان مصر در عین جالوت

– دوره‌های حکومت ایلخانان (۶۵۶ - ۷۳۶ ق) –

- **نامسلمانی:** تلاش دیوانسالاران ایرانی برای مهار خشونت مغول (خواجه نصیرالدین توسی، برادران جوینی)
- **مسلمانی:** آغاز با مسلمان شدن غازان خان (۹۹۴ ق) ← رسمی شدن دین اسلام ← پادشاهی الحایتو ← ابوسعید آخرین ایلخان مغول (۷۳۶ ق) ← نابه‌سامانی اجتماعی

علل این نابسامانی

- ۱) درگیری سرداران مغول ۲) حکومت‌های غیرمغول محلی مثل سرداران، سادات مرعش مازندران و سلسله آل مظفر

– تیموریان –

- حکومت تیمور گورکانی (۷۷۱ ق) بر ایران در ۳ مرحله یورش
- شاهرخ (۸۰۷ - ۸۵۰ ق)
- حکومت اتحادهای قبیله‌ای قراقویونلوها و آق‌قویونلوها بر ایران و محدودشدن حکومت تیموری در مناطق شرقی

شهرنشینی

- افول شهرنشینی پس از حمله مغول ← توصیه یاسا به دوری از شهرنشینی
- رونق یافتن شهرنشینی پس از استقرار حکومت ایلخانی ← شهرک رشیدیه و ربع رشیدی و شنب‌غازان
- علاقه تیمور به شهرسازی و آبادانی سمرقند
- ۱) کاهش جمعیت و مهاجرت ۲) تغییر بافت جمعیتی

گروه‌های اجتماعی دوره مغول

- تقسیم‌بندی جامعه مغول - تیموری به ۲ دسته فرادست و فرودست
- افزایش نفوذ زنان

نظام حقوقی

- قوانین دوره ایران اسلامی ← شریعت اسلام و عرف
- ۳ محاکم شرع، مظالم و حسبه
- دعای مغولان پیش از مسلمانی ← بر پایه یاسا / دادگاه‌هایی با نام برغو و زیرنظر برغوچی
- مجموعه قوانین «تزوکات» تیمور ← ما به عرف و شریعت عمل می‌شد

اقتصاد

- کشاورزی ← آسیب به فعالیت‌های کشاورزی با حمله مغول
- اصلاحات غازان‌خان و بهبود رونق کشاورزی
- تجارت ← رونق تجارت در دوره مغول - تیموری به دلیل یکپارچه شدن سرزمین‌ها و توسعه تجارت بین‌الملل
- انواع مالیات در این دوره: کشاورزی، بازرگانی و دامی

درس ۱۲: فرهنگ و هنر عصر مغول-تیموری

دین

- پیروی مغولان از آیین شمنی
- تسامح و تساهل دینی مغولان
- اتحاد پیروان مذاهب اسلام برای مسلمان شدن مغولان
- گسترش مذهب تشیع با تلاش‌های خواجه نصیرالدین توسی و گرویدن الجایتو به آن مذهب
- گسترش تصوف به علت ناامیدی مردم و روی آوردن آن‌ها به خانقاه‌ها
- افزایش نفوذ و موقعیت اجتماعی رهبران صوفی و ورود آن‌ها به سیاست (طریقت صوفی)
- نگارگری و خوشنویسی
- در عصر ایلخانان، هنر نگارگری تلفیقی از سنت‌های نقاشی ایرانی و چینی بود که در کتاب‌آرایی و مصورساختن کتاب‌های تاریخی و متون ادبی جلوه‌گر شد.
- ایلخانان از مشوقان پدیدآوردن شاهنامه‌های مصور به شمار می‌روند، نمونه آن شاهنامه مشهور به «دموت» است.
- فاخرترین نمونه شاهنامه مصور شده در عصر تیموری شاهنامه بایسنقری است که به دستور شاهزاده بایسنقر پسر شاهرخ که سیاستمداری هنرمند بود، مصور شد.
- رونق شهر هرات به علت کتابخانه‌های بزرگ و هنرمندان نامدار
- بعضی از وزیران تیموری مانند امیر علیشیر نوایی مشوق جدی هنر و هنرمندان بودند.
- نامورترین نقاش عصر تیموری کمال‌الدین بهزاد بود.

معماری

- تیمور با گردآوردن هنرمندان و معماران بزرگ سرزمین‌های فتح‌شده در سمرقند، به عمران و آبادانی پایتخت خود پرداخت.
- معماری ایرانی در دوره جانشینان تیمور به‌ویژه عصر شاهرخ و همسرش گوهرشاد بیگم به عظمت و شکوفایی رسید.
- سرشناس‌ترین معماران دوره شاهرخ قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی و محمدبن محمود اصفهانی بودند.

- ویژگی‌های بناهای دوران ایلخانی - تیموری
- (۱) ایجاد بناهای عظیم
- (۲) ساختن گنبد، طاق‌ها، ایوان‌ها و مناره‌های بلند
- (۳) تزیین ساختمان‌ها با گچ‌بری و کاشی‌کاری
- (۴) استفاده از ترکیب آجر و کاشی برای تزیین و زیباسازی بناها

علم و ادب

- ادبیات و تاریخ‌نگاری
- رواج شاهنامه‌سرایی
- حمایت شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنوایی از ادیبان
- رواج تاریخ

از آثار تاریخی مهم این روزگار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تاریخ جهانگشا نوشته عطاملک جوینی (۶۵۸ ق)
- جامع‌التواریخ نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۷ ق)
- تاریخ گزیده نوشته حمدالله مستوفی (۷۳۰ ق)



– دانش‌های دیگر –

برخی علوم دیگر مانند ریاضیات، نجوم، پزشکی و ... از رونق خاصی برخوردار بود.

نقش خواجه نصیرالدین توسی در ایجاد رونق علوم ← ایجاد زمینه فعالیت دانشمندان در مرکز علمی رصدخانه مراغه ← بازگرداندن دانشمندان متواری به ایران

پایه دوازدهم

منابع تاریخی

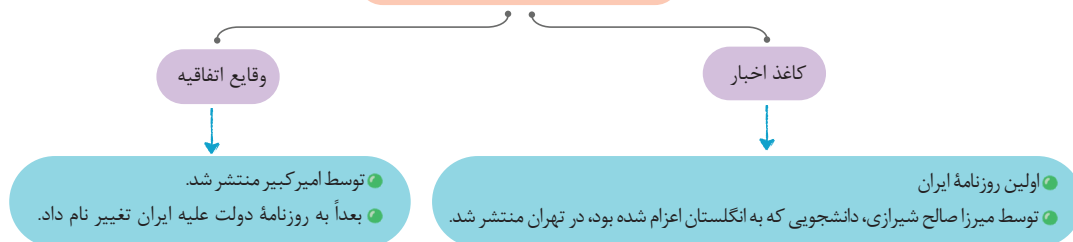
به طور کلی گونه‌های منابع تاریخی به چهار دسته تقسیم می‌شود:

الف) کتاب‌ها	شامل کتاب‌های تاریخی / ادبی / جغرافیایی / خاطرات / سفرنامه‌ها / زندگی نامه‌ها / متون فقهی و حقوقی
ب) نشریات	شامل روزنامه‌ها و مجلات (این رو باید برات توضیح بدم)
ج) اسناد و منابع آرشیوی	که شامل همه اسناد و معاهدات و نامه‌ها می‌شه.
د) بناها، اشیاء و وسایل	دیگه هر شیء یا ابزاری را (مربوط به دوران قاجار و پهلوی) غیر از منابع نوشتاری رو در بر می‌گیره.

نشریات

- نشریات یکی از ابداعات تمدن جدید است که پس از انقلاب مشروطه رشد وسیعی پیدا کرد.
- در دوران قاجار و پس از آن بر شمار نشریات تخصصی افزوده شد.

مهم‌ترین روزنامه‌های ایران دوره قاجار



درس ۲: ایران و جهان در آستانه دوره معاصر

– ایران در آستانه دوره معاصر –

- حکومت افغان‌ها به دو دلیل دوام چندانی نداشت: (۱) ناتوان در تسلط بر تمام قلمرو صفوی (۲) ناآشنایی با اصول کشورداری

نادر به تهماسب پیوست و توانست خراسان را فتح کند به مرور نیز فتحلی خان قاجار هم حذف شد و نادر فرمانده شد وی توانست در چند جنگ افغان‌ها را شکست دهد. سپس روس و عثمانی را از ایران بیرون کرد و در نهایت تهماسب دوم را به دلیل بی کفایتی خلع نمود و در نتیجه بساز سلطه صفویه برای همیشه برچیده شد و شرایط برای به تخت‌نشستن نادر فراهم شد.

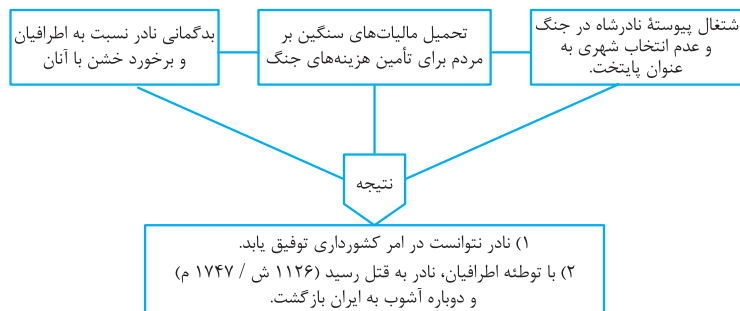
با سقوط اصفهان (۱۱۳۵ ق / ۱۱۰۲ ش / ۱۷۲۳ م) یکی از پسران شاه سلطان حسین به نام تهماسب دوم از اصفهان فرار کرد و خود را شاه خواند و گروهی من جمله نادر افشار و فتحلی خان قاجار را دور خود جمع کرد.

- با پذیرش این شرایط در شورای دشت مغان انقراض صفویه و پادشاهی نادر اعلام شد. (۱۱۱۴ ش / ۱۷۳۶ م)

شرایط نادر برای پذیرش سلطنت

- (۱) موروثی شدن سلطنت در خاندان او (۲) عدم حمایت بزرگان از خاندان صفوی (۳) حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی

– تثبیت و سقوط سلسله افشاریه –



سلسله زند

- پس از نادر، افراد مختلفی بر سر جانشینی او عرض اندام کردند من جمله خاندان نادر (برادرزاده‌ها، نوۀ وی، سران ایلات و افرادی از خاندان صفوی.
- در این میان کریم‌خان (رئیس زند از طایفه لر) یکی از سردارانی بود که پس از مرگ نادر، در صدد کسب قدرت برآمد و در نهایت هم پیروز شد.
- او برخلاف نادر از ادامه لشکرکشی و جنگ برای در اختیار گرفتن اقصی نقاط ایران دست کشیده و همین امر موجب بازگشت آرامش، رونق و رفاه نسبی به ایران به‌خصوص شیراز گردید.
- کریم‌خان به جای انتخاب لقب شاه، خود را وکیل‌الرعا یا نامید و مقرر حکومتش را در شیراز قرار داد.

– سقوط سلسله زند –

- به دنبال مرگ کریم‌خان زند بار دیگر وضع سیاسی و اجتماعی آشفته گردید تا این‌که لطفعلی‌خان بر تخت تکیه زد؛ اما او هم چندان مرد سیاست نبود و حکومت زندیه توسط آقامحمدخان قاجار از میان رفت. (۱۱۶۷ ش / ۱۷۹۴ م)

دلایل شکست لطفعلی‌خان	دلایل آشفتگی ایران بعد از کریم‌خان
(۱) غرور (۲) اشتباهات نظامی (۳) روی گردانی بزرگان از وی من جمله ابراهیم‌خان کلانتر	(۱) جنگ داخلی بین جانشینان کریم‌خان (۲) به قدرت رسیدن نزدیک ۷ نفر در عرض ۱۵ سال (۳) فروپاشی سیاسی، اقتصادی و نظامی

نکته

وجه شباهت آخرین جانشین نادر (شاهرخ) و آخرین جانشین کریم‌خان زند (لطفعلی‌خان) این است که هر دو در نهایت توسط آقامحمدخان قاجار از بین رفتند.

اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

- روابط خارجی: مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای اروپایی چندان رونق نداشت.
- نظام اداری و سیاسی: حکومت نادر بر اقتدارگرایی و امور نظامی استوار بود و سازمان اداری قوت سابق را نداشت.
- شیوۀ اداره ایلات و ... همانند دوران صفویه بود. بیگلربیگی: اداره سه ایلات بزرگ خراسان / فارس / آذربایجان
- نظام مالیاتی نیز همانند گذشته بود. هم پولی بود و هم کالایی. بخش اعظم مالیات صرف سپاه می‌شد.
- اقتصاد، تجارت و کشاورزی: در دوره نادر به دلیل تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی ضعیف شدند و در دوره کریم‌خان، در ذیل ثبات و آرامش سیاسی نسبی، رونق یافتند.
- ادبیات علم و آموزش: در دوره نادر، مدارس تعطیل بودند و علما به عتبات عالیات مهاجرت کردند، اما در دوره کریم‌خان اوضاع کمی بهتر شد.
- هنر و معماری: به طور کلی دچار رشد و ترقی شد.
- در دوره نادر: اصفهان بازسازی شد و کاج خورشید در کلات ساخته شد.
- در دوره کریم‌خان: آرامگاه حافظ، سعدی و باغ دلگشا بازسازی شد بناهای کلافرنگی با کاربرد تفریحی ساخته شد و مجموعه مسجد، بازار و حمام وکیل و ارگ کریم‌خانی ساخته شد.

نکته

مکتب نقاشی شیراز که در دوره مغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق خود رسید.



جهان در آستانه دوران معاصر (قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ م)

به طور کل این بخش دو قسمت می‌شود که در جدول زیر می‌بینید:

ضعیف (شرق)	شکوفایی قدرت (اروپا)
عثمانی گورکانی	فرانسه (البته دچار ضعف زیادی بود). روسیه انگلستان آمریکا

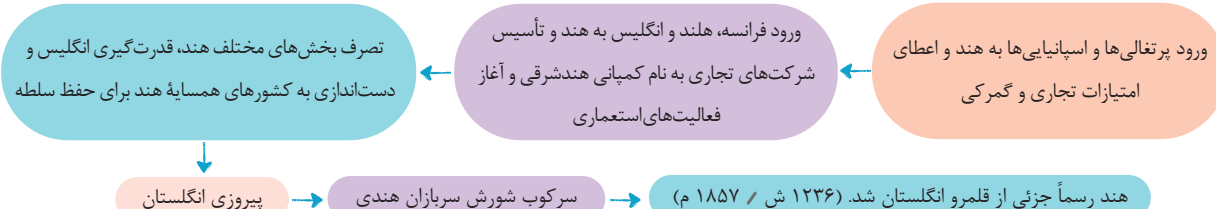
– عثمانی و گورکانی در آستانه فروپاشی –

- دلایل ضعف عثمانی عبارت است از: ۱) تنوع اقوام و ادیان و مذاهب ۲) گستردگی قلمرو ۳) سیاست‌های خشن و نادرست عثمانی‌ها در برخورد با اقلیت‌های مذهبی و قوم ۴) فساد سران سپاه ۵) دخالت‌های زنان حرمسرا در امور لشکری و کشوری
- نتیجه: کشورهای اروپایی به‌ویژه روسیه، انگلیس، فرانسه و اتریش برای کسب منافع و به بهانه دفاع از حقوق اقلیت‌ها ← در امور داخلی این حکومت به دخالت می‌پرداختند.

نکته

عثمانی هرگز به صورت کامل به مستعمره اروپایی‌ها تبدیل نشد، چراکه کشورهای اروپایی نیز درگیر مسائل و رقابت‌های موجود میان خود بودند؛ لذا این امپراتوری تا پایان جنگ جهانی اول به حیات خود ادامه داد.

- هند چگونه به مستعمره انگلستان تبدیل شد؟



– اروپا –

پس از دوره رنسانس، اروپا و آمریکا سه انقلاب بزرگ به خود دید:

- ۱) انقلاب باشکوه انگلستان برای مشروطه
- ۲) انقلاب استقلال آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه
- ۳) اما یک انقلاب دیگری رخ داد که جهان را دگرگون کرد؛ انقلاب صنعتی.

تعریف انقلاب صنعتی
● تا اواخر قرن ۱۸ م. عامل اصلی تولید، نیروی بازوی انسان بود. انقلاب صنعتی یعنی استفاده از نیروی محرکه آب و بخار به جای نیروی انسان. این انقلاب از انگلستان با اختراع و تکمیل ماشین بخار آغاز شد.
● نخستین تحول در صنعت نساجی و سپس در کشاورزی و حمل‌ونقل ایجاد شد.
● کشورهای صنعتی به این موارد نیاز داشتند: ۱) مواد اولیه ۲) نیروی کار ارزان ۳) بازار فروش محصولات ۴) سرمایه مادی فراوان ۵) حمایت سایر دولت‌ها
پیامدهای انقلاب صنعتی
● گسترش استعمار و غارت کشورهای آسیایی و آفریقایی
● بهره‌کشی از کارگران (داخل اروپا)
مشکلات انقلاب صنعتی
۱) تغییر مناسبات انسانی، اجتماعی و اقتصادی موجب قدرت و رفاه بیشتر اروپاییان شد.
۲) گسترش بی‌رویه شهرها و آلودگی‌های زیست‌محیطی، در نتیجه رشد سریع جمعیت
۳) پیدایش فاصله طبقاتی و در نتیجه پیدایش نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی

انگلستان

- در اواخر قرن هفدهم بین مجلس و به رهبری الیور کرامول و چارلز یکم (پادشاه وقت) جنگی در گرفت که به پیروزی مجلس انجامید.
- او پادشاه را عزل و خود را رئیس جمهور نامید ولی به دلایل مذهبی با مجلس نیز به اختلاف برخورد و آن را منحل کرد اما با مرگ وی دوباره سلطنت قدرت گرفت تا این‌که انقلاب باشکوه (پیروزی مجلس بر پادشاه) به وقوع پیوست.

ایالت متحده آمریکا

● در آمریکا چه خبر بود؟ مردم آمریکا مستعمره انگلیس بودند تا این که به دلیل: (۱) وضع قوانین سخت توسط انگلیس، (۲) تحریکات فرانسویان، مردم این سرزمین وارد جنگ طولانی با انگلیس شدند که با پیروزی مستعمره‌نشینان و انتخاب جرج واشنگتن به عنوان نخستین رئیس‌جمهور آمریکا، همراه بود.

نتایج استقلال آمریکا: (۱) پیشروی به سوی غرب و کشتار سرخ‌پوستان و سپس جنوب و گرفتن مکزیک، کالیفرنیا و تگزاس (۲) تصاحب زمین‌ها، استفاده از نیروی کار بردگان و رسیدن به توسعه سیاسی و اقتصادی

فرانسه

● به این دوره در فرانسه، تحولات فکری مهمی پدید آمد. این کشور تحت تأثیر عصر روشنگری اروپا، فلاسفه و روشنفکرانی ظهور یافت که اندیشه‌های آنان، مردم را به سوی انقلاب رهنمون ساخت.

● نتیجه حضور این روشنفکر، تغییر دیدگاه مردم بود که همین تغییرات در دیدگاه مردم، زیرساخت‌های انقلاب را فراهم کرد. در جدول زیر سه تن از روشنفکران (دایرةالمعارف‌نویسان) فرانسه و عقایدشان بررسی می‌شود:

ولتر	از اطاعت انسان از عقل و مبارزه با خرافات سخن می‌گفت.
مونتسکیو	از تفکیک قوای سیاسی و حقوق بشر دفاع می‌کرد.
ژان ژاک روسو	روسو بر اهمیت انتخابات تأکید می‌کرد و تشکیل حکومت را حاصل یک قرارداد اجتماعی می‌شمرد.

● به مرور این نظریه‌ها بین مردم رواج یافت و دیدگاه مردم تغییر کرد تا جایی که باعث شورش و حمله به زندان باستیل گردید.

نتیجه (۱) امضای قانون اساسی و نظام مشروطه (۲) اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت

روسیه

روسیه کشوری عقب‌مانده در اروپا به شمار می‌رفت تا این که در قرن ۱۷م. با اقدامات پترکبیر، راه تازه‌ای پیش گرفت:

- استخدام کارشناسان اروپایی
- تأسیس مدارس و دانشگاه‌های جدید
- تقویت ارتش و نیروی دریایی
- تلاش برای گسترش زمین و دسترسی به دریاهای آزاد

● جانشینان پترکبیر اقداماتش را ادامه دادند و در نهایت اقدامات نظامی در نواحی شرقی اروپا و حوزه دریای بالتیک، سیاه و خزر انجام دادند.

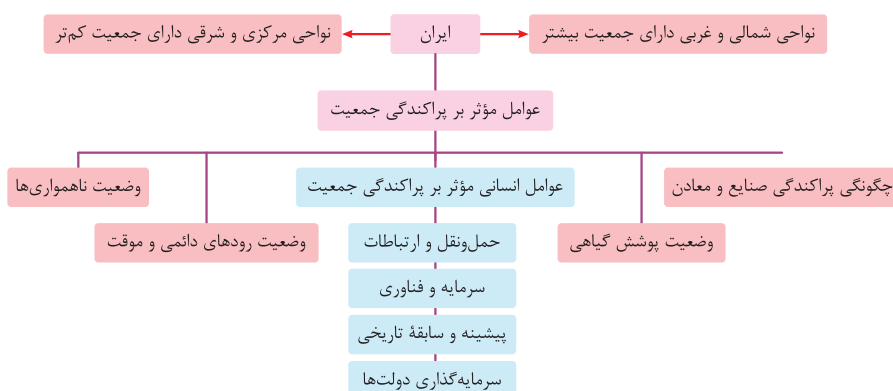
نتیجه (۱) در نهایت به جنگ‌های متعدد با ایران، عثمانی و برخی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه منجر شد.

جغرافیا

پایه دهم

درس ۷: ویژگی‌های جمعیت ایران

– پراکندگی جمعیت در ایران –



دوتا فرمول مهم

فرمول محاسبه رشد طبیعی جمعیت: $100 \times \frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد طبیعی جمعیت}$

فرمول رشد مطلق جمعیت: $100 \times \frac{\text{مهاجرت} \pm (\text{مرگ و میر} - \text{موالید})}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد مطلق جمعیت}$



نکته

قانون ۷۰ عبارت است از نشان دادن زمان دو برابر شدن جمعیت هر کشور. فایده‌اش چیست؟ پیش‌بینی‌های لازم برای آینده از طریق نشان دادن سرعت رشد جمعیت

$$\text{مدت زمان دو برابر شدن جمعیت} = \frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}} = \text{قانون ۷۰}$$

مهاجرت



اچازه هست؟

- من یارمه تو آزمون، از مشکلات و مسائل شهر و روستا سوال طراحی شده بود. + آره.

- یه توضیح کوچولو می‌دید؟

+ بدین مهم ترین مسائل شهرها و روستاها، افزایش شهرنشینی و کاهش تدریجی روستائینی و مهاجرت نیروی کار کشاورزی از روستاها به شهر هست.

- فب چه پوری می‌شه جلوی اینو گرفت؟

+ برای مدیریت صحیح و کارآمد شهرها، ابتدا باید نیازها و مسائلی که با آن روبه‌رو هستند رو بشناسیم، روستاها هم همین‌طور!

درس ۸: تقسیمات کشوری ایران

یک جدول می‌تواند به شما کمک کند. چه‌طور؟ یک جدول برای تقسیمات کشوری ایران از عهد باستان تا امروز

آریایی‌ها	پس از ورود آریایی‌ها به فلات ایران به آبادی‌های کوچک ویس و به آبادی‌های بزرگ گئو می‌گفتند.
هخامنشیان	داریوش کشور را به سی شهری (همان شهر) تقسیم کرده بود و برای هر یک از شهری‌ها مأموری به نام شهریان گماشت.
سلوکی - اشکانی	- اشکانیان تقسیم‌بندی هخامنشی را ادامه دادند. - تقسیم کردن کشور به ۷۲ بخش توسط سلوکیان صورت گرفت.
ساسانیان	کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شد.
عباسیان	قلمرو جغرافیایی به واحدهایی به نام ایالت (۳۱ ایالت) تقسیم شد.
صفوی، افشار و زند	عناصر اصلی کشور عبارت بودند از ایالت، ولایت، بلوک و قصبه نکته: ترتیب این‌ها مهم است!
قاجار	۴ ایالت: - آذربایجان - کرمان و بلوچستان - فارس و بندار - خراسان و سیستان ۱۲ ولایت
ایران معاصر	به ترتیب استان (توسط استاندار اداره می‌شود)، شهرستان (توسط فرماندار اداره می‌شود)، بخش (توسط بخشدار اداره می‌شود)، دهستان (توسط ده‌دار اداره می‌شود).

درس ۹: شکل‌گیری سکونتگاه‌ها

● سکونتگاه ← مجموعه‌ای از مساکن که عوامل طبیعی و انسانی در شکل‌گیری آن نقش دارند. (شهر و روستا)

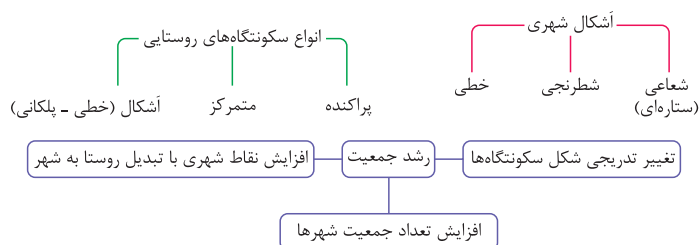
عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی و شهری
آب / عرض جغرافیایی / ارتفاع / راه‌های ارتباطی

نکته

عوامل اثرگذار در سکونتگاه‌ها نه تنها در پیدایش، بلکه در تغییرات به‌وجودآمده آن‌ها هم نقش دارد.

انواع و شکل سکونتگاه‌ها

● سکونتگاه‌ها به طور کل به سه دسته عشایری، روستایی و شهری تقسیم می‌شود.



نقش شهرها

● نقش هر سکونتگاه‌ها براساس وضع جغرافیایی اعم از طبیعی یا انسانی تعیین می‌شود.



نکته

نکات تکمیلی:

- ۱) اغلب سکونتگاه‌ها چند نقش دارند.
- ۲) نقش سکونتگاه در چهره و سیمای آن منعکس می‌شود.
- ۳) ممکن است نقش سکونتگاه‌ها در طول زمان تغییر کند یا توسعه و تکامل یابد.

پایه یازدهم

درس ۷: نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)

- فعالیت‌های اقتصادی
- نوع اول ← استخراج از زمین
 - نوع دوم ← تغییر شکل در کارخانه
 - نوع سوم ← خدمات
 - نوع چهارم ← فناوری اطلاعات

نکته

پلانتیشن زمین‌های وسیع کشاورزی هستند که به تولید یک محصول خاص اختصاص دارند.



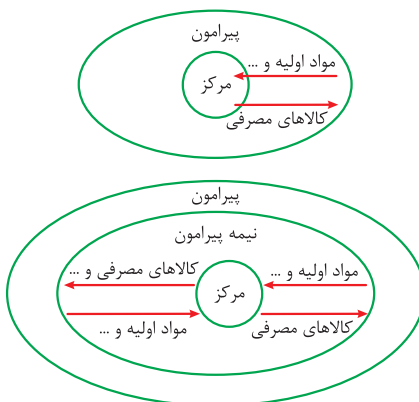
مهم‌ترین نواحی صنعتی جهان

آمریکای شمالی اروپای غربی شرق، جنوب و جنوب شرقی آسیا روسیه و اروپای شرقی

تجارت: خرید و فروش کالاها و خدماتی که نیازهای ما را برآورده می‌کند.
اقتصاد جهانی: تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات که مبتنی بر ارزش یک پول معین صورت می‌گیرد.

دو تعریف

– مفهوم مرکز - پیرامون - نیمه پیرامون –



♦♦ درس ۸: نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی) ♦♦

– نواحی اقتصادی –

اقتصاد، نظامی از تولید، توزیع، مبادله، مصرف کالا و خدمات توسط گروه‌های مختلف اجتماعی در یک ناحیه است.

انواع فعالیت اقتصادی		
نوع	ویژگی‌ها	مثال
نوع اول	فعالیت‌هایی که با استخراج و به دست آوردن مواد خام یا محصول از زمین یا دریا سروکار دارد.	دامپروری، زراعت و ...
نوع دوم	فعالیت‌هایی که طی آن منابع و مواد اولیه در کارخانه تغییر شکل یافته و به کالا تبدیل می‌شود.	خودروسازی
نوع سوم	فعالیت‌هایی که در طی آن خدماتی به دیگران ارائه می‌شود.	امور آموزشی / حمل‌ونقل و ...
نوع چهارم	فعالیت‌هایی که فراهم‌کننده خدمات مربوط به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) و پژوهش و تحقیق و توسعه است.	زیست‌فناوری و صنایع هوافضا

نکته

پلانتیشن‌ها یا مزارع تک‌محصولی یعنی زمین‌هایی که به کشت محصولی خاص تعلق می‌گیرد. حالا چه جوری؟ کشوری ثروتمند (مرکز) می‌آید سراغ کشوری ضعیف و در زمین‌های آن‌جا محصولاتی خاص پرورش می‌دهد و بازار مصرفی خاص خود را هم ایجاد می‌کند. این باعث می‌شود که زمین دچار فرسودگی گردد. نتیجه پیدایش مفهوم مرکز - پیرامون - نیمه‌پیرامون

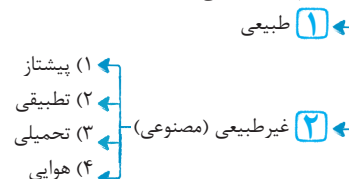


این وسط مفهومی شکل می‌گیرد به نام تجارت بین‌المللی؛ یعنی میزان واردات و صادرات هر کشور تبدیل می‌شود به یک موازنه تجاری. موازنه تجاری مثبت: ارزش صادرات یک کشور بیشتر از واردات آن باشد. موازنه تجاری منفی: ارزش واردات یک کشور بیشتر از صادرات آن باشد.

درس ۹: معنا و مفهوم ناحیه سیاسی

از کشور تا سرزمین -

- ارکان کشور ← (۱) نظام سیاسی (حکومت) (۲) جمعیت (ملت) (۳) سرزمین
- ارکان ناحیه سیاسی ← (۱) نظام مدیریت (۲) قلمرو و فضای جغرافیایی (۳) سازه (ساختار) انسانی
- کشور چیست؟ یک ناحیه مستقل سیاسی که دارای سرزمین مشخص، جمعیت دائمی و مقیم، حکومت مرکزی و حاکمیت بر امور داخلی و خارجی خود است.
 - سرزمین چیست؟ فضا و قلمرو جغرافیایی یک کشور که یکی از بنیادهای هویتی است.
 - مرز چیست؟ خطی قراردادی که برای تعیین حدود یک ناحیه سیاسی از جمله کشور بر روی زمین مشخص می‌شود و انواعی دارد:



پایه دوازدهم

افزایش شهرهای میلیونی

امروزه ۳۴ شهر با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون در سطح جهان وجود دارد.

مادر شهر (متروپل): بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا یک کشور است.

کلان شهر (مگاسیتی): برخی کشورها آن را معادل مادرشهر می‌دانند و به شهرهای بیش از ۱۰ میلیون گفته می‌شود. در ایران به مادرشهرهای بیش از یک میلیون کلان‌شهر می‌گویند.

افزایش شهرهای میلیونی + گسترش حومه‌های آن‌ها ← منطقه مادرشهری

نقش مهم برخی شهرها در اقتصاد و تجارت جهانی ← حوزه نفوذ بسیار وسیع در سطح جهان ← جهان‌شهر

مگالاپلیس: گسترش دو یا چند مادرشهر در مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل و اتصال آن‌ها به یکدیگر.

تغییر در روستانشینی و سکونتگاه‌های روستایی -

مهاجرت از روستاها به شهرها: در اروپا و آمریکای شمالی همگام با توسعه صنعتی، در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین سریع‌تر از توسعه صنعتی.

تغییرات کالبدی و عملکردی روستاها

روابط شهر و روستا -



تغییرات جمعیتی شهری و روستایی در ایران -

تا سال ۱۳۳۵: شهرنشینی کند ← از سال ۱۳۳۵: شهرنشینی سریع ← پس از انقلاب اسلامی: ادامه روند مهاجرت از روستاها به شهرها.

فلسفه و منطق

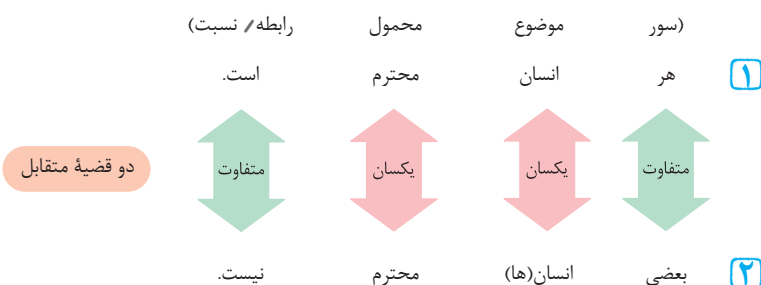
پایه دهم

درس ۷: احکام قضایا

دو قضیه مقابل؛ دو قضیه محصوره دارای موضوع و محمول یکسان



مثال



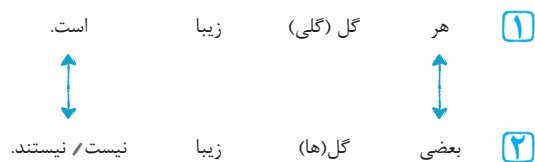
چهار نوع رابطه (دوبه دو) میان قضایای محصوره



۱- تناقض

تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) در کمیت (سور) و کیفیت (رابطه): دو قضیه متناقض: هر کدام نقیض دیگری

مثال



تناقض

موجبه کلیه $\leftrightarrow$ سالبه جزئیه

سالبه کلیه $\leftrightarrow$ موجبه جزئیه

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متناقض

- دو قضیه متناقض هم زمان با هم صادق نیستند. (اصطلاحاً اجتماع آن دو محال است).
- پس: صدق هر کدام $\rightarrow$ کذب دیگری
- دو قضیه متناقض هم زمان با هم کاذب نیستند. (اصطلاحاً ارتفاع آن دو محال است).
- پس: کذب هر کدام $\rightarrow$ صدق دیگری



مهم: اصل امتناع (محال بودن) اجتماع و ارتفاع دو نقیض [به اختصار: اصل امتناع تناقض]

مادر قضایا (در فلسفه بسیار کاربرد دارد).

۲- تضاد

تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کیفیت: دو قضیه متضاد

نکته

تضاد فقط میان دو قضیه کلیه است.
تضاد { موجه کلیه $\leftrightarrow$ سالبه کلیه

مثال

موجه کلیه: هر کتابی مفید است.
نکته: هر / هیچ هر دو سور کلی هستند.
سالبه کلیه: هیچ کتابی مفید نیست.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متضاد

- دو قضیه متضاد هم‌زمان با هم صادق نیستند. (اصطلاحاً اجتماع آن دو محال است).
پس: صدق هر کدام $\rightarrow$ کذب دیگری
- دو قضیه متضاد هم‌زمان می‌توانند با هم کاذب باشند. (اصطلاحاً ارتفاع آن دو جایز است).
پس: کذب هر کدام $\rightarrow$ نامعلوم‌بودن صدق یا کذب دیگری



۳- تداخل -

تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کمیت:
دو قضیه متداخل [کیفیت یکسان]

تداخل { موجه کلیه $\leftrightarrow$ موجه جزئیه
سالبه کلیه $\leftrightarrow$ سالبه جزئیه

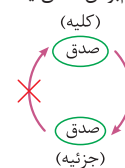
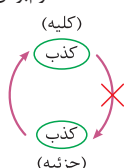
مثال

موجه کلیه: هر کشوری پهناور است.
موجه جزئیه: بعضی کشورها پهناور هستند.
سالبه کلیه: هیچ متکبری متواضع نیست.
سالبه جزئیه: بعضی متکبرها متواضع نیستند.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متداخل

در صدق: صدق قضیه کلیه $\rightarrow$ صدق قضیه جزئیه
صدق قضیه جزئیه $\rightarrow$ نامعلوم‌بودن صدق یا کذب قضیه کلیه

در کذب: کذب قضیه جزئیه $\rightarrow$ کذب قضیه کلیه
کذب قضیه کلیه $\rightarrow$ نامعلوم‌بودن صدق یا کذب قضیه جزئیه



نکته مهم

- مثال نقض: نمونه‌ای که بتواند کلیت یک حکم کلی را از بین ببرد. یعنی نشان دهد یک قضیه کلیه (موجه یا سالبه) صادق نیست. مثلاً اگر کسی بگوید: هیچ زنی رانندگی بلد نیست (سالبه کلیه) نشان‌دادن یک یا چند مورد از زنانی که رانندگان ماهری هستند برای این حکم کلی، آوردن مثال نقض است (و البته آن را نقض می‌کند و از کلیت و عمومیت می‌اندازد).
- مغالطه استثنای قابل چشم‌پوشی: هنگامی که فردی یک قضیه کلیه را بیان می‌کند و برایش مثال نقض می‌آورند، ولی او با استثنانامیدن آن مثال نقض، همچنان به کلیت قضیه خود اصرار کند (حکم کلی را باطل نداند)، دچار مغالطه استثناء قابل چشم‌پوشی شده است.

۴- تداخل تحت تضاد (بخش آبی ستاره‌دار در کتاب: غیرالزامی) -

تفاوت دو قضیه جزئیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کیفیت: دو قضیه متداخل تحت تضاد
تداخل تحت تضاد { موجه جزئیه $\leftrightarrow$ سالبه جزئیه

مثال

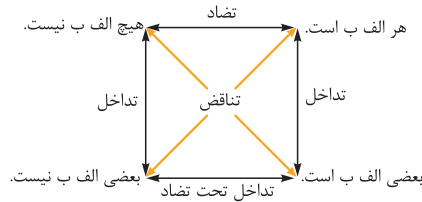
موجه جزئیه: بعضی داستان‌ها پندآموز هستند.
سالبه جزئیه: بعضی داستان‌ها پندآموز نیستند.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متداخل تحت تضاد

کذب هر کدام $\rightarrow$ صدق دیگری (دو قضیه متداخل تحت تضاد هم‌زمان کاذب نیستند).
صدق هر کدام $\rightarrow$ نامعلوم‌بودن صدق یا کذب دیگری (دو قضیه متداخل تحت تضاد هم‌زمان می‌توانند صادق باشند).

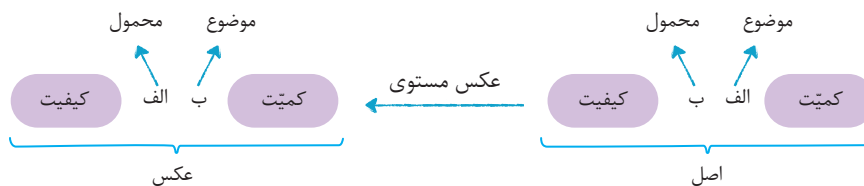


– مربع تقابل –



– عکس مستوی –

جابه‌جایی موضوع و محمول یک قضیه و تبدیل آن به قضیه‌ای دیگر (قضیه اول: اصل / قضیه دوم: عکس)



در صورت رعایت قواعد عکس مستوی (طبق جدول زیر)، اگر قضیه اصل صادق باشد، عکس آن هم صادق است.

اصل	موجبه کلیه (هر الف ب است.)	عکس	موجبه جزئیه (بعضی الف است.)
اصل	موجبه جزئیه (بعضی الف ب است.)	عکس	موجبه کلیه (هر الف ب است.)
اصل	سالبه کلیه (هیچ الف ب نیست.)	عکس	سالبه جزئیه (بعضی الف ب نیست.)
اصل	سالبه جزئیه (بعضی الف ب نیست.)	عکس	سالبه کلیه (هیچ الف ب نیست.)

مثال

اصل: هر مستبدي ستمگر است.	عکس: بعضی ستمگرها مستبدند.
اصل: بعضی بیماری‌ها مسری‌اند.	عکس: بعضی چیزهای مسری بیماری‌اند.
اصل: هیچ مؤمنی دروغگو نیست.	عکس: هیچ دروغگویی مؤمن نیست.
اصل: بعضی انسان‌ها نوجوان نیستند.	عکس لازم‌الصدق ندارد. عکس آن: بعضی نوجوان‌ها انسان نیستند، کاذب است.

مغالطه ایهام انعکاس

عدم رعایت درست قاعده عکس مستوی در جابه‌جا کردن اجزای قضیه (طبق جدول بیان‌شده)

مثال: اصل: هر انسانی ارزشمند است. عکس: هر چیز ارزشمند، انسان است. (عکس کردن موجبه کلیه به موجبه کلیه)

مثال: اصل: بعضی انسان‌ها نویسنده نیستند. عکس: بعضی نویسندگان انسان نیستند. (فرض کردن عکس لازم‌الصدق برای سالبه جزئیه)

نکته

گاهی مباحث مربع تقابل و عکس مستوی را در برخی تست‌ها (عمدتاً در آزمون‌های آزمایشی) با هم ترکیب می‌کنند و سؤال می‌دهند.

مثال متضاد متناقض قضیه «بعضی الف ب است» چیست؟

پاسخ برای رسیدن به پاسخ به نحو برعکس باید به حل بپردازیم:

بعضی الف ب است متناقض هیچ الف ب نیست متضاد هر الف ب است.



مرورنامه آزمون آزمایشی خیالی سبز

فلسفه و منطق

مثال

تقیض عکس متداخل قضیه «بعضی الف ب نیست» چیست؟

پاسخ: بعضی الف ب نیست ← متداخل ← هیچ الف ب نیست ← عکس ← هیچ ب الف نیست ← متناقض ← بعضی ب الف است.

درس ۸: قیاس اقترانی

– ساختار قیاس اقترانی حملی (قیاس اقترانی شرطی خارج از مباحث کتاب است): –

(۱) مقدمه اول (= یک قضیه حملی)	(۱)
(۲) مقدمه دوم (= یک قضیه حملی)	(۲)
∴ نتیجه (= یک قضیه حملی)	∴

مقدمه اول: موضوع نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: صغری.)

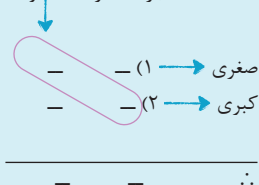
مقدمه دوم: محمول نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: کبری.)

حد وسط: جزء مشترک میان مقدمه اول و دوم یک قیاس اقترانی که باعث ارتباط آن دو و ایجاد نتیجه می شود. (نام دیگر: اوسط.)

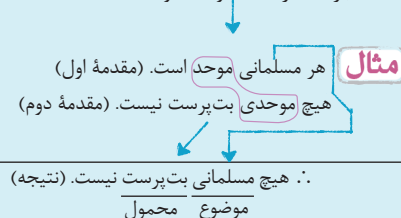
نتیجه: قضیه ای حملی که پس از ارتباط گیری دو مقدمه اول و دوم و حذف حد وسط ایجاد می شود. (یادآوری: موضوع آن از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم گرفته می شود). تعیین اول یا دوم بودن مقدمه های یک قیاس، با بررسی نتیجه قیاس ممکن است.

نکته

جزء مشترک: حد وسط (اوسط)



جزء مشترک: حد وسط (اوسط)



حد وسط در هر یک از دو مقدمه می تواند موضوع یا محمول باشد. تغییر جایگاه حد وسط در چهار حالت قابل فرض است که چهار شکل قیاس اقترانی نام می گیرند.

– روش یادگیری شکل های قیاس اقترانی: –

روش سنتی (استفاده از شعر)

اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز

وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار

حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم

رابع اشکال را عکس نخستین بیار

حد وسط در مقدمه اول محمول بود.	حد وسط در مقدمه دوم موضوع بود.
اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز	وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار
حد وسط اگر در هر دو مقدمه محمول بود، قیاس شکل دوم است.	قیاس شکل اول است.
حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم	رابع اشکال را عکس نخستین بیار
حد وسط اگر در هر دو مقدمه موضوع بود، قیاس شکل سوم است.	شکل و چهار عکس شکل اول است: حد وسط در مقدمه اول موضوع است و در مقدمه دوم محمول است.

روش کتاب درسی (استفاده از حافظه تصویری):

(شکل اول)	(شکل دوم)	(شکل سوم)	(شکل چهارم)
— الف ب —	— الف ب —	— الف ب —	— الف ب —
— ب ج —	— ب ج —	— ب ج —	— ب ج —
— الف ج —	— الف ج —	— الف ج —	— الف ج —
نتیجه	نتیجه	نتیجه	نتیجه



نکته

در اول و آخر قضیه، به ترتیب نشان‌دهندهٔ سور و رابطه است.

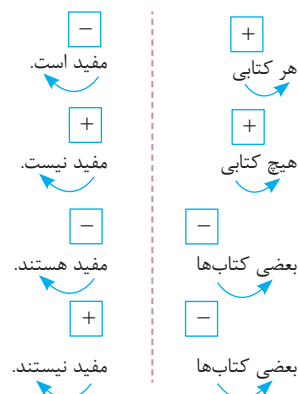
– تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول یک قضیه (یکی از پیش‌نیازهای تعیین اعتبار قیاس اقترانی): –

نکته

تعیین دامنهٔ موضوع و محمول یک قضیه اصلاً به هم ربطی ندارد. دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول را جداگانه بررسی می‌کنیم.

علامت محمول	روش تعیین دامنهٔ مصادیق محمول	علامت موضوع	روش تعیین دامنهٔ مصادیق موضوع
–	موجب‌بودن قضیه ← برخی از مصادیق محمول	+	سور کلی (هر / هیچ و مترادف‌های آن) پیش از موضوع همهٔ مصادیق موضوع ←
+	سالبه‌بودن قضیه ← همهٔ مصادیق محمول	–	سور جزئی (بعضی و مترادف‌های آن) پیش از موضوع بعضی از مصادیق موضوع ←

مثال



– اعتبارسنجی قیاس اقترانی: –

پنج گام (دو پیش‌شرط + سه شرط) را به ترتیب باید طی کرد. در هر یک از مراحل اگر هر کدام به درستی رعایت نشده بود، قیاس نامعتبر است و شرایط بعدی را هم بررسی نمی‌کنیم.

به لحاظ لفظی: لفظ چیزی اضافه یا کم نداشته باشد. (جمع‌بودن حد وسط در یک مقدمه و مفردبودن در مقدمهٔ دیگر و یا نکره‌داشتن در یک مقدمه و نداشتنش در مقدمه‌ای دیگر، مشکلی ندارد).

مثال: انسان از خاک است، خاک بی جان است؛ پس انسان بی جان است. (عدم تکرار حد وسط)

هر درختی گیاه است، برخی درختان دارای عمری طولانی هستند؛ پس برخی گیاهان دارای عمری طولانی هستند. (تکرار حد وسط)

به لحاظ معنایی: اشتراک لفظ رخ ندهد.

مثال: در باز است، باز پرنده است؛ پس در پرنده است.

دلالت لفظ بر معنا در هر کاربرد حد وسط، یکی باشد.

مثال: مخالفان ما الاغ هستند! (دلالت التزامی: کنایه از نادانی)، الاغ علف‌خوار است (دلالت مطابقی)؛ پس مخالفان ما علف‌خوارند.

اگر حتی یکی از دو مقدمه قیاس، سالبه است، نتیجه هم قطعاً باید سالبه باشد. (قیاسی که این گونه نباشد، معتبر نیست). مثال: هیچ باغبانی بی سواد نیست. هر بی‌سوادی، کتاب نخوانده است؛ پس هر باغبانی کتاب نخوانده است. (نامعتبر)

(۱) هر دو مقدمه سالبه نباشد. مثال: هیچ مجرمی بی گناه نیست. هیچ بی‌گناهی سزاوار زندان نیست؛ پس هیچ مجرمی سزاوار زندان نیست. (نامعتبر) [نکته مهم: این شرط را با قانون نتیجهٔ قیاس (پیش‌شرط دوم) اشتباه نگیرد.]

(۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد. (حداقل در یکی مثبت باشد). مثال: برخی انسان‌ها باسواد هستند. برخی انسان‌ها بی سواد هستند؛ پس برخی باسوادها، بی سواد هستند. (نامعتبر)

(۳) اگر موضوع یا محمول نتیجه، دارای علامت مثبت باشد، باید در مقدمات هم علامتش مثبت باشد. اگر موضوع و محمول نتیجه، هر دو دارای علامت منفی بود، شرط سوم خودبه‌خود رعایت شده است و دیگر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

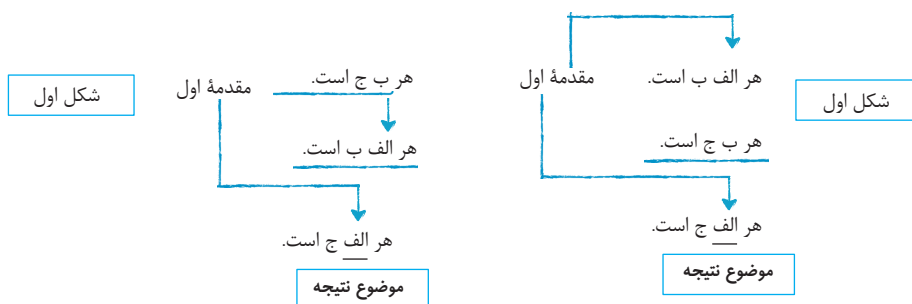
مثال: هر کارشناس ارشدی، باسواد است. بعضی انسان‌ها، کارشناس ارشد نیستند؛ پس برخی باسوادها انسان نیستند. (نامعتبر)

– نکته‌ای در مورد تفاوت شکل اول با شکل چهارم: –

تنها با جابه‌جا کردن مقدمات استدلال شکل اول، این شکل به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.



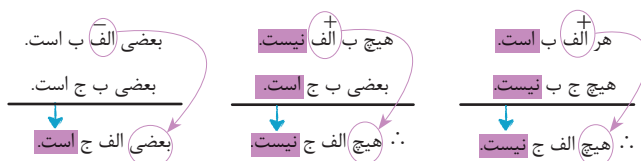
شکل اول و چهارم بودن یک قیاس، فقط بر اساس مقدمات قیاس تعیین نمی‌شود؛ بلکه دقت به نتیجه در تعیین نوع شکل، نقش اساسی دارد.



موضوع در نتیجه، مقدمه اول استدلال و محمول در نتیجه، مقدمه دوم استدلال را تعیین می‌کنند. برای همین، فقط با جابه‌جا کردن ترتیب مقدمات (بدون تغییر در نتیجه)، هم‌چنان شکل اول، شکل اول خواهد بود و به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.

– قانون کمیت نتیجه (بخش غیرالزامی) –

اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت مثبت باشد، برای نتیجه سور کلی قرار می‌دهیم. اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت منفی باشد، برای نتیجه سور جزئی قرار می‌دهیم.



پایه یازدهم

درس ۷: ابزارهای شناخت (در وجود انسان)

- تلاش فیلسوفان در این مورد:
 - (۱) شناسایی ابزارهای شناخت
 - (۲) تعیین قلمرو کاربرد آن
- ابزارهای شناخت انسان:
 - (۱) حس
 - (۲) عقل
 - (۳) قلب

(۱) حس (حواس پنجگانه)	
کارکرد	- کمک به آشنایی با عالم طبیعت و بسیاری از موجودات و ویژگی‌های آن‌ها با کمک حواس پنج‌گانه. - زندگی انسان در طبیعت، بر پایه شناخت حسی و بهره‌مندی از اشیاء طبیعی و رفع نیاز براساس آن.
اعتبار	اعتبار بسیار برای انسان به رغم خطاهای گاه‌به‌گاه در شناخت حسی (پی بردن به خطای حس با کمک خود حس)
از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی	- توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها - شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیاء ← استفاده‌های مختلف انسان از اشیای متفاوت به کمک عقل



عقل (۲)	
کارکرد	درک حقایق ناممکن از راه حواس با کمک این قوه (حقایق محسوس و طبیعی + حقایق غیرمحسوس و غیرطبیعی)
شناخت تجربی	شناختی به دست آمده از همکاری عقل و حس (کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی) / کارکرد: شناخت قوانین طبیعی و اسرار و رموز طبیعت
قاعده‌های عقلی شناخت تجربی (مورد استفاده دانشمندان در هنگام بررسی داده‌های حسی)	(۱) پدیده‌ها خودبه‌خود پدید نمی‌آیند، بلکه هر پدیده نیازمند علت است. (۲) هر پدیده علتی ویژه دارد و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید. (۳) طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند.
نقش ارسطو و ابن سینا	● ارسطو: از اولین دانشمندان پایه‌گذار مبانی علوم تجربی، متبحر در فلسفه و دانشمند علوم طبیعی ● ابن سینا: دارای کتب متعدد در فلسفه و علوم طبیعی، تأملات عمیق در اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن؛ قانون علیت پایه و اساس هر تجربه نه برآمده از تجربه و آزمایش؛ قانون علیت یکی از قواعد اولیه عقل (مورد استفاده در شناخت هر پدیده)
کارکرد دیگر عقل (شناخت احوال درون)	شناسایی حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت و ... و علل پیدایش آن‌ها (کارکردی بیش از استفاده از حواس بیرونی)
شناخت عقلی	دانش‌های به دست آمده و پایه‌گذاری‌شده توسط عقل صرفاً از طریق تفکر و چینش استدلال (تعقل محض) بدون استفاده از یافته‌های تجربی؛ مانند: بسیاری از دانستنی‌های ریاضی، فلسفه (مثال برای فلسفه: شناخت ذات و صفات خدا)
فایده شناخت عقلی	امکان دست‌یابی انسان به یافته‌هایی سودمند، ولی غیر قابل تجربه درباره کل هستی و اساس قراردادن آن‌ها برای سایر دانش‌ها و استوار کردن پایه‌های زندگی خویش بر آن‌ها (فهم این یافته‌ها نیازمند فلسفه)

قلب (۳)	
کارکرد	توانایی رسیدن بی‌واسطه به حقایق و کسب معرفت
معرفت شهودی	معرفت بی‌واسطه به دست آمده از طریق ابزار قلب
راه رسیدن به معرفت شهودی	(۱) تقویت ایمان (۲) تعالی بخشیدن به نفس (۳) تهذیب نفس (۴) کمال‌طلبی همراه با عبادت خالصانه
ویژگی‌های معرفت شهودی	تدریجی و گام به گام / بی‌واسطه: تجلی در قلب (بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی)
وجه تسمیه (علت نام‌گذاری) معرفت شهودی	دریافت حقایق توسط قلب انسان شبیه به دیدن با چشم (شهود قلبی و نه با چشم) مانند شهود آخرت در زندگی دنیایی یا شهود فرشتگان
وحی الهی؛ برترین شهود	● وحی الهی: یکی از شهودهای قلبی ویژه پیامبران ● معرفت وحیانی: معارف از طرف خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران در اختیار بشر قرار گرفته ● دریافت کننده وحی: پیامبران الهی ● ویژگی‌های شهود وحیانی: نازل کردن حقایق و معانی و حتی گاهی کلمات و عبارات بر قلب پیامبر / دریافت آن‌ها توسط پیامبر / عدم دخل و تصرف در آن‌ها از سوی پیامبر ● قرآن: وحی خدا بر قلب آخرین پیامبر ● راه آگاهی ما از قرآن: تأمل و تدبر در آن به میزان توانایی و همت خود

درس ۸: نگاهی به تاریخچه معرفت

- دوره جدید اروپا: از رنسانس تاکنون (بیکن، دکارت، کانت، هگل و ...)
- شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران: فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق، ملاصدرا و ...
- فلسوفان اروپایی: قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید اروپا
- یونان باستان: فیلسوفان پیش از سقراط، خود سقراط و فیلسوفان پس از سقراط (افلاطون، ارسطو و ...)



دوره یونان باستان	
از اولین صاحب نظران پیرامون شناخت / عدم استقلال معرفت شناسی / نظر اکثریت: اهمیت دادن به شناخت حسی و توجه کمتر به شناخت عقلی دو مسئله مورد توجه اندیشمندان این دوره: (۱) مسئله شناخت (۲) میزان انطباق شناخت با واقعیت هراکلیتوس: اهمیت دادن به عقل علاوه بر اهمیت دادن به حس + اعتبار شناخت حسی: درک و دریافت حرکت در جهان از طریق حس وجود حرکت در جهان پارمنیدس: عدم اعتبار شناخت حسی به دلیل خطاهای حواس → عدم وجود حرکت در جهان = ثبات و پایداری همه اشیاء	متفکرین پیش از سقراط
زیر سوال بردن اصل امکان شناخت به دلیل: (۱) اختلاف نظر فیلسوفان (۲) مغالطه های خودشان (سوفسطائیان) ادعای سوفسطائیان: عدم امکان دستیابی به حقیقت (نه از راه عقل و نه از راه حس) / حس کردن ≠ ما خبر دادن از واقعیت بیرونی (احساس: تنها چیز در اختیار ما) عقیده پروتاگوراس سوفسطائی: حقیقت: گواهی حواس هر کس برای خودش (چه یکسان با دیگران، چه متفاوت) → عدم یکسان بودن حقیقت برای همه شیاء هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.	سوفسطائیان (سوفیست ها)
کوشش در جهت: (۱) تبیین راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن (۲) توضیح راه های گریز از خطا افلاطون: شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی / امور مورد درک عقل دارای ارزشی برتر / عقل توانا بر شناخت عالمی برتر از جهان طبیعت (عالم مُثُل) و استدلال بر آن / عالم طبیعت: سایه عالم مُثُل / معتقد به شهود قلبی / معتقد به مشاهده عالم مُثُل توسط سقراط (نکته: افلاطون شناخت حسی را انکار نکرده است؛ بلکه شناخت عقلی را بالاتر می داند). ارسطو: با تدوین منطق → آموزش قواعد استدلال و شیوه های دورماندن از خطا و مغالطه / ممانعت از رشد سفسطه در جامعه / معتبر دانستن شناخت حسی / استدلال: کار عقلی و معتبر / توانایی عقل بر پی بردن به امور ماورای حس و اثبات آن	سقراط، افلاطون و ارسطو
دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران	
معتقد به اعتبار هر سه ابزار حس، عقل و قلب = اعتبار معرفت حسی / معرفت عقلی / معرفت شهودی و وحیانی (هر کدام در جای خود معتبر) / توجه ویژه برخی به حس و عقل، برخی به شهود قلبی، برخی پیوند بین سه ابزار اما فلسفی بودن یک معرفت در گروه استدلال عقلی است.	اعتقاد عمومی (اکثریت) فیلسوفان این دوره
(۱) معتبر دانستن حس و عقل (مانند افلاطون و ارسطو) (۲) معتقد به اعتبار خاص شناخت وحیانی: ویژه پیامبران (۳) نیم نگاه به شناخت شهودی، عدم استفاده از آن در تبیین فلسفی خود	فارابی و ابن سینا (تداوم اعتبار حس و عقل)
(۱) شخصیت مهم در فلسفه و عرفان (۲) تأکید بسیار بر معرفت شهودی (۳) کوشش بر تبیین استدلالی دستاوردهای شهودی خویش (۴) بنانهادن نظام فلسفی خویش بر پایه شهودهایش	سهروردی (توجه به شهود در فلسفه)
(۱) تکمیل راه شیخ اشراق (۲) بهره برداری از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی (۳) بنا کردن دستگاه منسجم فلسفی با هویت کاملاً فلسفی (مبتنی بر منطق و استدلال) + بهره مند از شهود و اشراق (۴) ایجاد پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی (۵) اثبات عدم تضاد و تناقض میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی (عقل و وحی تأیید کننده هم)	ملاصدرا (قرن ۱۱) (بهره مندی از همه ابزارهای معرفت)



دوره جدید اروپا (قرن ۱۶ تاکنون)		
ویژگی کلی این دوره	(۱) خارج شدن تدریجی اروپا از حاکمیت کلیسا (۲) گسترش علوم تجربی (۳) تحولات گسترده در حوزه‌های اجتماعی (سیاست، فرهنگ، فلسفه و ...) (۴) تحولات در بخش معرفت‌شناسی فلسفه: توجه ویژه به معرفت‌شناسی (کانون مباحث فلسفی اروپا) (۵) آغاز دوره جدید فلسفه با پیشگامی بیکن و دکارت ● نزاع اصلی: در کسب معرفت آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و ما را بهتر به حقایق می‌رساند یا استدلال عقلی؟ ● رای به اعتبار بیشتر تجربه: تجربه‌گرایان ● رای به اعتبار بیشتر عقل: عقل‌گرایان	
	تجربه‌گرایی	● اهمیت بیشتر تجربه: (۱) تجربه: اساس کسب معرفت (۲) دلیل تأکید بر تجربه: توجه کمتر به تجربه در قرون وسطی و عقب‌ماندگی علوم تجربی تجربه‌گرایان فرانسویس بیکن (از نخستین تجربه‌گرایان): دنباله‌روی فیلسوفان گذشته از ارسطو ————— تکیه بر استدلال عقلی ————— محصورماندن علوم تجربی در خرافات و تعصبات بی‌جا و پیشرفت نکردن جان لاک، فیلسوف قرن ۱۷ انگلستان
دو جریان فکری عمده در دوره جدید اروپا	عقل‌گرایی	● دکارت: (۱) فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ / عقل انسان به طور ذاتی دارای معرفت‌هایی که از تجربه به دست نیامده و بی‌نیاز از حس و تجربه برای فهم آن‌ها. مثال: معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا. (۲) عدم مخالفت با علم تجربی / نقش موثر در پیشرفت علم در اروپا (۳) تفاوت با تجربه‌گرایان: قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی غیرتجربی و فقط متکی بر استدلال عقلی
کانت (قرن ۱۸)	● طرح دیدگاه جدید: (۱) کوشش برای اثبات اعتبار عقل و حس (۲) معرفت حاصل همکاری عقل و حس (۳) قوه ادراکی انسان پیش از هر تجربه، درون خودش مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را دارد. هر داده حسی که از بیرون می‌آید با این مفاهیم درک و فهمیده می‌شود.	
پوزیتیویسم (حرکت به سوی تجربه‌گرایی مطلق)	● غلبه جریان تجربه‌گرایی بر عقل‌گرایی در اروپا ————— پیدایش دیدگاه‌های جدیدی در میان تجربه‌گرایان (از جمله: پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) اوگوست کنت (قرن ۱۹) از مؤسسان پوزیتیویسم و استفاده‌کننده از این اصطلاح برای اولین بار ● پوزیتیویسم: (۱) تجربه: تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت (۲) بی‌معنایی و عدم قابلیت بررسی علمی مفاهیم و گزاره‌های تجربه‌ناپذیر (مانند خدا، اختیار، نفس و روح)	
نسبی‌گرایی	● علت رشد اندیشه نسبی‌گرایی: بی‌مهری به تفکر عقلی ————— ایجاد اشکالات نظری متعدد: (۱) محدودیت روش تجربی (ناتوانی در پاسخگویی به سؤالات مهم انسان به دلیل نداشتن ابزار آن مانند نیاز جهان به مبدأ) (۲) ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیاء و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان‌ها ————— از بین رفتن قطعیت احکام تجربی ● نتیجه این مشکلات: زیر سوال رفتن واقع‌نمایی دانش تجربی / ظهور جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ● نسبی‌گرایی: (۱) هر فرد دارای شناخت متناسب با ویژگی‌های خود و متفاوت با شناخت دیگران (۲) اعتبار شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش ● نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی ————— بروز در حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی، اخلاق، حقوق و دین ————— نسبی‌گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق	
پراگماتیسم	● پراگماتیسم: اصالت عمل، مصلحت عملی ● پراگماتیست‌ها: (۱) تجربه تنها راه شناخت اشیاء، اما ناتوان از رسیدن به واقعیت آن‌ها (۲) هدف ≠ کشف واقعیت / هدف = کشف باورهای مفید کاربردی در عمل (۳) مفیدبودن دانش در عمل = درست‌بودن	
وضعیت فعلی	● ادامه تحولات معرفت‌شناسی از اواسط قرن بیستم ————— پیدایش جریان‌های دیگری در اروپا و آمریکا (مکمل جریان‌های قبلی) ● جریان تجربه‌گرایی (امروزه دارای قالب‌های جدید) در اروپا و آمریکا: همچنان غلبه بر عقل‌گرایی ● طرفدار داشتن راه‌های دیگر معرفت (= شهود عرفانی و وحی) ● برخی از فیلسوفان معاصر تجربه‌گرا معتقد به شهود عرفانی و تجربه دینی (نوعی شناخت قلبی) مانند ویلیام جیمز و هانتی برگسون	



درس ۹: چیستی انسان (۱)

موضوع	بررسی مسائل بنیادین و مهم درباره انسان مانند چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آینده انسان، ویژگی‌های متمایز (جداکننده) انسان (از سایر موجودات) و هویت انسانی
واژه معادل انسان‌شناسی	خودشناسی (خود در معنای حقیقت انسانی)
معنای دیگر خودشناسی	شناخت هر کس از خود، ویژگی‌ها و خصلت‌های خویش (کاربرد بیشتر در مباحث تربیتی)

دیدگاه فیلسوفان (یونانی و اروپایی) درباره حقیقت انسان

دوره یونان باستان	اولین نظر دقیق و روشن درباره انسان در دوره یونان باستان / به میزان زیادی منعکس کننده اندیشه‌های سقراط - حقیقت برتر انسان (غیر از بدن او) - بدون محدودیت‌های بدن - نامرئی - نفس از نظر افلاطون: با ارزش‌ترین دارایی انسان - تنها موجود به طور خاص دارای عقل و خرد - جزء عقلانی انسان (متمایزکننده او از حیوانات) غیرفانی و جاوید - توجه و مراقبت از نفس، وظیفه هر انسان / زیبایی نفس و آراستگی آن به فضایل - پذیرش نظر افلاطون (قوة نطق و قابلیت حیات برای نفس است نه بدن) - بدن بدون نفس = یک موجود مرده - حالت بالقوه نفس انسان در هنگام تولد / کسب تدریجی اموری مثل علم، احساس و... به فعلیت رسیدن - مقصود اصلی از نطق: قوة تفکر و نه صرفاً سخن گفتن (نطق با خود هنگام استدلال / انتقال محتوای استدلال با نطق به دیگران)
دوره جدید اروپا (دوجریان انسان‌شناسی)	همانند افلاطون و ارسطو معتقد به وجود نفس یا روح / قائل به دو بُعد روحی و مادی / حقیقت انسان = روح و نفس انسان - دکارت: بدن ماشینی پیچیده / فعال به طور خودکار / حقیقت «من» انسان ≠ بدن / «من» = روح یا نفس = مرکز اندیشه‌های انسان / استدلال، پذیرش و رد کردن: کار روح / روح و بدن کاملاً از هم مجزا و دارای خاصیت متفاوت اما همراهی با هم و روح استفاده کننده از بدن / رها بودن و آزادی روح از قوانین فیزیکی / تبعیت بدن (مانند دیگر اجسام) از قوانین فیزیکی = آزاد نبودن بدن - اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده آزاد و نفس مختار او (با استدلال متفاوت از دکارت) - انسان: موجودی اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی - بی‌معنایی وجود وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و اراده آزاد (وجدان اخلاقی → اختیار) - اختیار: ویژگی نفس و نه بدن مادی - عموم فیلسوفان عقل‌گرای دیگر: انسان علاوه بر بدن، دارای یک حقیقت روحانی برتر دارای اختیار و اراده (پیروی از دکارت و کانت) - معتقدین به انسان تک‌ساحتی (تک‌بعدی) = (مادی) - متماثل به انکار کلی وجود نفس (انسان = موجود مادی) یا تلقی آن به عنوان امری فرعی نسبت به بدن و از آثار و لوازم بدن ۱) همه موجودات و از جمله انسان فقط دارای ساحت (بعد) مادی و جسمانی ۲) ذهن و روان = مغز و سلسله اعصاب انسان ۳) انسان = یک ماشین مادی بسیار پیچیده نه چیزی فراتر از آن - توماس هابز (قرن ۱۷ انگلستان): از ماتریالیست‌های اولیه / ذهن بشر = یک ماشین پیچیده مادی شبیه یک دستگاه مکانیکی (مثلاً موتور اتومبیل) - مارکس (قرن ۱۹): فیلسوف ماتریالیست / انسان فقط یک موجود مادی / نیازهای اصلی او نیازهای مادی / نیاز به اجتماع، قانون و اخلاق همه به خاطر نیازهای مادی - انکارکنندگان نفس ۱) عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها ۲) اخذ نتایج فلسفی از نظریه داروین درباره تحول و پیدایش انسان از حیوان → انسان = یک حیوان راست‌قامت ۳) عدم تفاوت حقیقی انسان با سایر حیوانات (فقط پیچیده‌تر از سایر حیوانات) - ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها - عدم تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات → عدم ارزش ویژه انسان - ورود انسان‌ها به زندگی اجتماعی → ابداع و رعایت اصول اخلاقی و توجه به فضائل برای امکان زندگی با هم (≠ فضیلت‌گرایی فطری انسان)



پایه دوازدهم

درس ۲: «جهان ممکنات»

(۱) ضرورت (وجوب): محمول، ذاتی موضوع و برای آن ضروری و واجب باشد. مثال: مثلث شکل سه ضلعی است.

(۲) امکان: محمول برای موضوعش ضروری نباشد (موضوع هم می‌تواند محمول را بپذیرد هم می‌تواند نپذیرد) مثال: دستپخت من خوشمزه است.

(۳) امتناع: برقراری ارتباط بین موضوع و محمول غیرممکن (محال / ممتنع) است. مثال: عدد ۵ زوج است.

نسبت‌های سه‌گانه در قضایا (منظور از ضرورت و امتناع، ضرورت و امتناع عقلی است).

رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

واجب‌الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه حتمی دارد؛ مثال: خدا

ممکن‌الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه امکانی دارد؛ مثال: انسان، درخت و ...

ممتنع‌الوجود: موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه محال دارد؛ مثال: دایره مربع

اگر در یک قضیه، وجود به عنوان محمول قرار بگیرد با موضوعش یکی از سه نسبت ذکر شده را دارد. در نتیجه سه نوع موضوع داریم:

ضرورت وجود از ناحیه ذاتش: واجب‌الوجود بالذات

ضرورت وجود از ناحیه غیرش (علتش): واجب‌الوجود بالغير

ضرورت عدم به خاطر نبودن علتش: ممتنع‌الوجود بالغير

ضرورت عدم به خاطر ذات خودش: ممتنع‌الوجود بالذات

وجود دارد. (مصادق خارج از ذهن دارد). واجب‌الوجود

وجود ندارد. (مصادق خارج از ذهن ندارد). ممتنع‌الوجود

هر مفهومی که به ذهن بیاید از دو حالت بیرون نیست:

اگر موجود شود: واجب‌الوجود بالغير

اگر موجود نشود: ممتنع‌الوجود بالغير

ممکن‌الوجود بالذات (آنچه ذاتاً ممکن‌الوجود است یعنی می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد).

پدیده‌های پیرامون ما ذاتاً ممکن‌الوجود هستند:

ذاتشان این طور نیست که حتماً موجود نباشند؛ بلکه می‌توانند باشند (و هستند! الان واجب‌الوجود بالغيرند).

ذاتشان این طور نیست که حتماً موجود باشند؛ بلکه می‌توانستند نباشند.

اقتصاد

درس ۸: منابع غیرفعال و منحنی مرز امکانات تولید

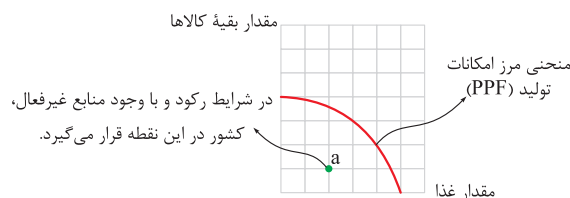
با کاهش تولید و پدید آمدن رکود: کارگران کم‌تری مورد نیاز است. / سرمایه کم‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

● در این حالت اقتصاد دارای منابع بیکاری است که این منابع می‌توانستند برای تولید کالا و خدمات استفاده شوند. (اما در حال حاضر از آن‌ها برای تولید هیچ چیز استفاده نمی‌شود).

● به دلیل وجود این منابع بیکار (به عنوان مثال شاید برخی از کارخانه‌ها بسته شده‌اند و یا بعضی از کارگرها بیکار هستند)، کشور در زیر مرز امکانات تولید (نقطه a در شکل زیر) قرار می‌گیرد.

وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، به راحتی می‌تواند با استفاده از آن منابع غیرفعال، کالا و خدمات زیادی تولید کند.

وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.



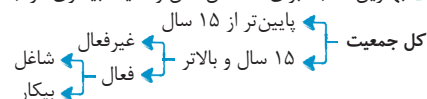
– اشتغال و بیکاری –

تعریف	مفاهیم اقتصادی
کسانی که در ازای کاری که انجام می‌دهند دستمزد یا حقوق می‌گیرند. (این شغل می‌تواند تمام‌وقت یا پاره‌وقت باشد).	شاغل
کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در جست‌وجوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند.	بیکار
افرادی که مشغول به کارند (جمعیت شاغل) یا دنبال کار هستند (جمعیت بیکار).	جمعیت فعال
تعداد افراد بیکار + تعداد افراد شاغل = جمعیت فعال جامعه	
افرادی که در سن کار (بالای ۱۵ سال) قرار دارند، ولی شاغل یا بیکار نیستند. (مانند دانشجویان و دانش‌آموزان بالای ۱۵ سال، بازنشسته، انهدار و افراد بالای ۱۵ سال که دنبال کار نمی‌گردند).	جمعیت غیرفعال

– نرخ بیکاری –

- ۱. اساسی‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور است.
- ۲. نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور ضربدر عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.
- ۳. بهترین سنج برای مشخص شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

$$۱۰۰ \times \frac{\text{جمعیت بیکار } ۱۵ \text{ ساله و بیشتر}}{\text{جمعیت فعال } ۱۵ \text{ ساله و بیشتر}} = \text{نرخ بیکاری}$$



جمعیت زیر ۱۵ سال + جمعیت ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت کل کشور
 جمعیت فعال + جمعیت غیرفعال = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر
 جمعیت شاغل + جمعیت بیکار = جمعیت فعال

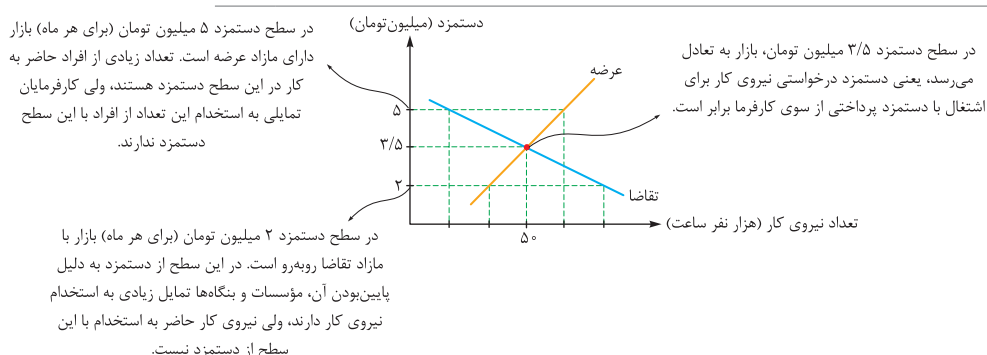
– چرا بیکاری را بیشتر از آن‌چه اعلام می‌شود، احساس می‌کنیم؟ –

طبق تعریف اقتصاددانان	تصور عموم مردم
کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار محسوب نمی‌شوند.	کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، خود را بیکار محسوب می‌کنند.
همه کسانی را که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می‌آورند.	کسانی که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند، در جست‌وجوی شغل تمام‌وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.
همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند.	کسانی که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.
برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری و ... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.	

– بازار نیروی کار –

- ۱. همان‌طور که در بازار کالا، مقدار عرضه یا تقاضای کالا با قیمت آن ارتباط دارد، در بازار کار نیز قیمت نیروی کار که همان دستمزد است، با میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار ارتباط دارد.
- ۲. عرضه‌کننده نیروی کار؛ همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می‌کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان کار قرار دهند.
- ۳. تقاضاکنندگان نیروی کار؛ صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می‌کنند. (گاهی در اقتصاد به تقاضاکنندگان نیروی کار، کارفرما هم می‌گویند).

نمودار زیر، مقدار و قیمت (دستمزد) تعادلی در بازار نیروی کار را نشان می‌دهد:





- انواع بیکاری -

نوع بیکاری	علت
بیکاری اصطلاحی	- این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. - هم‌چنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. - این نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.
بیکاری فصلی	- زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست می‌دهند. - مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان
بیکاری ساختاری	- بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست. - مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.
بیکاری دوره‌ای	- بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. - در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

- بیکاری و رکود چه پیامدهایی دارد؟ -

مشکلات بیکاری برای بیکاران و خانواده‌های آن‌ها:

- از دست دادن درآمد خانوار (۲) از دست دادن بیمه خدمات درمانی (۳) استفاده از پس‌انداز خود برای تأمین غذا، پوشاک و مسکن (برای خانواده‌هایی که هیچ دستمزد دیگری ندارند). (۴) قرض گرفتن از دیگران برای تأمین نیازهای خود (۵) ناتوانی در پرداخت هزینه‌های غیرمترقبه مانند درمان و خرابی لوازم خانگی و ... (۶) بروز اختلافات خانوادگی (۷) افزایش جرم و جنایت در جامعه (۸) تأثیر منفی بر بودجه دولت (میزان بالای بیکاری، دولت را مجبور به صرف پول بیشتر برای برنامه‌های اجتماعی مانند بیمه بیکاری، کمک به تغذیه خانواده‌های نیازمند) می‌کند، در حالی که درآمد مالیاتی دولت به دلیل: بیکاربودن کارگران و کاهش تولید شرکت‌ها کاهش یافته است.
- یکی از پیامدهای غم‌انگیز بیکاری و رکود ← فقر
 - در هر چهار ثانیه یک کودک بر اثر مشکلات مرتبط با فقر در دنیا جان خود را از دست می‌دهد.
 - در کل جهان، ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می‌برند.
 - بسیاری از کشورهای جهان حتی کشورهای با درآمد بالا نیز درگیر نابرابری‌های اقتصادی هستند.

- فقر و انواع آن -

روش کلی در تعیین میزان فقر: مقایسه نیازمندی‌های افراد و یا خانوار با توانمندی‌های آنان برای دستیابی به آن نیازها

فقر نسبی:

- کافی بودن یا نبودن این شاخص‌ها به وضعیت نسبی رفاه گروه‌ها و طبقات مختلف مردم برمی‌گردد؛ این وضعیت به‌ویژه در نواحی‌ای مانند شهر و روستا که از نظر سطح رفاه یکسان نیستند، صدق می‌کند؛ به عنوان مثال ممکن است میزانی از سلامت که برای یک خانوار روستایی ایده‌آل است، برای خانواده شهری ناچیز تلقی شود و براساس آن خود را فقیر بدانند. (این وضعیت منجر به تعریف فقر نسبی شده است).
- در فقر نسبی همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که در آن هستیم محاسبه می‌شود و در نتیجه معیار فقر در مناطق و زمان‌های مختلف متفاوت است.
- با توجه به مفهوم فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است.

فقر مطلق:

- با توجه به تعریف فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است؛ در نتیجه مفهوم فقر مطلق به کار گرفته می‌شود.
- شاخص فقر مطلق را می‌توان معیاری برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت.
- مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق‌اند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.
- در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود.

- عوامل ایجاد بیکاری و فقر در کشور -

- قاچاق یا واردات کالایی که مشابه آن در کشور تولید می‌شود.
- بی‌ثباتی و ناامنی در فضای کسب و کار

- عوامل بی‌ثباتی و ناامنی در فضای کسب و کار اقتصادی -

- عدم توانایی در بازپرداخت وام‌های کلان بانکی
 - نبود فضای مناسب کسب و کار
 - انتظار برای اخذ مجوزهای دولتی یا معطل ماندن در پیچ و خم‌های اداری سازمان‌ها و نهادها جهت راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی یا اضافه کردن خط تولید جدید
 - قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائماً در حال تغییر
 - اختلال در بازارهای انرژی جهان
 - بحران‌های محیط زیستی یا بهداشتی
 - بی‌ثباتی در قیمت‌ها (به عنوان مثال در اقتصاد ایران؛ بی‌ثباتی در قیمت‌ها بر بی‌ثباتی بازار کار و فعالیت اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته است و خود یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود به شمار می‌رود).
- از وظایف دولت‌ها در هر کشوری (۱) اجرای سیاست‌های فقرزدایی (۲) برقرار کردن عدالت



- دولت‌ها موظف‌اند از طریق
- (۱) حمایت از شرکت‌های تولیدی
 - (۲) مبارزه با فساد
- با فقر و بیکاری مبارزه کنند.

مسئولیت اجتماعی مردم

- مردم می‌توانند از طریق
- (۱) ایجاد نهادهای توانمندسازی
 - (۲) خیریه و کمک‌های مردمی
 - (۳) تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه
 - (۴) فعالیت‌های جهادی
- از یکدیگر در برابر خطر فقر و نابرابری محافظت کنند.

درس ۹: تورم و کاهش قدرت خرید

مرحله ۱: مبادله کالا با کالا (پایاپای یا تهاتری) -

معایب	تعریف
● نبودن یک معیار سنجش ارزش ● فاسدشدن برخی از کالاها در طی مبادلات گسترده ● دشواری حمل برخی از کالا ● یافتن فردی که مازاد کالای ما را نیاز داشته باشد و هم‌زمان کالای موردنیاز ما را نیز داشته باشد، بسیار دشوار بود و این امر هزینه‌های مبادلاتی را به شدت افزایش می‌داد.	در این مرحله، کشاورزان، دامداران، صنعتگران و دیگر قشرها، محصولات خود را با یکدیگر به صورت پایاپای مبادله می‌کنند. (هر کس کالای مازاد خود را با کالای مورد نیاز مبادله می‌کرد).

مرحله ۲: گزینش کالاهای خاص به عنوان واحد پول -

معایب	تعریف
● کالای انتخاب‌شده به عنوان وسیله مبادله در صورت استفاده نشدن در مدت‌زمان طولانی، فاسد و غیر قابل استفاده می‌شد. ● به دلیل حجم زیاد، کالاها فضای زیادی را اشغال می‌کردند. ● تأمین جا برای محافظت از این کالاها، هزینه نگهداری آن‌ها را افزایش می‌داد و زیان‌دیدگی تولیدکنندگان را به همراه داشت.	با گذشت زمان انسان‌ها به تدریج دریافتند که بعضی کالاها، مشتریان بیشتری دارند (این کالاها معمولاً بادوام، فاسدنشده و قابل تقسیم به تکه‌های کوچک و پرتعداد بودند). این کالاها به عنوان اولین پول مورد استفاده قرار گرفتند. (مانند: غلات در ایران، صدف در هندوستان، چای در تبت و پوست سمور در روسیه)

مرحله ۳: پول فلزی -

معایب	تعریف
● محدودبودن میزان طلا و نقره ● با افزایش تجارت و مبادله، به پول بیشتری نیز نیاز بود.	● انتخاب برخی از فلزات مانند طلا و نقره به عنوان وسیله مبادله ● رونق فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و حمل‌ونقل

مرحله ۴: پول کاغذی -

معایب	تعریف
● بی‌مبالاتی و یا سوءاستفاده برخی از صرافان از اعتماد مردم ● تعداد زیاد انواع رسیده‌ها و صرافی‌ها که آشنایی و اعتبارسنجی آن‌ها را برای مردم سخت کرده بود. ● (دولت‌ها برای جلوگیری از بروز مشکلات ناشی از به کارگیری رسیده‌ها، چاپ و انتشار اسکناس را برعهده گرفتند. ایده سپردن نشر و چاپ پول به یک بانک تجاری از این‌جا شکل گرفت).	● عده‌ای از بازرگانان در معاملات خود به جای پرداخت سکه‌های فلزی، رسید صادر می‌کردند که بیانگر بدهی آنان بود؛ طرف مقابل براساس اعتمادی که داشت این رسید را می‌پذیرفت؛ به تدریج بازرگانانی که به هم اعتماد داشتند، این رسیده‌ها را بین خود رد و بدل می‌کردند. ● مردم هم برای مصون ماندن از خطرهای احتمالی و رهایی یافتن از حمل مسکوکات در معاملات، پول‌های خود را به صرافان یا تجار معتبر می‌سپردند و در مقابل «رسید» دریافت می‌کردند و در معاملات خود این رسیده‌ها را به کار می‌گرفتند. ● این رسیده‌ها نخستین اسکناس‌ها بودند که طلا و نقره نگهداری‌شده توسط صرافان و بازرگانان، پشتوانه آن‌ها بود.

مرحله ۵: پول ثبتی یا تحریری و پول الکترونیکی و مجازی -

تعریف و ویژگی‌ها
● با دشواری در نقل و انتقال اسکناس‌ها، بانک‌ها خدمات مختلفی را در اختیار مشتریان قرار دادند؛ از جمله «چک». ● در معاملاتی که با چک انجام می‌شود: در حقیقت پول نقد بین افراد رد و بدل نمی‌شود؛ بانک موجودی حسابی را کاهش و موجودی حساب دیگر را افزایش می‌دهد. ● چون افراد خود مبلغ چک را روی آن می‌نویسند به آن «پول ثبتی» یا «پول تحریری» گفته می‌شود. ● امروزه به دلیل افزایش حجم و سرعت مبادلات و همراه شدن آن با انقلاب دیجیتال و الکترونیک، بشر به دنبال روش‌های سریع‌تر و راحت‌تر است. ● امروزه شاهد پول الکترونیکی هستیم که قابل ثبت در کارت‌های بانکی و قابل انتقال در شبکه‌های ارتباطی (تلفنی، تلفن همراه و فضای مجازی) است و کار خرید و فروش و انتقال دارایی را بسیار آسان و سریع کرده است. ● در آینده پول‌های دیجیتالی گوناگونی را خواهیم دید که فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را برای زندگی بشر ایجاد خواهد کرد. «بیت‌کوین» یکی از این پول‌های نوظهور است.



- پشتوانه پول -

● پشتوانه پول عبارت است از: اطمینانی که مردم به ارزش پول در مبادلات دارند.

پول رایج	پشتوانه پول
پول فلزی (طلا و نقره) (در گذشته)	همان طلا و نقره موجود در خود پول
پول کاغذی (در گذشته)	پولهای فلزی و شمشهای طلا و جواهراتی که نزد صراف یا بانک بودند.
پولهای فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که امروزه در دست افراد یا در حساب آنهاست.	قدرت اقتصادی کشور

وظایف پول

● در هنگام خرید و فروش هر کالایی، پول پرداخت می‌شود. ● افراد در مبادلات پول را می‌پذیرند؛ زیرا می‌دانند دیگران نیز هنگام فروش کالا یا خدمت خود، آن را می‌پذیرند. ● نقش اصلی پول در مبادلات = آسان‌سازی مبادله	(۱) وسیله پرداخت در مبادلات
● با پول می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آنها را با هم سنجید. ● این عمل پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت‌ها را به یکدیگر آسان می‌کند. ● هر کشور دارای واحد ارزش خاص خود است، مانند یورو در اتحادیه اروپا، دلار در آمریکا و ریال (تومان) در ایران.	(۲) وسیله سنجش ارزش
● علاوه بر مخارج روزمره، برخی مخارج غیرقابل پیش‌بینی وجود دارند. افراد پول‌هایی را که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، به عنوان وسیله حفظ ارزش در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌دهند.	(۳) وسیله پس‌انداز و حفظ ارزش
● در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت‌های آینده نیز باشد. ● اکثر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد؛ همانند: خریدهای اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی (این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است).	(۴) وسیله پرداخت‌های آینده

* نقدینگی *

- فرمول‌های مهم -

چک پول + سپرده‌های دیداری + اسکناس و مسکوکات = حجم پول
حساب‌های پس‌انداز بلندمدت + حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت = شبه پول
شبه پول + حجم پول = نقدینگی

- حجم نقدینگی می‌تواند کم یا زیاد شود.
- در بیشتر موارد حجم نقدینگی در کشورها با افزایش روبه‌رو است.
- افزایش نقدینگی معمولاً ناشی از عملکرد بانک‌ها است.

- تورم و چگونگی محاسبه آن -

- اقتصاددانان افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها را تورم می‌گویند.
- اگر افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، بی‌رویه، پرنوسان و مداوم باشد، با تورم زیان‌بار روبه‌رو هستیم.
- نرخ تورم عبارت است از درصد افزایش سالانه سطح عمومی قیمت‌هاست.
- تورم نشان می‌دهد که قدرت خرید پول چقدر کاهش یافته است.

- چگونه نرخ تورم را محاسبه می‌کنند؟ -

- برای اندازه‌گیری تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) استفاده می‌کنند.

برای تشکیل شاخص CPI:

- ۱) دولت‌ها معمولاً یک سبد بازار (بسته‌ای از کالاهای گوناگون که عموم مصرف‌کنندگان احتمالاً خریداری می‌کنند، مانند انواع مواد غذایی، ماشین، لباس، خدمات تفریحی و ...) در نظر می‌گیرند.
 - ۲) سپس دولت هزینه این سبد بازار را در طول زمان رصد می‌کند، اگر قیمت این سبد طی یک دوره مشخص ۱۰ درصد افزایش یابد، CPI نیز ۱۰ درصد افزایش دارد.
 - ۳) بعد از جمع‌آوری اطلاعات قیمت از سبد کالاها، دولت از طریق رابطه زیر، شاخص CPI را محاسبه می‌کند:
- $$100 \times \frac{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل} - \text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) معین}}{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل}} = \text{درصد تغییر CPI برای یک ماه (یا یک سال) معین}$$

- پیامدهای تورم -

- تورم بر رفاه مردم و امنیت اقتصادی آنها اثر منفی دارد.
- تورم موجب بی‌ثباتی فضای کسب و کار می‌شود و تولیدکنندگان و بازرگانان نمی‌توانند پیش‌بینی درستی از آینده قیمت‌ها در بازار داشته باشند؛ خرید و فروش کالاها با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.
- مصرف‌کنندگان با کاهش قدرت خرید پولشان مواجه می‌شوند و این بر رفاه آنان اثر منفی خواهد گذاشت.

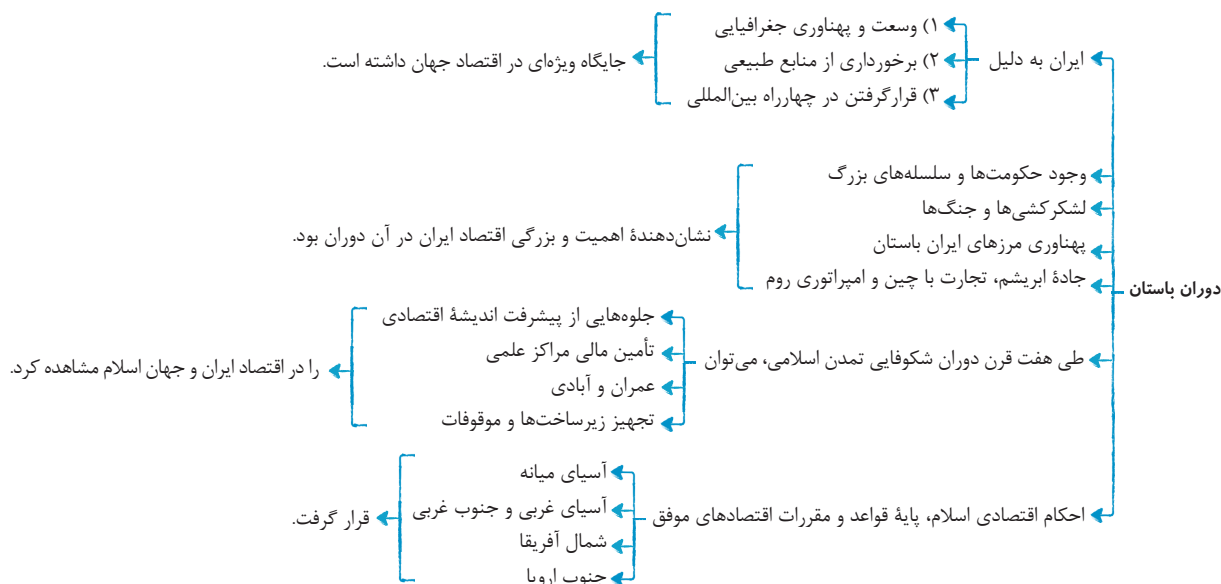
علل تورم و نقش دولت -

علل به وجود آمدن تورم در جامعه
نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه)
ناهماهنگ بودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید
در کشور ما، افزایش درآمدهای نفتی (اگرچه گاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کرده است) باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی شده که تورم‌زا است.
در کشور ما، نوسانات نرخ ارز هم می‌تواند اثر منفی بر ارزش پول ملی ما بگذارد و باعث کاهش قدرت خرید پول ملی و در نتیجه تورم شود.

- در شرایط تورمی، دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد.
- دولت برای افزایش عرضه کالاها (۱) ظرفیت‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. (این روش زمان‌بر است.)
- (۲) از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم می‌کند.
- به سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای «مدیریت حجم نقدینگی» و «حفظ ارزش پول» اعمال می‌کند، «سیاست‌های پولی» می‌گویند.

انواع سیاست‌های پولی	در چه شرایطی توسط بانک مرکزی این سیاست به کار گرفته می‌شود؟	یکی از روش‌های اعمال این سیاست
کاهش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انقباضی)	زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن	روش اعمال این سیاست: سیاست بازار باز (خرید یا فروش اوراق مشارکت) بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به مردم به طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد و تورم را کنترل و نقدینگی در گردش را کاهش دهد.
افزایش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انبساطی)	در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.	بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند.

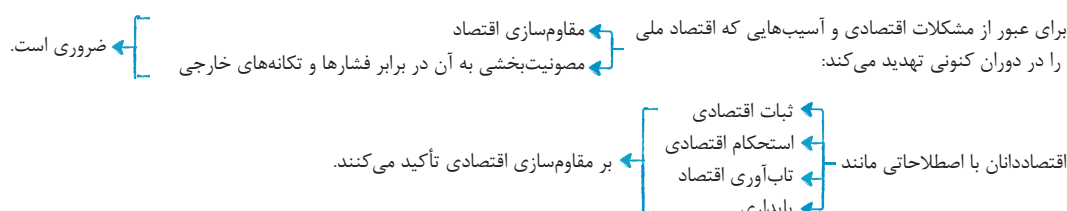
درس ۱۰: مسیر تاریخی اقتصاد ایران







اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی





معنای مقاومت‌سازی اقتصادی؛ مجموع نیروهای مولد، شرکت‌ها، مؤسسات تولیدی و خدماتی یک کشور، روی پای خود بایستند تا بتوانند در صورت به وجود آمدن بحران، تمامی نیازهای اساسی و حیاتی‌شان را خودشان تولید و تأمین کنند و وابسته به بیگانگان نباشند.

اقتصاد مقاوم، محصول خودباوری تلاش و مجاهدت همه‌جانبه و فراگیر مردمان سخت‌کوشی است که حاضر نیستند زیر سایه بیگانگان زندگی کنند و به آنان وابسته باشند.

تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی آسیب‌ناپذیر است. پیشرفته مردمی دانش‌بنیان

اقتصاد مقاومتی با اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان به زانو در نمی‌آید. استفاده از فرصت‌های بیرونی

– استقلال اقتصادی –

- وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان معادل استقلال اقتصادی دانست.
- اما استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست.
- هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد؛ مهم آن است که این تعامل مقتدرانه و از روی تدبیر باشد.

♦♦ درس ۱۱: رشد و پیشرفت اقتصادی ♦♦

– تکاپو برای پیشرفت –

ویژگی‌ها و خصوصیات کشورهای پیشرفته	(۱) معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند. (۲) درآمدها به صورت عادلانه‌تری توزیع شده است. (۳) تعداد بیکاران این کشورها کم است. (۴) در برابر شوک‌های اقتصادی، قدرت مقاومت دارند. (۵) از ثبات نسبی قیمت‌ها و بازارها برخوردار هستند. (۶) در شرایط بحرانی می‌توانند نیازهای اولیه خودشان را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کنند. (۷) از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند. (۸) روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است. (۹) در سطح منطقه و جهان تأثیرگذارند. (۱۰) کشورهای قدرتمندی محسوب می‌شوند و بقیه روی آن‌ها حساب باز می‌کنند.
------------------------------------	---

مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی	● رشد اقتصادی ● شاخص‌های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) ● شاخص توزیع عادلانه درآمد
-----------------------------------	--

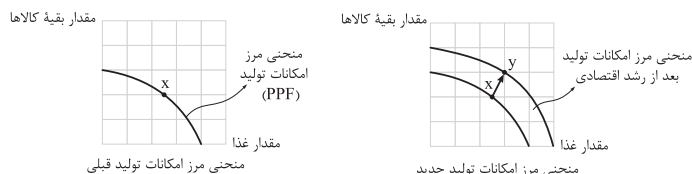
– رشد اقتصادی –

اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، رشد در آن جامعه صورت گرفته است.

- رشد به معنای: افزایش تولید است؛ در نتیجه رشد یک مفهومی کمی است.
- یک منشأ رشد اقتصادی، افزایش در منابع است. به عنوان مثال:
 - ◀ عرضه نیروی کار با: رشد جمعیت در طول زمان افزایش می‌یابد.
 - ◀ سرمایه‌های فیزیکی با: سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و مغازه‌ها افزایش می‌یابند.
 - ◀ سرمایه انسانی با: آموزش افزایش می‌یابد.
- با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می‌تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

- برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی، می‌توانیم از الگوی مرز امکانات تولید استفاده کنیم.
- نمودار صفحه بعد، نشان‌دهنده مرز امکانات تولید یک کشور است. محور افقی نشان‌دهنده مقدار غذای تولیدشده در کشور (همه انواع غذاها) و محور عمودی نشان‌دهنده همه مقادیر از کالاهای دیگر (یعنی همه کالاهای و خدمات به‌جز غذا) است.
- فرض کنیم ابتدا کشور تولید در نقطه X را انتخاب می‌کند.
- واضح است که مردم برای دستیابی به سلامتی و رفاه بیشتر، مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاهای را می‌خواهند. اگر کشور با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد، با گذشت زمان ظرفیت تولیدی کشور توسعه می‌یابد و در نتیجه مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می‌شود. (نمودار سمت راست)
- رشد اقتصادی به کشور امکان می‌دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.



مثال چرا رشد اقتصادی یک هدف مشترک است؟

پاسخ زیرا کشور را قادر می‌سازد تا (۱) کالاهای و خدمات بیشتری تولید کند و (۲) گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد. وقتی اقتصاد رشد می‌کند، کشور می‌تواند از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند.

چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟ (تولید ناخالص داخلی)

تنها ارزش کالاهای و خدمات نهایی تولیدشده در یک سال تقویمی (از اول فروردین تا پایان اسفند) در محاسبه تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود. اقلام باقی‌مانده از سال قبل (یعنی چیزهایی که در یک سال تولید و در سال بعد فروخته می‌شوند) در محاسبات تولید ناخالص داخلی منظور نمی‌گردند.

تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی کالا و خدماتی است که در داخل مرزهای یک کشور (صرف نظر از این‌که چه شهروندی آن را تولید کرده است، حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌های مقیم کشور باشد) تولید می‌شود.

● تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) ارزش پولی همه کالاهای و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی، فقط باید ارزش کالاهای و خدمات نهایی (نه محصولات واسطه‌ای) را در نظر بگیریم. ارزش کالاهای و خدمات واسطه‌ای در تولیدات نهایی محاسبه شده است و اگر آن‌ها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد شده‌ایم.

برای اندازه‌گیری هر چیزی که تولید شده است، نیاز به یک واحد مشترک داریم. می‌توانیم همه کالاهای و خدمات تولیدشده را (صرف نظر از ابعاد، اندازه و وزن) به ارزش پولی که از بازار به‌دست‌آمده برگردانیم و آن‌ها را جمع کنیم.

تولید فقط محدود به تولید کالاهای ملموس مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله‌کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی را نیز شامل می‌شود و باید در محاسبه ما لحاظ شود.

Gross Domestic Product = GDP = (تولید ناخالص داخلی)

● از آن‌جا که هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می‌توان درآمد داخلی را معادل تولید داخلی دانست.

● درآمد داخلی = مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می‌آید.

$$\text{درآمد داخلی} = \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{درآمد سرانه}$$

نکته

در کنار شاخص تولید (درآمد) ناخالص داخلی، اقتصاددانان گاهی از شاخص تولید (درآمد) ملی (GNP) استفاده می‌کنند.

● شاخص تولید (درآمد) ملی (GNP) = ارزش کلیه کالاهای و خدمات نهایی که توسط مردم یک کشور در طول یک سال (چه ساکن در داخل و چه ساکن در خارج از کشور) تولید می‌شود. (در این‌جا تولید خارجی‌های مقیم کشور محاسبه نمی‌شود.)

Gross National Product = GNP = (تولید ناخالص ملی)

سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند + تولید خارجی‌های مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی



– مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند –

- ۱ کار بدون دستمزد: کارهایی که پولی برای آن‌ها رد و بدل نمی‌شود. مانند: کارهای خانه، خدمات داوطلبانه ارائه‌شده در خیریه‌ها
- ۲ خرید و فروش کالاهای دست دوم، مانند: خودرو، میلمان یا خانه (این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند).
- ۳ تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق: اطلاعات دقیقی از این فعالیت‌ها در دست نیست و عملاً محاسبه آن‌ها مشروعیت بخشی به آن‌ها تلقی می‌شود.

– محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن –

- تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در داخل محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور (چه توسط افراد کشور که در داخل ساکن هستند، چه توسط خارجی‌های مقیم آن کشور) در طول یک سال تولید می‌شود.
- برای آن‌که بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\% \times \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} = \text{نرخ رشد تولید}$$

- مهم‌ترین دلیل اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی: نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان

– بررسی یک مشکل –

- قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند به طور مداوم در حال تغییر است. به عنوان مثال، اگر در سال جاری ۱ میلیون خودرو، هر یک به ارزش ۵۰ میلیون تومان تولید شده باشد، داریم:
- هزار میلیارد تومان $50 =$ (میلیون خودروی تولیدشده) $\times 1$ (میلیون تومان) $50 =$ مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری
- اگر سال بعد، همان یک میلیون خودرو تولید شود اما قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون تومان افزایش یابد، خواهیم داشت:
- هزار میلیارد تومان $60 =$ (میلیون خودرو) $\times 1$ (میلیون تومان) $60 =$ مجموع تولیدات خودرو در سال جدید
- حال اگر نتیجه شود تولید کشور به میزان ۱۰ هزار میلیارد تومان $(50 - 60)$ افزایش داشته است، نادرست است؛ چراکه تنها قیمت‌ها تغییر کرده و میزان تولید ثابت مانده است. اقتصاددانان برای حل این مشکل راه‌حلی دارند: قیمت‌های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می‌شود، ثابت فرض شوند؛ در این حالت اثرات انحرافی تغییر قیمت بر محاسبه تولید، حذف و تولید واقعی اندازه‌گیری می‌شود.
- برای حل مسائل، این دو فرمول زیر را به خاطر بسپارید:

ارزش تولید کل در سال پایه – ارزش تولید کل در آن سال به قیمت ثابت = میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش میزان تولید در یک سال

ارزش تولید کل در همان سال به قیمت ثابت – ارزش تولید کل در آن سال به قیمت جاری = میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش قیمت‌ها (تورم) در یک سال

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود.

– شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی –

- شاخص‌های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص به تنهایی نمی‌توانند نشان‌دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشند.
- پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی (یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی) نیست.
- اگر کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی داشته باشد، این به این معناست که: کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است.
- برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخص‌های گوناگونی مانند «شاخص دهک‌ها» استفاده می‌شود.

– شاخص دهک‌ها –

- یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد است.
- از این شاخص در برخی گزارش‌های اقتصادی، به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود.
- برای محاسبه این شاخص:
- ۱ مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.
- ۲ در این طبقه‌بندی، سطح درآمد از کم‌ترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد.
- ۳ گروه اول که ۱۰ درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر، بیشترین درصد درآمد ملی را دارند.
- ۴ سهم هر دهک از سهم دهک ماقبل خود بزرگ‌تر یا مساوی و از سهم دهک بعدی کوچک‌تر یا مساوی خواهد بود.
- ۵ مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ خواهد بود.
- آمارهای مربوط به سهم این دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد.

– وضعیت توزیع درآمد –

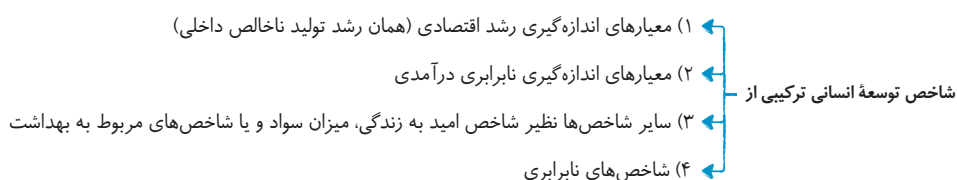
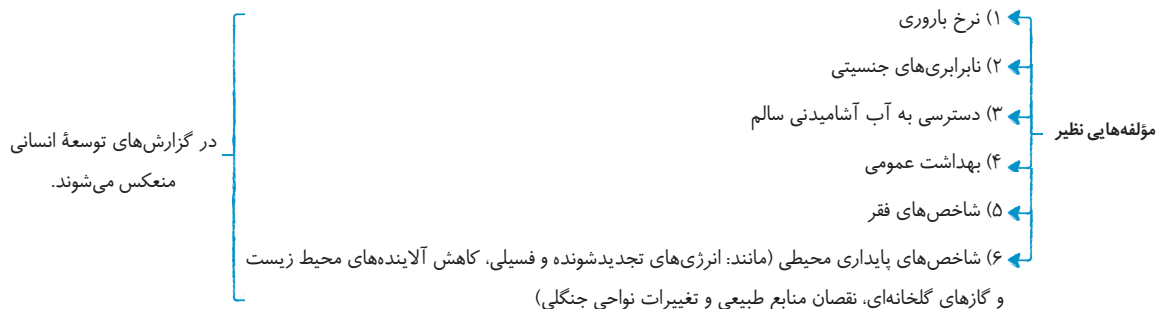
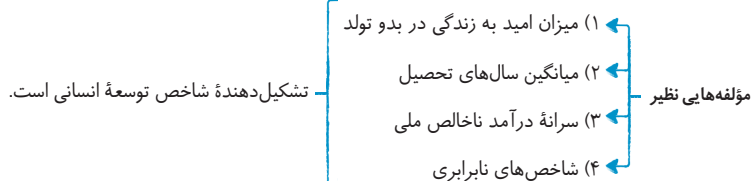
$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد}$$

- هر چه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است و بالعکس.
- گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک‌ها، قابل ثبت نیست.
- به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند. (در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است.)



شاخص توسعه انسانی (HDI) -

یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی کشورهای گوناگون است.



در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ است. (جزء کشورهای با توسعه یافتگی بالا به‌شمار می‌رود).

رتبه HDI	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)	میانگین سال‌های تحصیلی	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	امید به زندگی در بدو تولد	شاخص توسعه انسانی (HDI)	
	دلار PPP	سال	سال	سال	ارزش	
۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	رتبه‌بندی HDI
						توسعه انسانی بسیار بالا
۱	۶۸/۵۹	۱۲/۶	۱۸/۱	۸۲/۳	۰/۹۵۴	۱ نروژ
۲	۵۹/۳۷۵	۱۳/۴	۱۶/۲	۸۳/۶	۰/۹۴۶	۲ سوئیس
۳	۵۵/۶۶۰	۱۲/۵	۱۸/۸	۸۲/۱	۰/۹۴۲	۳ ایرلند
۴	۴۶/۹۴۶	۱۴/۱	۱۷/۱	۸۱/۲	۰/۹۳۹	۴ آلمان
۵	۶۰/۲۲۱	۱۲/۰	۱۶/۵	۸۴/۷	۰/۹۳۹	۵ هونگ کنگ چین

رتبه HDI	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)	میانگین سال‌های تحصیلی	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	امید به زندگی در بدو تولد	شاخص توسعه انسانی (HDI)	
	دلار PPP	سال	سال	سال	ارزش	
۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	رتبه‌بندی HDI



رتبه HDI	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)	میانگین سال‌های تحصیلی	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	امید به زندگی در بدو تولد	شاخص توسعه انسانی (HDI)	توسعه انسانی بسیار بالا
	دلار PPP	سال	سال	سال	ارزش	
۶۵	۱۵/۲۱۸	۱۱/۲	۱۴/۸	۷۵/۸	۰/۷۹۹	۶۳ صربستان
۶۳	۲۸/۴۹۷	۱۱/۰	۱۳/۰	۷۳/۴	۰/۷۹۹	۶۳ ترینیداد و توباگو
۶۳	۱۸/۱۶۶	۱۰/۰	۱۴/۷	۷۶/۵	۰/۷۹۷	۶۵ ایران
۶۶	۲۲/۷۲۴	۰۹/۴	۱۵/۰	۷۴/۹	۰/۷۹۶	۶۶ جزیره موریس

– الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی –

● گرچه شاخص‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید، تصویر مناسبی از پیشرفت یک کشور ارائه می‌کنند، اما به دلایل زیر، این تصویر از پیشرفت، کامل نیست:

۱) شاخص‌های دیگری مانند: مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی، در نظر گرفته نمی‌شوند.

۲) تفاوت‌های بومی، محلی، تاریخی، فرهنگی و عقیدتی کشورها در تعیین شاخص‌های پیشرفت در نظر گرفته نمی‌شوند.

مثال ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان نیستند.

مثال تنوع ارزش‌ها و آداب و رسوم در شاخص‌های پیشرفت یک کشور خود را نشان نمی‌دهد.

مثال اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای مختلف (مثلاً کشور ما با کشورهای سرمایه‌دار غربی) یکسان نیست.

مثال نگاه ما به زندگی با نگاه مثلاً ژاپنی‌ها به زندگی انسان‌ها تفاوت دارد.

● رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

● برخی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در طول سده‌های گذشته برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی، از شاخص‌های توسعه و همچنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده‌اند، استفاده کرده‌اند.

● در کشور ما؛

◀ تلاش‌هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است. (اما همچنان نهادهای سرمایه‌داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده‌ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند.)

◀ اندیشمندان کشور ما، به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت هستند. (الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم قرار دهد.)

● الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی: آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی است که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.